

پایان
الهی

مرکز نشرهاجر
وابسته مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران
ناشر تخصصی زن و خانواده



مرکز نشرها
وابسته مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران
ناشر تخصصی زن و خانواده

سما و سلوک قرآنی

حضرت فاطمه علیها السلام

مرکز نشرهاجر
وابسته مرکز مدیریت حوزه علمیه قم
ناشر تخصصی زن و خانواده

واحد آموزشی - تربیتی فاطمه علیها السلام خمینی شهر

باقری، افسانه، ۱۳۵۹ -
سیما و سلوک قرآنی فاطمه (علیها السلام)
قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، مرکز نشر هاجر، ۱۳۹۲.
۲۰۸ ص.
مسلسل: ۶۴۰
۹-۵۶-۶۸۱۷-۶۰۰-۹۷۸
فاطمه زهرا (س)، ۵۸ قبل از هجرت - ۱۱ ق. -- جنبه‌های قرآنی
فاطمه زهرا (س)، ۵۸ قبل از هجرت - ۱۱ ق. -- فضایل - احادیث
حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، مرکز نشر هاجر
BP ۱۰۴/۲-۱۷۷ ۱۳۹۲
۲۹۷/۱۵۹
۳۵۸۱۷۰۴



سیما و سلوک قرآنی فاطمه علیها السلام

نویسنده: افسانه باقری دستجردی

ناشر: مرکز نشر هاجر (وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران)

تهیه و تنظیم: معاونت پژوهش / مدیریت پشتیبانی پژوهشی

چاپ و صحافی: نگارش

نوبت چاپ: اول / بهار ۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۲/۰۰۰ ریال

تعداد صفحه و قطع: ۲۰۸ صفحه / رقعی

شابک: ۹-۵۶-۶۸۱۷-۶۰۰-۹۷۸



آدرس: قم، بلوار معلم، مجتمع ناشران، واحد ۱۱۴

تلفن: ۰۲۵ ۳۲۱۴۴۴۰۰ پیامک ۳۰۰۰۲۱۴۴۴۰

Hajar.whc.ir

Hajar@whc.ir

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۵
بر آستان قرآن.....	۱۷
مقدمه.....	۲۱

فصل اول: فاطمه علیها السلام در کلام وحی

عدم تصریح نام ائمه اطهار <small>علیهم السلام</small> در قرآن.....	۲۵
جایگاه فاطمه <small>علیها السلام</small> در آیات.....	۲۶
سوره‌هایی که در شأن فاطمه <small>علیها السلام</small> نازل شده است.....	۲۸
سوره ضحی.....	۲۸
نزول آیه «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ» برای حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small>	۲۸
سوره ضحی و حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small>	۲۹
سوره دهر.....	۳۲
شأن نزول سوره دهر.....	۳۳
نکات مهم در ذیل آیات سوره هل اتی.....	۳۵
۱. مائده آسمانی برای اهل بیت <small>علیهم السلام</small> و خاصیت آن.....	۳۵
۲. زمان نزول سوره.....	۳۶
۳. سؤال کنندگان چه کسانی بودند؟.....	۳۶
۴. احترام حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small> در این سوره.....	۳۶

۵. ارائه راه به انسان بوسیله ذکر داستان اصحاب کساء علیهم السلام ۳۷
- ویژگی های اصحاب کساء علیهم السلام در این سوره ۳۷
- سوره قدر ۳۸
- فاطمه علیها السلام ليله القدر عارفان ۳۸
- سوره کوثر ۳۹
- فاطمه علیها السلام کوثر قرآن ۴۰
- نکاتی چند در ذیل سوره کوثر ۴۱
- آیات نازل شده در شأن فاطمه زهرا علیها السلام ۴۵
- الف) آیاتی که در شأن و منزلت اهل بیت نازل شده و حضرت فاطمه به عنوان محور اهل بیت در این آیات شناخته شده است ۴۵
- فاطمه علیها السلام و شب زنده داری ۴۵
- فاطمه علیها السلام مصداق بارز صلاه ۴۵
- فاطمه علیها السلام چشمه دین ۴۶
- فاطمه علیها السلام صاحب علم الهی ۴۶
- فاطمه علیها السلام صحابه اعراف ۴۷
- فاطمه علیها السلام خویشاوند دنیوی و اخروی ۴۸
- فاطمه علیها السلام درخت علم ۴۸
- فاطمه علیها السلام کلمه الله ۴۹
- فاطمه علیها السلام در آیه انفاق ۵۰
- فاطمه علیها السلام از خاندان برگزیده خدا ۵۱
- فاطمه علیها السلام در آیه «مس الكتاب» ۵۲
- الف) مس ظاهری ۵۲

- ب (مسّ باطنی ۵۲
- ج (طهارت ظاهری ۵۳
- د (طهارت باطنی ۵۳
- فاطمه علیها السلام شاخه‌ی شجره طیبه ۵۳
- چند نکته درباره‌ی شجره‌ی طیبه ۵۴
- فاطمه علیها السلام امان مردم از عذاب ۵۵
- فاطمه علیها السلام در آیه خمس ۵۵
- فاطمه علیها السلام راستگوترین عالم ۵۷
- فاطمه علیها السلام در آیه « اهل الذکر » ۵۸
- فاطمه علیها السلام در آیه « ذی القربی » ۵۹
- فاطمه علیها السلام مظهر ذی القربی ۶۰
- فاطمه علیها السلام وسیله‌ی بین خدا و مردم ۶۱
- فاطمه علیها السلام نور خدا ۶۲
- فاطمه علیها السلام در آیه مودت ۶۴
- سود محبت فاطمه علیها السلام و روایات ۶۵
- فاطمه علیها السلام در آیه صلوات ۶۶
- سلام خدا بر فاطمه علیها السلام ۶۷
- ذریه فاطمه علیها السلام ۶۷
- سوگند خداوند به فاطمه علیها السلام، آیه شفع ۶۹
- فاطمه زهرا علیها السلام مرج البحرين ۶۹
- فاطمه علیها السلام رستگار و پیروز ۷۰
- فاطمه علیها السلام در آیه مباحله ۷۱

- فاطمه علیها السلام در آیه « صراط المستقیم » ۷۳
- فاطمه علیها السلام مظهر اسماء الله ۷۳
- فاطمه علیها السلام در آیه تطهیر ۷۴
- دو نکته در آیه تطهیر ۷۵
- ب) آیاتی که در شأن فاطمه و علی علیهما السلام نازل شده‌اند ۷۶
- قیومیت فاطمه علیها السلام ۷۶
- نور خدا در خانه فاطمه علیها السلام ۷۶
- ازدواج فاطمه علیها السلام با علی علیه السلام ۷۷
- فاطمه علیها السلام و وکالت الهی ۷۸
- فاطمه علیها السلام در آیه ایثار ۷۹
- فاطمه زهرا علیها السلام و دعوت به نماز ۷۹
- فاطمه زهرا علیها السلام نمونه زنان ۸۰
- فاطمه علیها السلام، بئر معطله ۸۰
- فاطمه علیها السلام در آیه عبادت ۸۱
- فاطمه علیها السلام مستجاب الدعوه ۸۲
- فاطمه علیها السلام در آیات ایذاء ۸۳
- ج) آیات اختصاصی در شأن و منزلت فاطمه علیها السلام ۸۵
- فاطمه، رایحه شجره طوبی ۸۵
- فاطمه علیها السلام متنعّم دائمی ۸۵
- ادب و احترام فاطمه علیها السلام ۸۶
- فاطمه علیها السلام و خبر شهادت فرزند ۸۷
- فاطمه علیها السلام محدثه و برگزیده خدا ۸۸

۸۹	تسبیح فاطمه <small>علیها السلام</small> ذکر کثیر
۹۰	فاطمه <small>علیها السلام</small> و وکالت الهی
۹۰	پاکدامنی فاطمه <small>علیها السلام</small>
۹۰	صیانت از فاطمه <small>علیها السلام</small>
۹۱	فاطمه <small>علیها السلام</small> ليله مبارکه
۹۱	فاطمه <small>علیها السلام</small> منصوره‌ی مومنان در قیامت
۹۲	اولین سخن فاطمه <small>علیها السلام</small> در بهشت
۹۳	فاطمه <small>علیها السلام</small> مبشر و نذیر
۹۳	فاطمه <small>علیها السلام</small> و مائده آسمانی
۹۵	فاطمه <small>علیها السلام</small> و پاداش اخروی
۹۶	گریه و خنده فاطمه <small>علیها السلام</small>

فصل دوم: تجلی آموزه‌های قرآنی در گفتار و احادیث فاطمی علیها السلام

۹۹	مقدمه
۱۰۰	اصول عقاید
۱۰۰	اول: توحید و خداشناسی
۱۰۱	الف) توحید عبادی
۱۰۱	ب) توحید صفاتی
۱۰۱	ج) توحید افعالی
۱۰۲	خداشناسی فطری
۱۰۲	دوم: پیامبرشناسی
۱۰۳	الف) مقامات پیش از رسالت و بعثت پیامبر

۱. اختیار ۱۰۳
۲. نامگذاری قبل از خلقت ۱۰۴
- (ب) اهداف بعثت پیامبر ﷺ ۱۰۵
۱. اتمام امر الهی ۱۰۵
۲. برطرف کردن ظلمت‌ها ۱۰۵
۳. دعوت به راه راست ۱۰۶
۴. هدایت به دین حق ۱۰۶
- (ج) عنایات خداوند متعال به بندگانش بواسطه‌ی پیامبر ﷺ ۱۰۷
۱. رحمت خداوند به بندگانش بواسطه‌ی پیامبر ۱۰۷
۲. اقتدا به پیامبر ﷺ برای رسیدن به خدا ۱۰۷
- سوم: معاد شناسی ۱۰۸
۱. حتمی بودن مرگ برای همه ۱۰۹
۲. پرده‌برداری از اعمال بعد از مرگ ۱۰۹
۳. مرگ نفوس قبل از قیامت ۱۰۹
۴. نفخ صور احیا به امر خداوند متعال ۱۱۰
۵. بازگشت انسان در قیامت ۱۱۱
۶. خداوند، داور روز قیامت ۱۱۱
۷. روز قیامت، روز آشکار شدن پنهان‌ها ۱۱۲
۸. سود نداشتن ندامت در روز قیامت ۱۱۲
۹. خسران اهل باطل در روز قیامت ۱۱۳
- احکام الهی** ۱۱۳
- اول: احکام عبادی ۱۱۴

۱. نماز، عامل دوری از کبر ۱۱۴
۲. زکات، عامل تزکیه‌ی نفس و نمو در مال ۱۱۵
۳. روزه، عامل تثبیت اخلاص ۱۱۶
۴. حج، عامل تحکیم دین ۱۱۶
۵. جهاد، مایه عزت اسلام و ذلت کفر ۱۱۷
- دوم: احکام حقوقی، اجتماعی ۱۱۸
۱. قصاص، مانع از خونریزی ۱۱۸
۲. کامل فروختن به جهت ضایع نشدن حق مردم ۱۱۹
۳. نهی از سرقت به جهت عفت ۱۱۹
۴. نهی از خوردن مال یتیم به جهت دوری از ظلم ۱۲۰
۵. برقراری عدالت به جهت پیوند دل‌ها ۱۲۰
۶. امر به معروف مصلحتی عمومی ۱۲۱
۷. نهی از شراب خوری به جهت دوری از پلیدی ۱۲۱
- اخلاق در آموزه‌های دینی ۱۲۲**
۱. اهمیت حسن خلق ۱۲۳
۲. صبر، وسیله‌ای برای پاداش ۱۲۴
۳. صبر بر مصیبت ۱۲۴
۴. شکر نعمت، سبب زیادی نعمت ۱۲۵
۵. نیکی به والدین مانع غضب الهی ۱۲۶
۶. حق همسایه ۱۲۶
۷. پاداش سلام کردن بر رسول خدا ﷺ ۱۲۷
۸. طول عمر در پرتو صله رحم ۱۲۸

۹. میانه روی در فقر و بی‌نیازی ۱۲۸
۱۰. مذمت بخل ۱۲۹
۱۱. نهی از پیمان شکنی ۱۳۰
۱۲. تأثیر گناه بر دل ۱۳۰
۱۳. حق میهمان ۱۳۱
۱۴. پرهیز از بیهوده گویی ۱۳۲

فصل سوم: تجلی آموزه‌های قرآنی بر اندیشه و رفتار فاطمی علیها السلام

- مقدمه ۱۳۵
- معیت و همتایی فاطمه علیها السلام با قرآن ۱۳۶
- فاطمه علیها السلام بهترین الگوی قرآنی ۱۴۲
- فاطمه علیها السلام دریای علم و معرفت ۱۴۳
- فاطمه علیها السلام بانوی ادب ۱۴۷
۱. برخورد مؤدبانه فاطمه علیها السلام در برابر پدر ۱۴۸
۲. برخورد مؤدبانه فاطمه علیها السلام در برابر همسر ۱۴۹
۳. برخورد مؤدبانه فاطمه علیها السلام در برابر فرزندان ۱۴۹
- فاطمه علیها السلام در سجاده‌ی بندگی ۱۵۰
- فاطمه علیها السلام نمونه‌ی صابرات ۱۵۳
- فاطمه علیها السلام نمونه‌ی صادقات ۱۵۴
- فاطمه علیها السلام مونس و همدم قرآن ۱۵۶
- اخلاص فاطمه علیها السلام ۱۵۹
- خوف و خشیت فاطمه علیها السلام ۱۶۲

- ۱۶۴..... فاطمه علیها السلام کعبه‌ی عفاف و حجاب
- ۱۶۶..... شخصیت خانوادگی فاطمه علیها السلام برگرفته از آموزه‌های قرآنی
- ۱۶۷..... زیباترین رابطه فرزند با والدین
- ۱۶۸..... فاطمه علیها السلام وارث اسرار مادر
- ۱۶۸..... فاطمه علیها السلام ام ابیها
- ۱۷۰..... علی و فاطمه علیها السلام دو دریای ولایت و عفت
- ۱۷۱..... فاطمه هم کفو و همتای علی
- ۱۷۲..... خانه‌ی فاطمه علیها السلام سنگر آرامش و سکون
- ۱۷۳..... زهد و قناعت در زندگی مشترک
- ۱۷۷..... یاری رساندن همسر
- ۱۷۹..... پاک نگاه داشتن محیط خانه و خانواده از گناه
- ۱۸۰..... فاطمه علیها السلام گرمی و روشنایی خانه
- ۱۸۰..... فاطمه علیها السلام مطیع شوهر
- ۱۸۱..... فاطمه علیها السلام نمونه آراستگی و برازندگی برای شوهر
- ۱۸۲..... مهمان نوازی فاطمه علیها السلام
- ۱۸۳..... رفتار با فرزندان
- ۱۸۴..... مراقبت از سلامتی فرزندان
- ۱۸۵..... تربیت فرزندان
- ۱۸۶..... بازی کردن با فرزندان
- ۱۸۸..... ارتباط علمی با فرزندان
- ۱۹۱..... رعایت عدالت بین فرزندان
- ۱۹۲..... پرورش روحیه ایثار در فرزندان

- ۱۹۳..... پرورش روحیه عبادی در فرزندان
- ۱۹۷..... جمع بندی
- ۱۹۸..... راهکارها و پیشنهادهای
- ۲۰۱..... کتابنامه



مرکز نشرها
وابسته مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواران
ناشر تخصصی زن و خانواده

سخن ناشر

﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾

(نساء، ۸۲)

«چرا در معانی قرآن تدبر نمی‌کنند؟ در حالی که اگر این قرآن، از طرف غیر خدا بود قطعاً اختلاف‌های بسیاری در قرآن می‌یافتند.»

فرمان تدبّر در قرآن برای همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها جاری است. باید بر بی‌کرانگی و دریای عمیق آن غور کرد و گوهرهای درخشان آن را فرادید مخاطبان قرار داد.

نشر هاجر افتخار دارد در راستای نهاده‌سازی فرهنگ قرآنی پیشگام بوده و این بار نیز در صدد عطر افشانی معارف قرآنی، به فضای جامعه اسلامی می‌باشد. این انتشارات، پیام امام راحل را چراغ راه خود ساخته است. آنجا که حضرت امام از اینکه تمام عمر خود را در راه قرآن صرف نکرده، تأسف می‌خورد و به حوزه‌ها و دانشگاه‌ها سفارش می‌کند که قرآن و ابعاد گوناگون آن را در همه‌ی رشته‌ها، مقصد اعلیٰ قرار دهند تا مبادا در آخر عمر بر ایام جوانی تأسف بخورند. (صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۰)

در راستای تحقق این مهم، ناشر با مدیریت راهبردی و آراسته‌سازی آثار خواهران قرآن پژوه، سعی دارد تا این نگاشته‌ها را به سامان رسانیده و به تدریج تحفه‌ی قرآن جویان نماید. بی‌تردید در این راه، توشه‌ای ثمین تر از توفیق الهی، توجه اهل بیت علیهم‌السلام و دعای خیر همراهان، راهگشای امور نخواهد بود.

أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ

مرکز نشر هاجر



مرکز نشرهاجر

وابسته به مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران
ناشر تخصصی زن و خانواده

بر آستان قرآن

قرآن، آبخاری نورانی از بلندای آسمان بر زمین است. قرآن، نسیم کوی جانان و شمیم عطر رحمان است. قرآن روشنگر راه سعادت و خورشیدی همواره فروزان است.

امیرالمؤمنان علی علیه السلام در بخشی از خطبه‌ی ۱۸ نهج البلاغه در پنج جمله‌ی کوتاه و پرمعنا، حقایق ارزنده‌ای را درباره‌ی قرآن بیان کرده و می‌فرماید: «وَإِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أَنْيْقٌ؛ قرآن ظاهرش بسیار زیباست» و این از فصاحت و بلاغت قرآن حکایت دارد. الفاظ قرآن کریم بسیار موزون، تعبیراتش بسیار حساب شده، آهنگین و بی‌ملال است. دریایی است بی‌کران و هر وارد شونده‌ای بر آن، از مقصد دور نمی‌ماند.

ایشان در توصیف دوم می‌فرماید: «وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ؛ و باطنش عمیق و ناپیداست.» در واقع پرداختن به زیبایی‌های ظاهر، انسان را از عمق معنا دور می‌سازد، همان‌گونه که پرداختن به معنای عمیق و به تعبیر دیگر ادای حق معنا، آدمی را در انتخاب الفاظ زیبا در تنگنا قرار می‌دهد. نهایت قدرت لازم است که میان آن دو جمع و حق معنا را در قالب زیباترین الفاظ ارایه کند.

البته این حقیقت در قرآن مجید به روشنی هویدا است. الفاظش فوق العاده زیبا، آراسته و روح پرور، جذّاب و دلپذیر و باطنش بسیار عمیق و پرمحتواست. ژرفای قرآن آن گونه است که هر چه در آن غور کنند، به منتها و گوهرهای ناب آن دست نمی‌یابند؛ زیرا کلام وحی، صادر از ذات بی‌انتهاست.

حضرت علی علیه السلام در توصیف سوم و چهارم می‌فرماید: «لَا تَفْنَى عَجَائِبُهُ، وَلَا تَنْفَضِي عَرَائِبُهُ؛ نکته‌های شگفت‌آور قرآن هرگز فانی نمی‌شود و اسرار نهفته آن

هرگز پایان نمی‌پذیرد.» معنای جمله‌ی اول (لَا تَفْنَىٰ عَجَائِبُهُ) اشاره به جاودانگی و ابدی بودن شگفتی‌ها و زیبایی‌های قرآن دارد که هیچ‌گاه گردد و غبار کهنگی بر آن نمی‌نشیند. جمله‌ی دوم هم به اسرار نهفته در قرآن اشاره می‌کند که با گذشت زمان، هر روز اسرار تازه‌ای از آن آشکار می‌شود. کشفی بعد کشف، بطنی بعد بطن و لایه‌ای فوق لایه ...

ایشان در پنجمین و آخرین توصیف می‌فرماید: «لَا تُكْشَفُ الظُّلْمَاتُ إِلَّا بِهٖ؛ تاریکی‌ها جز در پرتو نور قرآن برطرف نخواهد شد.» نه تنها ظلمت جهل، تاریکی، کفر، بی‌ایمانی و بی‌تقوایی، بلکه تاریکی‌ها در صحنه‌های زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز بدون تعلیمات قرآن از میان نخواهد رفت.

دنیای امروز از نظر صنایع و فن‌آوری‌های نوین پیشرفت‌های فوق‌العاده‌ای داشته است. با وجود این، انواع ظلمت‌ها بر جوامع بشری سایه افکنده و جنگ‌ها و خونریزی‌ها، ظلم و بی‌عدالتی‌ها، فقر و بدبختی‌ها و از همه مهم‌تر ناآرامی‌های درونی، بیشتر انسان‌ها و نقاط دنیا را فراگرفته است. بی‌شک، وقوع این پیشامدها نتیجه‌ی مستقیم ضعف ایمان، تقوا، فقر اخلاقی و معنوی است که بهترین راه درمان آن پناه بردن به قرآن مجید است:

﴿وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾

در بازنمایی این مسیر نورانی، قرآن پژوهان خواهر حوزه‌های علمیه، دست‌امید به دامن قرآن زده‌اند تا راه گمراهی و تیرگی را با چراغ هدایت قرآن فروزان سازند. آنان کوشیده‌اند تا نمی‌ازیم بیکران آموزه‌های وحیانی را فراراه قرآن جویان قرار دهند.

تلاش آنان بر این بوده که موضوع‌های کاربردی و نوپدید را در عرصه‌ی قرآنی

واکاوی و بازخوانی کنند و حاصل پژوهانه‌ی خود را به منظور عطف توجه به قرآن برای درمان دردها، تقدیم ره‌پویان قرآن نمایند.

امید که گره‌های ناگشوده بشریت برای نیل به سلامت دنیا و سعادت عقبی در آستان قرآن کریم گشوده شده و در جای جای گیتی ساری شود.

این مجموعه آثار، با حمایت فکری و مادی معاونت پژوهش، مشارکت مالی «شورای توسعه فرهنگ قرآنی» و اهتمام ستودنی «نشر هاجر» به ثمر نشست است.

همکاری عالمانه‌ی مسئولین، مجریان و نویسندگان این آثار را ارج نهاده و اجرشان را به ذات لایزال الهی حواله کرده و به روزی وا می‌نهیم که:

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾

معاونت پژوهش

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران

مرکز نشرها
وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران
ناشر تخصصی زن و خانواده



مرکز نشرها
وابسته مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران
ناشر تخصصی زن و خانواده

مقدمه

هر نکویی، در عالم امکان را فضیلتی است که تا خداوند آن را بر بندگانش آشکار نسازد، پنهان و پوشیده خواهد ماند و آنچه در گنجیه‌ی عظیم قرآن موجود است، کوثری همچون فاطمه علیها السلام است که خداوند متعال نعمت خود را به ساکنان آسمان و زمین با دادن چنین کوثری به رسول خود تکمیل نمود.

کوثری که زمین از وجود مبارک او تا به حال خالی نمانده است. فاطمه و قرآن، دو سرمایه‌ی گرانبها و جاودانه‌اند که فرستاده‌ی خدا حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله آنها را به رسم امانت از خود به یادگار در بین امتش به ودیعه نهاد.

قرآن کریم بزرگ‌ترین معجزه خداوند در عالم خلقت است که خداوند سبحان در کتابش به (نحوه‌ای خاص) تجلی نموده است، بدان معنی که نزدیک‌ترین راه شناخت و معرفت و قرب الهی از طریق قرآن حاصل می‌شود. و چنانچه قرآن قرین دائمی فاطمه علیها السلام می‌باشد و فاطمه هم قرآن ناطق است که از طریق پیروی و توسل به آن حضرت، که وسیله‌ی عظیم قرب الهی است، این شناخت و معرفت حاصل می‌گردد.

فاطمه بانویی است که آیات بی شماری ثناخوان اوست که در عالم همتایی ندارد.

همو که مصداق نورالله، مظهر اسماء الله، ليله القدر عارفان، شجره علم، رایحه شجره طوبی، ذکر کثیر، مظهر ذوی القربی بودن آن را قرآن بازگو می‌کند. و چنان مقام والایی دارد که معیار و میزان رضا و غضب خداوند عزوجل قرار

گرفته است.

فاطمه علیها السلام بانویی است که قرآن محبوب اوست و آن را همدم و مونس خود در دنیا و عالم قبر و قیامت پنداشته و قرآن را کتابی صادق و دارای نور فروزان و روشنی بخش معرفی کرده است و رستگاری را تنها در بهره گیری از ارزش های الهی می داند حقیقتی که آیات قرآن همگان را به آن فرا می خواند « قد افلح من تزکی. »

و به خوبی ارزش های اخلاقی و معنوی قرآن را در پندار و گفتار و رفتار خویش جلوه گر می سازد. او می دانست که یاد خدا و ذکر او در عمل به دستورات آسمانی اش تحقق می یابد و بدرستی که ایشان تجسم عینی آرمان های قرآن است.

در این اثر بعد از تجمیع آیات و سوره هایی که در شأن و منزلت فاطمه مطرح شده است به محور بندی برخی آیات در سیره گفتاری و رفتاری آن حضرت پرداخته شده است و آیات مرتبط با هر محور تبیین شده و تا حد امکان الگوپذیری از آن اسوه ی حسنه، مطابق با آن محور برای زن امروز بیان شده است.

امید اینکه تلاش ما را هر چند اندک، در گردآوری این کتاب پذیرا باشید و خوانندگان گرامی با فهم گرانمایه ی خویش ما را از نقطه نظرات سازنده بهره مند سازند و از خداوند منان توفیق روزافزون برای ارادتمندان به ساحت مقدس قرآن کریم و معصوم را آرزو مندیم.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

فصل

اول: ع.ق.م فاطمه در کلام وحی

مرکز نشرهاجر
دانشگاه مدیریت حوزه های علمیه خوارزم
ناشر تخصصی زن و خانواده



مرکز نشرها
وابسته مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران
ناشر تخصصی زن و خانواده

عدم تصریح نام ائمه اطهار علیهم السلام در قرآن

این که «چرا اسامی اهل بیت بالاخص فاطمه زهرا علیها السلام در قرآن کریم نیامده است؟» سئوالی است که قرن‌ها ذهن مسلمانان خصوصاً شیعه را به خود مشغول داشته است.

برای بسیاری معقول چنین به نظر می‌رسد که اگر اهل بیت و به خصوص حضرت فاطمه جایگاهی رفیع در دین خدا در کنار پیامبر اسلام داشتند، می‌بایست صراحتاً در قرآن کریم معرفی می‌شدند، حال آنکه چنین نیست.

در پاسخ به چنین شبهه‌ای آمده است:

اولاً؛ با بررسی توصیف‌های قرآنی از شخصیت اهل بیت علیهم السلام و به خصوص حضرت فاطمه علیها السلام معلوم می‌گردد که آنچه از عظمت اهل بیت به احتیاط در روایات مطرح شده قبل از آن، با تأکید عجیبی در قرآن کریم آمده است که دیگر هرگونه شک و تردیدی را زایل می‌کند. (ر.ک: هود، ۱۷، رعد ۴۳)

ثانیاً؛ سنت الهی در همه امور دینی عموماً، و در امور عظیم دینی خصوصاً، بر آزمایش مؤمنان استوار است تا صدق ایمانشان در آن امور عظیم، آشکار گردد. (نقی پورفر، ۱۳۸۰، ص ۹)

«وَإِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ؛ وَ مَا مَسْلَمًا هَمَّكَانَ رَا آزْمَآئِشَ مِی كَنِمِمْ.»
(مؤمنون، ۳۰)

در منابع فریقین روایاتی است که دلالت بر حجم عظیمی از آیات قرآن درباره‌ی اهل بیت دارد مانند حدیثی که از امام محمدباقر علیه السلام و دیگر معصومان نقل شده است:

«آیات قرآن به چهار گروه نازل شده است؛ - آن درباره‌ی ما و - درباره‌ی دشمنان ما و...» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۲۸)

احادیثی دیگر به این مضمون در مصادر فریقین فراوانند، برای نمونه، مرحوم کلینی با سند صحیح از ابوبصیر چنین نقل می‌کند:

«از امام صادق علیه السلام درباره آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» پرسیدم، فرمود: آیه درباره علی و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده و [مراد از اولی الامر آنان‌اند] گفتم مردم می‌گویند: چرا نام علی و اهل بیت علیهم السلام او در قرآن نیامده است؟ فرمود: به آنان بگویید [کلیات] نماز بر رسول خدا نازل شده ولی تعداد سه یا چهار رکعت آن ذکر نشده است و رسول خدا آن را برای مردم تفسیر کردند ...

[به همین گونه کلیات ولایت ائمه به طور عام در قرآن نازل شد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را تبیین کردند.] (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۹۱)

جایگاه فاطمه علیها السلام در آیات

همان‌گونه که قرآن کریم خود، حجت قاطع بر آسمانی و خدایی بودن خویش می‌باشد؛ خود سند یقینی بر اثبات اهل بیت علیهم السلام خواهد

بود. اهل بیت و بخصوص فاطمه زهرا همچون ماه و ستاره و خورشید در آسمان معنویت قرآنی می درخشند همان گونه که در قرآن به این صفات معرفی شده‌اند.

از جمله راه‌های شناخت اهل بیت در قرآن، روش تفسیر قرآن به حدیث است که معمولاً بسیاری از مفسران شیعه و سنی با چنین روشی با اتکا بر روایات منابع شیعی و سنی به توضیح آیات پرداخته‌اند. (نقی پور، ۱۳۸۰، ص ۷)

بنابر اتفاق همه مسلمانان، دو سوره «کوثر و دهر» در شأن و منزلت حضرت فاطمه علیها السلام نازل شده و همچنین، سوره «ضحی، قدر» را می‌توان بنا به دلایلی که ذکر خواهد شد، کنار این دو سوره قرار داد. و علاوه بر آن آیات بی‌شماری در شأن آن حضرت نازل شده که در این اثر این آیات به سه دسته تقسیم شده‌اند:

الف) آیاتی که در شأن و منزلت اهل بیت علیهم السلام نازل شده و حضرت فاطمه علیها السلام، به عنوان محور اهل بیت در این آیات شناخته شده‌اند. البته لازم به ذکر است که برخی از این آیات درباره پنج تن آل عبا می‌باشد و چون همگی «کلهم نور واحد» می‌باشند، آنها در یک قسم قرار داده شده است.

ب) آیاتی که در شأن منزلت فاطمه و علی علیهما السلام نازل شده‌اند.

ج) آیاتی که اختصاصاً در شأن منزلت فاطمه نازل شده است.

سوره‌هایی که در شأن فاطمه علیها السلام نازل شده است

سوره ضحی

«وَالضُّحَىٰ * وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ * مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ * وَ
لَلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ * وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ ...»
سوگند به روشنایی روز، سوگند به شب چون آرام گیرد، [که]
پروردگارت تو را وانگذاشته و دشمن نداشته است. و قطعاً آخرت
برای تو از دنیا نیکوتر خواهد بود. و بزودی پروردگارت تو را عطا
خواهد داد، ...»

نزول آیه «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ» برای حضرت فاطمه علیها السلام

جابر بن عبدالله روایت می‌کند که رسول خدا بر فاطمه وارد شد در
حالی که بر سر آن حضرت چادری از پشم شتر بود و (او) با دست
خویش (گندم) آسیاب می‌کرد و فرزندش را شیر می‌داد. چون رسول
خدا او را به این حال دید، گریست و فرمود: «دخترم عجله کن به تحمل
تلخی‌های دنیا و شیرینی آخرت.»
پس خداوند متعال این آیه را نازل کرد: «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ
فَتَرْضَىٰ» به زودی خداوند به تو عطا کند تا تو را خشنود سازد.

علامه طباطبائی رحمته الله بعد از نقل روایت فوق می‌نویسد:

«احتمال دارد که آیات سوره ابتدا نازل شده است و بعداً این آیه تنها
نازل شده باشد و به آن آیات ملحق شده باشد و احتمال دارد که این آیه

دو مرتبه به صورت یک آیه تنها نازل شده باشد.» (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۳۱۲)

سوره ضحی و حضرت فاطمه علیها السلام

به نظر می‌رسد که اگر مجموعه سوره نیز یک بار نازل شده باشد اشاره به فضیلتی بس عظیم درباره‌ی حضرت زهرا علیها السلام داشته باشد. مجموعه‌ی آیات قبل و بعد و حتی آیات سوره‌ی انشراح که بعد از سوره‌ی ضحی است، می‌تواند در این راستا باشد؛ زیرا آنچه از خود آیات سوره و از تفسیر و تاریخ به دست می‌آید این است که مدتی وحی قطع شده بود و پیامبر اسلام در انتظار نزول فرشته الهی بود و این موضوع دستاویزی برای مشرکین برای طعن به آن حضرت شد و چه بسا در میان مسلمانان نیز کسانی بودند که سخنان مشرکین را تکرار می‌کردند.

مفسرین علت‌های مختلفی را برای تأخیر وحی و نزول سوره‌ی ضحی ذکر کرده‌اند. شاید جامع‌ترین سخن، کلام مرحوم امین الاسلام طبرسی باشد که می‌گوید: ابن عباس گفت: رسالت وحی از آن حضرت پانزده روز قطع شد. مشرکان گفتند که خدای محمد او را رها و طرد کرده است. اگر (او پیامبر خدا بود و) امرش از خدای متعال بود پشت سرهم بر او وحی نازل می‌شد. آنگاه این سوره نازل شد. (صاحبی فرد، ۱۳۸۳،

ص ۱)

نکته

آنچه از مجموعه‌ی مطالب شأن نزول سوره استفاده می‌شود این است که قطع وحی به هر علتی باشد، بسیار بر رسول خدا صلی الله علیه و آله سنگین بود و دل حضرت به خاطر نیامدن جبرئیل و تزلزل مسلمانان و سرزنش دشمنان، گرفته بود. خداوند متعال برای تسلای دل آن حضرت ضمن طرد سخنان بی‌جای مشرکان و دشمنان، به آن حضرت وعده می‌دهد که به زودی به او چیزی را عطا خواهد فرمود که نه تنها ناراحتی‌ها و نگرانی‌هایش مرتفع خواهد شد، بلکه رضایت آن حضرت را جذب خواهد کرد. (همان).

عطیه رضایت بخش، فاطمه علیها السلام است.

گرچه در آیه از عطای رضایت بخش نامی برده نشده است ولی مضامین و شأن نزول آیات و اضافی کلمه‌ی «ریک» دلالت دارد که انتظار و چشم‌داشت پیامبر این بود که سختی‌ها نتیجه دهد و رسالت او تا پایان خلقت انسان‌ها در قرون متمادی ادامه داشته باشد و در صحنه‌ی قیامت، آن حضرت سرافراز باشد و نتیجه‌ی زحمات خویش را مشاهده کند. و چیزی که می‌تواند جامع همه این امور باشد، خیر کثیری است که دین آن حضرت را در دنیا ابلاغ و حفظ کند (شفاعت کبری در دست او باشد و در کنارش بالاترین بهره‌ی عواطف انسانی را از او ببرد). در روایات این عطای رضایت بخش به شفاعت تفسیر شده است. همان طور که این مطلب در مجمع و سایر تفاسیر نظیر برهان، صافی،

درالمنثور، المیزان، البیضاوی، ... در ذیل آیه آمده است.

ولی به نظر می‌رسد این اشاره به بخشی از آن عطای بزرگ الهی است و چیزی که قره عین الرسول است و چشم او را روشن می‌کند و دین رسول خدا به وسیله آن و از طریق او ابلاغ و حفظ می‌شود و در روز قیامت، امت آن حضرت از برکت شفاعت او به بهشت می‌رسند، پاره‌ی تن او، روشن بخش چشم او، میوه دلش حضرت ام اییها صدیقه کبری، شفیع روز محشر، همسر ولایت و مادر امامت فاطمه زهرا و علی اییها و أمها و بعلها و بنیهاست.

در حقیقت خداوند به وعده‌ای که به حبیبش رسول خدا داد، عمل کرد. نه این که در آخرت به آن عمل خواهد کرد و امت با شفاعت او نجات خواهند یافت؛ بلکه خداوند با دادن کوثر فاطمی به این وعده عمل کرد و به آن حضرت نیز خبر داد که ما به وعده‌ی خود عمل کردیم و کوثر را به تو دادیم. تو هم به شکرانه‌اش نماز شکر بخوان و شتر قربانی کن که بدگوی تو «ابترا» است. (همان)

دلیل‌های دیگر

بررسی نزول آیات سوره‌ی ضحی و سوره‌ی کوثر و زمان تولد صدیقه کبری و برخوردهای پر معنای پیامبر اسلام با نور چشمش و میوه‌ی دلش، خود نشان بر حقانیت این سخن است، طبق ترتیب نزول، سوره ضحی قبل از سوره‌ی کوثر نازل شده است و خداوند در سوره ضحی می‌فرماید: «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى»؛ «حتماً به زودی

پروردگارت به تو عطایی می کند که تو راضی شوی» و در سوره ی کوثر که بعد از نزول چند سوره ی دیگر بر حضرت نازل می شود می فرماید: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ».

قابل توجه است که در هر دو آیه، سخن از عطای الهی است. در یک جا می فرماید: بخششی به تو می کنیم که رضایت بخش تو باشد و در جای دیگر می فرماید: ما به تو کوثر دادیم پس نماز شکر بگذار و شتر قربانی کن؛ زیرا عطا بزرگ است و یک الحمد لله گفتن یا سجده شکر به جا آوردن و انفاق اجمالی و حتی کشتن گوسفند کافی نیست. و در پایان به علت آن اشاره می کند و می فرماید: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» زیرا تو با این کوثر در دنیا و آخرت مستدام هستی. (همان)

سوره دهر

«هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً ... إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُوراً * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيراً * يُؤْفُونَ بِاللَّذْرِ وَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَتْ شَرُّهُ مُسْتَطِيراً * وَيَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لُوجْهَ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُوراً إِنَّ نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيراً ...»

« آیا انسان را آن هنگام از روزگار [به یاد] آید که چیزی درخور یاد کرد نبود؟ ... به یقین ابرار (و نیکان) از جامی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته است، از چشمه ای که بندگان خاص خدا از آن می نوشند، و از هر جا بخواهند آن را جاری می سازند! آن ها به نذر خود

وفا می‌کنند، و از روزی که شرّ و عذابش گسترده است می‌ترسند، و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند! (و می‌گویند:) ما شما را بخاطر خدا اطعام می‌کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم! ما از پروردگارمان از روز عبوسی سخت، هراسناکیم...»

شان نزول سوره دهر

شیعه و سنی روایت کرده‌اند که سوره‌ی دهر در شأن حضرات معصومین علی، فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و کنیزشان فضه نازل شده است بعضی تمام آیات سوره را (مجموع ۳۱ آیه) در این رابطه می‌دانند و بعضی دیگر ۱۸ آیه از این سوره (از آیه ۵ تا پایان آیه ۲۱) را درباره آنان می‌دانند. (صاحبی فرد، ۱۳۸۳، ص ۲)

ابن عباس می‌گوید: «حسن و حسین بیمار شدند و پیامبر با جمعی از اصحاب به عیادت آن‌ها آمد و به علی فرمود: ای ابوالحسن! خوب بود نذری برای شفای فرزندان خود می‌کردی. حضرت فرمود: به شکرانه‌ی آن برای خدای عزوجل سه روز روزه می‌گیرم. فاطمه نیز چنین فرمود: و بچه‌ها نیز گفتند: ما نیز سه روز روزه می‌گیریم. کنیز آنان، فضه نیز چنین گفت. آن‌ها روزه گرفتند در حالی که غذایی نداشتند. علی به نزد همسایه یهودی خود شمعون که پشم ریزی داشت رفت و به او گفت: آیا ممکن است مقداری از پشم را به من بدهی تا دختر محمد صلی الله علیه و آله آن را برای شما بریسد و در مقابل ۳ صاع از جو، به ما بدهی؟ گفت: آری.

حضرت پشم و جو را گرفت و به فاطمه داد. فاطمه هم آن را پذیرفت. آن گاه یک سوم از پشم را رسید. سپس یک صاع از جو را برداشت و آرد کرد و با آن پنج قرص نان پخت برای هر کدام یک قرص نان. هنگام افطار سائلی بر در خانه آمد و گفت: السلام علیکم یا اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله من مستندی هستم و غذایی به من بدهید، آن‌ها همگی غذای خود را به آن فقیر دادند. و همچنین فضا کنیز خانه به پیروی از آن‌ها غذای خود را به مستمند داد و همگی با آب افطار نمودند. روز دوم همگی روزه گرفتند و فاطمه ثلث دوم پشم را رسید و یک صاع دیگر از جو را برداشت و با آن پنج قرص نان پخت. هنگام افطار یتیمی بر در خانه آمد و گفت: السلام علیکم یا اهل بیت محمد، من یتیمی از یتیمان مسلمانانم، از آن چه می‌خورید به من بخورانید تا خداوند بر مائده‌های بهشتی شما را اطعام کند. آن‌ها همگی آنچه سهم‌شان در سفره بود دادند و گرسنه خوابیدند و به جز آب چیزی نخوردند. و باز فردا را به حالت روزه سپری کردند و فاطمه، ثلث سوم از پشم را رسید و صاع باقیمانده‌ی از جو را دوباره نان پخت. هنگام افطار اسیری بر در خانه آمد و گفت: السلام علیکم یا اهل بیت محمد، ما را به اسارت می‌گیرید و ما را اطعام نمی‌کنید؟

آن گاه همگی آن چه در سفره بود برداشتند و به او دادند و گرسنه خوابیدند، در حالی که هیچ نداشتند. در حدیث شعیب از ابن عباس آمده است: علی، حسن و حسین علیهم السلام را به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد. در حالی که آنان مانند جوجه از شدت گرسنگی می‌لرزیدند. چون

پیامبر آنان را دید فرمود: ای ابا الحسن! چه می بینم؟! بر من سخت است آن چه را می بینم. برویم به نزد دخترم فاطمه. چون به نزد فاطمه رسیدند. دیدند او در محرابش از شدت گرسنگی شکم به پشت چسبیده و چشمهایش فرو رفته است. چون رسول خدا او را دید در آغوش کشید و گفت: وانحو ثاه بالله؟ آیا شما سه روز است که در این وضعیت به سر می برید؟ جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد! تهنیت و شاد باش الهی را در اهل بیت خود بگیرید. پیامبر فرمود: چه بگیریم ای جبرئیل؟ گفت: «هل اتی علی الانسان حین من الدهر... و کان سعیکم مشکورا.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۳۵، ص ۲۴۶-۲۴۷)

نکات مهم در ذیل آیات سوره هل اتی

۱. مائده آسمانی برای اهل بیت علیهم السلام و خاصیت آن

در روایت حضرت باقر علیه السلام آمده است: چون پیامبر آنان را گرسنه دید، جبرئیل با سینی بزرگی از طلا که اطراف آن با دُر و یاقوت مرصع شده بود، فرود آمد و آن ظرف پر از آبگوشت و گوشت بود. بوی مشک و کافور از آن برمی خواست سپس نشستند و خوردند تا سیر شدند و حتی یک لقمه از آن کم نشد. امام حسین علیه السلام در حالی که قطعه ای از آن گوشت در دستش بود از خانه بیرون آمد. زن یهودی با صدای بلند گفت: ای اهل بیت! گرسنه ام از کجا این را آورده اید؟ به من هم بده. حسین علیه السلام دستش را دراز کرد تا به او بدهد، جبرئیل آمد و از دستش گرفت و سینی به آسمان بازگشت. پیامبر فرمود: اگر حسین

نمی‌خواست به آن زن از آن غذای سینی اطعام کند آن سینی در اهل بیت تا روز قیامت باقی می‌ماند و یک لقمه از آن کم نمی‌شد و نازل شد: یوفون بالنذر. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۵، ص ۲۴۱)

۲. زمان نزول سوره

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: صدقه‌ی آنان در شب ۲۵ ذی‌الحجه بود و هل اتی در روز ۲۵ ذی‌الحجه نازل شد. (همان، ص ۲۴۲)

۳. سؤال کنندگان چه کسانی بودند؟

گنجی شافعی از ابن صلاح نقل می‌کند که گفت: آنان که به صورت مسکین و یتیم و اسیر سؤال کردند ملائکه از طرف رب العالمین بودند و آن امتحانی از خدای عزوجل برای اهل بیت رسول خدا بود. و شنیدم در مکه از شیخ حرم بشیر تبریزی در درس تفسیر که گفت: سائل اول جبرئیل بود و سائل دوم میکائیل و سائل سوم اسرافیل بود. (امینی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۱۵۷)

۴. احترام حضرت فاطمه علیها السلام در این سوره

علامه طباطبایی رحمته الله می‌گوید:

«بدان که خداوند متعال در این سوره از نعمت‌های بهشت، زنان بهشتی که حورالعین باشد ذکر نکرد با این که از مهمترین نعمت‌هایی است که خداوند در نزد وصف نعمت‌های بهشت در سایر جاها ذکر

می کند و ممکن است این گونه برداشت کرد که در میان این ابراری که آیات در شأن آنان نازل شده است زنی قرار داشته است و خداوند به حرمت او سخن از زنان بهشتی به میان نیاورده است. (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۱۳۱)

۵. ارائه راه به انسان بوسیله ذکر داستان اصحاب کساء علیهم السلام

خداوند متعال می فرماید: «ان هذه تذکره فمن شاء اتخذ الی ربه سیلاً؛ بی شک این یادآوری است پس هر که بخواهد راهی را به سوی خدایش اتخاذ کند.»

ویژگی های اصحاب کساء علیهم السلام در این سوره

۱. آنان را به عنوان ابرار و عباد الله معرفی کرده است: «انّ الأبرار... عیناً یشرّب بها عباد الله...»
۲. وفاء به نذر «یؤفون بالنذر»
۳. ترس از روزی (قیامتی) که شرش سیطره دارد و همه را فرا می گیرد. «یخافون یوماً کان شره مستطیرا.»
۴. اصل ترس آنان از خداوند است و به آن تصریح می کنند که ما از خداوند خوف داریم «انا نخاف من ربنا.»
۵. اطعام غذا با توجه به محبت و علاقه و نیاز به آن «و یطعمون الطعم علی حبه.»

۶. در انفاق و دادن غذای خود انتظار مزد و بلکه انتظار تشکر نداشتند، بلکه تنها آن کار «لوجه الله» بود. «انما نطعمکم لوجه الله لانرید

منکم جزاء و لاشکورا.»

۷. گرسنه ماندن و انفاق کردن، نیاز به صبر دارد و چنین صبری بهشت را به دنبال دارد. «و جزاهم بما صبروا جنة و حریرا». (صاحبی فرد، ۱۳۸۳، ص ۳)

سوره قدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا
لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا
بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ

«به نام خداوند رحمتگر مهربان؛ ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم. و از شب قدر، چه آگاهی کرد. شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است. در آن [شب] فرشتگان، با روح، به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری [که مقرر شده است] فرود آیند [آن شب] تا دم صبح، صلح و سلام است.»

فاطمه علیها السلام لیلۃ القدر عارفان

در حدیث معراج از حضرت امام باقر علیه السلام آمده است که فرمود: وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله به معراج برده شد و خداوند سبحان به او اذان و اقامه و نماز را آموخت چون حضرت خواست نماز بخواند خداوند به او دستور داد تا در رکعت اول سوره‌ی حمد و توحید را بخواند و به او فرمود: این (سوره توحید) نسبت من است.

و در رکعت دوم دستور داد تا سوره‌های حمد و قدر را بخواند و

فرمود ای محمد این (سوره قدر) نسبت تو و اهل بیت تو تا روز قیامت است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۵، ص ۹۸)

در روایت حمران از امام صادق علیه السلام است که آن حضرت فرمود: اما قول خداوند «لَيْكُمُ الْقَدْرُ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»، یعنی فاطمه و قول خداوند که می فرماید: «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ» مقصود از ملائکه در این جا اهل ایمانی هستند که مالک علم آل محمد هستند و مقصود از «الروح» روح القدس است و آن در فاطمه است.

«من کل امر سلام» یعنی خداوند می فرماید: از هر امری به حضرت فاطمه علیها السلام تسلیم شده است.

«حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» یعنی تا این که قائم علیه السلام قیام کند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۵، ص ۹۷)

باز در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام می فرماید: «هر کس فاطمه علیها السلام را حقیقتاً درک کند به واقع ليله القدر را درک کرده است و نامیده شده فاطمه چون خلق از معرفتش بریده شدند. (فراش کوفی، ۱۴۱۰، ص ۵۸۲)

سوره کوثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ *
 إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

«به نام خداوند رحمتگر مهربان؛ ما به تو کوثر [= خیر و برکت فراوان] عطا کردیم پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن! (و بدان) دشمن تو قطعاً بریده نسل است»

فاطمه علیها السلام کوثر قرآن

سوره کوثر در عین کمی آیات و کلماتش، در بردارنده‌ی اسرار و رموزی است که حتی بزرگان و مفاخر نیز از دستیابی به ژرفای آن عاجز مانده و به عجز و ناتوانی خویش معترف گردیده‌اند.

«کوثر» بر وزن «فوعل» آن چیزی است که زمینه کثرت در آن باشد و کوثر، خیر فراوان است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۸۳۵) از جمله آن معانی نه‌ری در بهشت، حوض پیامبر در بهشت یا محشر، علمای امت آن حضرت، قرآن و فضیلت‌های آن، نبوت، مقام محمود، علم و حکمت و ... است.

لکن به قرینه‌ی آیه‌ی آخر سوره که می‌فرماید: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ؛ یعنی بدگوی تو ابتر و مقطوع النسل است»، معلوم می‌شود این کوثر مربوط به نسل و اولاد آن حضرت است و به قول مرحوم علامه طباطبائی مراد از کوثر تنها کثرت ذریه و فرزندان آن حضرت است یا مراد از آن خیر کثیر است و فراوانی ذریه در ضمن خیر کثیر اراده شده است؛ زیرا اگر این معنا مراد و مقصود نبود وجود آیه‌ی پایانی «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» بدون فایده بود. (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۳۷۰)

پیامبران بزرگی چون ابراهیم و زکریا در سن پیری با گریه و زاری و دعا و اشک از خداوند مهربان، فرزند خواستند تا به آنان فرزند عطا فرمود؛ همان طور که در سوره‌های مریم و آل عمران و هود و ذاریات سرگذشتشان بیان شده است؛ ولی خداوند به پیامبر اسلام بدون تضرع و طلب و دعا، فرزندان عطا فرمود، آن هم به وسیله‌ی یک دختر،

(دختری که در جامعه‌ی جاهل عرب، فرزند دختر و بلکه انسان محسوب نمی‌شد). آن هم دختری که در آغاز جوانی زندگی را بدرود گفت. خداوند هم آن قدر اولاد فراوان به او عنایت فرمود و محبت نسبت به حییش را به جایی رسانید که جوابگویی دشمنان او را خود بر عهده گرفت.

امروزه در روی زمین نمی‌توان کسی را یافت که به اندازه‌ی پیامبر اسلام، فرزند معلوم و مشخصی داشته باشد. قطع نظر از کسانی که فرزند مجهول آن حضرت هستند و اجدادشان در دوره‌ی خلفای ستم سیادت خود را مخفی کرده‌اند. (شریعتی، ۱۳۴۶، ص ۳۵۹)

نکاتی چند در ذیل سوره کوثر

۱. خداوند متعال به پیامبر عزیزش حضرت محمد صلی الله علیه و آله کوثر و خیر فراوان عطا می‌کند گر چه ابتدا به ظاهر کم و یک دختر است ولی برکت فراوان از جهت کمیت و کیفیت در او و نسلش قرار می‌دهد ولی دیگران تکاثری هستند و مرتب فزون طلبی می‌کنند. و این فزون طلبی تا مرگ، آنان را بازی می‌دهد و از آنان جدا نمی‌شود همان طور که خداوند می‌فرماید: «الْهَيْكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» (تکاثر، ۲-۱)

کنایه از این که تالب مرگ سرگرم به این فزون طلبی شدید و این فزون طلبی در مال و مقام و مدرک و غیر آن می‌باشد که امروزه از بلاهای رایج میان مردم است. البته چیزی چون علم می‌تواند برای انسان خیر کثیر و کوثر و منبع فضایل باشد.

۲. کوثر و خیر کثیر از ناحیه‌ی خدا و عطیه‌ی الهی است؛ ولی فزون طلبی از ناحیه خداوند نیست لذا درباره کوثر می‌فرماید: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ»

در ضمن، داشتن کوثر فضیلت است و بر عکس نه تنها تکاثر و زیاده خواهی ارزش و فضیلت نیست، بلکه رذیلت و پستی است که موجب سقوط انسان می‌شود بدین جهت خداوند فرمود: «الهیکم التکاثر؛ فزون طلبی شما را به بازی گرفت» همچنین آنچه بد است زیاده خواهی است و گرنه اصل زیادی و فراوانی بد نیست، زیرا زیادی نیز از نعمتهای الهی است.

۳. هر چه نعمت بزرگتر باشد شکر آن نیز باید افزون باشد. گاهی نعمتی متوسط است انسان الحمدالله می‌گوید و گاهی بزرگ است و برای آن سجده شکر بجا می‌آورد. ولی نعمت کوثر الهی برای حضرت رسول از همه اینها بالاتر است و لذا خداوند نمی‌فرماید: «فاسجد لربک؛ سجده شکر بجا آور» بلکه می‌فرماید: «فصل لربک؛ پس برای خدایت نماز شکر بجا آور». این نعمت آن قدر بزرگ است که نه تنها سجده شکر، بلکه نماز شکر نیز کفایت نمی‌کند و باید در کنار نماز شکر، قربانی هم داشته باشد و قربانی در برابر نعمت متوسط، مثل کشتن مرغ و خروس است و برای نعمت بزرگ، گوسفند قربانی کردن است. ولی برای کوثر بی‌ظیری همچون فاطمه علیها السلام که خداوند به رسولش مرحمت فرموده است در کنار نماز شکر، باید قربانی داشته باشد آن هم نه قربانی گوسفند و گاو و بلکه قربانی شتر. لذا فرمود: «فصل لربک و انحر؛ پس

به شکرانه این خیر کثیر نماز شکر بخوان و شتر را نحر کن و قربانی نما.
(صاحبی فرد، ۱۳۸۳، ص ۳)

۴. در این سوره که کوچکترین سوره‌های قرآنی است بزرگترین نعمت‌ها آمده است و برای شناسایی بزرگی و عظمت آن چندین راه را ارائه فرموده است از آن جمله:

الف) نفرمود: انی اعطیتک الکوثر. بلکه فرمود «انا اعطیناک الکوثر» یعنی بی شک ما به تو کوثر عطا فرمودیم. تا عظمت و فضیلت آن عطیه را برساند.

ب) خداوند کلمه عطا را به کار برد و این کلمه را در قرآن فقط در چند مورد خاص آورده است... (در قرآن ۱۳ مورد کلمه‌ی عطا با مشتقات آن بکار رفته است که ۸ مورد آن درباره‌ی عطای الهی است و از این ۸ مورد ۳ مورد آن به صورت فعل آمده است یکی فعل مضارع که در سوره ضحی است و دو فعل ماضی، یکی در سوره‌ی طه «الذی اعطی کل شیء خلقه ثم هدی» و دیگر در سوره‌ی کوثر «انا اعطیناک الکوثر».)

ج) کلمه‌ی کوثر که به معنای خیر کثیر است. خداوند فقط یکبار در قرآن به کار برد و آن را به حضرت فاطمه اطلاق کرد و آیا می‌توان همتایی برای حضرت فاطمه در مجموعه یافت؟ خداوند اعلی برترین خلقتش بهترین عطیه را مرحمت فرمود.

د) از دستوری که خداوند برای شکر گزاری این عطیه به رسولش می‌دهد نیز می‌توان پی به عظمت آن برد؛ زیرا این نعمت با بقیه‌ی نعمتها

تفاوت دارد و نیاز به نماز شکر و قربانی کردن شتر دارد و بدون نماز شکر و قربانی کردن شتر که بالاترین مراتب شکرگزاری است، حق این نعمت ادا نشده است و در حقیقت شکر این نعمت دو مرحله دارد؛ یک مرحله مربوط به خداست که نماز است. دیگری مربوط به خلق خدا که قربانی کردن شتر برای آنان است.

ه) پایان سوره نیز می‌تواند نشان دهنده‌ی عظمت این هدیه‌ی الهی باشد؛ زیرا بدگوی پیامبر صلی الله علیه و آله که عاص بن وائل، پدر عمرو بن عاص بعد از مرگش، حضرت او را ابتر نامید زیرا می‌گفت: نسل او قطع شده است پس ابتر است. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۴۰۴) و خداوند خبر داد که نسل تو ادامه دارد و بدگوی تو ابتر و مقطوع النسل است.

و) این سوره اخبار از آینده است، مبنی بر قطع شدن نسل عاص بن وائل با داشتن فرزند و نوه، و بقاء و کثرت نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله.

ز) در ذیل بحث سوره قدر از حضرت امام صادق علیه السلام حدیثی نقل شده که آن حضرت شب قدری را که برتر از هزار ماه است به فاطمه علیها السلام تفسیر کرده‌اند و می‌توان گفت: فاطمه آن کوثر و خیر کثیری است که شب قدر رسول الله صلی الله علیه و آله است. همان طور که در شب قدر همه امور تقدیر می‌گردد در فاطمه نیز همه خیرات برای رسول خدا تقدیر می‌گردد و شاید سر و راز نهاده شده در فاطمه آن گونه که در دعا آمده که: «اللهم انی اسئلك بحق فاطمه و ابیها و بعلها و نبیها و سر المستودع فیها» همان تقدیر خیرات در حضرت فاطمه باشد. (صاحبی فرد، ۱۳۸۳،

آیات نازل شده در شأن فاطمه زهرا علیها السلام

الف) آیاتی که در شأن و منزلت اهل بیت نازل شده و حضرت فاطمه به عنوان محور اهل بیت در این آیات شناخته شده است.

فاطمه علیها السلام و شب زنده‌داری

« كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ؛ آنها کمی از شب را می‌خوابیدند، و در سحرگاهان استغفار می‌کردند. » (ذاریات، ۱۷-۱۸)

روایت

سعید بن جبیر در ذیل آیه « كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ... » از عبدالله بن عباس روایتی را آورده که شأن نزول آیه درباره‌ی علی و حسن و حسین و فاطمه علیها السلام نیز می‌باشد. (حسکائی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۶۸)

فاطمه علیها السلام مصداق بارز صلاه

« حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَاةِ وَالصَّلَاةِ الْوَسْطَى وَ قَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ؛ در انجام همه نمازها، (به خصوص) نماز وسطی [= نماز ظهر] کوشا باشید! و از روی خضوع و اطاعت، برای خدا بپا خیزید. » (بقره، ۲۳۸)

روایت

از امام صادق علیه السلام نقل شده که منظور از «الصلاه» رسول خدا و امیر المؤمنین علی و فاطمه، و حسن و حسین علیهم السلام نیز می‌باشند. (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۲۸)

فاطمه علیها السلام چشمه دین

«وَ إِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا...» و (به یاد آورید) زمانی را که موسی برای قوم خویش، آب طلبید، به او دستور دادیم: عصای خود را بر آن سنگ مخصوص بزن! ناگاه دوازده چشمه آب از آن جوشید. (بقره، ۶۰)

چشمه سارهای دین اسلام یکی، منابع دین است که مردم باید معرفت دینی خود را از آن‌ها بگیرند و دیگر، حکیمان ملکوتی می‌باشند که مسئولیت تفسیر دین را در هر عرصه و زمان از جانب خدا بر عهده دارند تا مردم، فهم دین کرده و بدان متلبس گردند.

وجود اعجازی اینان و تعیین ۱۲ چشمه سار بودن، دلیل عصمت این حکیمان و تعیین آنان از جانب خدای سبحان و معرفی از جانب پیامبر اسلام می‌باشد (همان‌گونه که موسی، ۱۲ چشمه سار را از جانب خدا برای بنی اسرائیل معین نمود).

در سوره انسان، در شأن اهل بیت علیهم السلام آمده که آنان خود چشمه سار بهشتی کافور را به اراده خویش، به وسعت و به نحو عجیبی، پدید آورده‌اند. (نقی پورفر، ۱۳۸۰، ص ۵۹)

همچنین در تفسیر آیه ۳۰ ملک، چشمه سار بودن اهل بیت در روایات مکرری تذکر داده شده است. (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۳۸۶)

فاطمه علیها السلام صاحب علم الهی

«شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ

إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ خداوند، گواهی می‌دهد. که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش، گواهی می‌دهند. «(آل عمران، ۱۸)»
در روایات آمده است که مقصود از «اولوا العلم»، اهل بیت می‌باشند که صاحب علم جامع الهی هستند. (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۲۳)

فاطمه علیها السلام صحابه اعراف

«وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ؛ و بر «اعراف» مردانی هستند که هر یک از آن دو را از چهره‌شان می‌شناسند.» (اعراف، ۴۶)

روایت

عبدالله بن الاصم از قول هیثم بن واقد نقل می‌کند که ایشان می‌گویند: شنیدم از اباعبدالله علیه السلام که می‌فرمایند: نزد حضرت علی علیه السلام بودم، ابن کواء وارد شد و از آیه «وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ» از حضرت پرسید، ایشان فرمودند: وای بر تو ای پسر کواء، این ما هستیم که در بین بهشت و جهنم، روز قیامت می‌ایستیم، پس هر کسی که ما را دوست دارد از چهره‌اش پیداست و او را می‌شناسیم و سپس او را داخل بهشت می‌کنیم و کسی که ما را دشمن دارد او هم چهره‌اش شناخته می‌شود و داخل جهنم می‌شود. (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۵۴۷)

در این روایت حضرت، اصحاب اعراف را اهل بیت معرفی کرده و تعبیر «ما» به کار برده است و فاطمه هم از اهل بیت پیامبر است، پس جزو اصحاب اعراف می‌باشد.

فاطمه علیها السلام خویشاوند دنیوی و اخروی

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ...؛ ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان پرهیزید همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد...» (نساء، ۱)

روایت

ابن عباس می گوید آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ...» درباره‌ی رسول خدا و اهل بیت و خویشاوندان او نازل شده زیرا تمام خویشاوندی نسبی و سببی در روز قیامت منقطع می‌شود، جز خویشاوندی نسبی و سببی که از پیامبر صلی الله علیه و آله باشد. (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۵)

فاطمه علیها السلام درخت علم

«وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ؛ و گفتیم: ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن و از (نعمت‌های) آن، از هر جا می‌خواهید، گوارا بخورید (اما) نزدیک این درخت نشوید که از ستمگران خواهید شد.» (بقره، ۳۵)

بهشت آدم و حوا، بهشتی آسمانی و مکانی قدسی و ملکوتی بود اگر چه بهشت جاوید نبود؛ (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۳۵) پس در این مکان قدسی، شجره ممنوعه‌ی آن، نمی‌تواند شجره‌ای خبیث و شیطانی باشد، بلکه درختی ملکوتی است که وجود آن در بهشت و منع آدم و

حوا از آن، نشانگر سهم مقرین برتر از آدم و حوامی باشد. با توجه به حقایق اسماء که انسان‌هایی متعالی و واسطه فیض خدا بودند؛ این شجره ممنوعه، طبیعتاً سهم آنهاست که همان درخت علم آل محمد علیهم السلام نیز می‌باشد. (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۶۰)

فاطمه علیها السلام کلمه الله

«فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ سپس آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت؛ (و با آنها توبه کرد.) و خداوند توبه او را پذیرفت؛ چرا که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است.» (بقره، ۳۷)

در روایتی است که چون لغزش از آدم صادر شد. از خداوند عزوجل عذرخواهی کرد گفت: خدایا توبه‌ام را پذیرا باش و عذرم را بپذیر و مرا به جایگاهم بازگردان. مقامم را در نزدت بالا ببر. که بی‌شک اثر لغزش و ذلت آن در ظاهر و باطنم آشکار گردیده است.

خداوند تعالی فرمود: ای آدم مگر به یاد نداری، که به تو دستور دادم در سختی‌ها، مشکلات و بلاهایی که بر تو وارد می‌شود مرا به محمد و آل پاک او بخوانی؟! بقره، ۱۲۹

آدم گفت: آری پروردگارا! خداوند عزوجل فرمود: پس به محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام بخوان تا خواسته‌ات را برآورده کنم و تو را به فوق مرادت برسانم.

پس آدم گفت: پروردگارا! آیا آنان به جایگاهی رسیده‌اند، که با

توسل به آنان توبه‌ی مرا می‌پذیری؟ و خطایم را می‌بخشی؟ در حالی که من کسی هستم که فرشتگان را به سجده واداشتی. و مرا در بهشت خویش جای دادی. حواء را همسرم قرار دادی و ملائکه‌ی بزرگوار را به خدمتم گماشتی؟!

خداوند فرمود: ای آدم! همانا دستور دادم به ملائکه که به عنوان تعظیم، تو را سجده کنند؛ زیرا تو ظرف این انوار بودی و اگر پیش از لغزش از من می‌خواستی تا تو را حفظ کنم و تو را زیر کی بخشم، تا از حیل‌های شیطان دور بمانی حتماً چنین می‌کردم ولی آنچه می‌دانستم مطابق آن انجام شد، پس الان مرا به آنان بخوان تا تو را اجابت کنم.

آدم علیه السلام گفت: خدایا به آبروی محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و پاکان از آل آنان که بر من عنایت بفرمای و توبه‌ام را بپذیری. لغزشم را ببخشی و مرا به مرتبه‌ام بازگردانی، پس خدای عزوجل فرمود: بی‌تردید توبه‌ات را پذیرفتم. و با خشنودیم از تو، به تو روی کردم، (پس امام فرمود:) این است معنای آیه‌ی شریفه‌ی: «فتلقى آدم من ربه کلمات...» (کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۲۱-۱۲۰)

فاطمه علیها السلام در آیه انفاق

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ...»
...؛ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند. (بقره، ۲۶۱)

روایت

از مفضل بن جعفری روایتی نقل شده که ایشان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خدای متعال « كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ ... » پرسیدم، فرمود: «جبه» فاطمه است و «سبع سنابل» هفت تن از فرزندان اوست که هفتمین آنها قائم است.

پرسیدم: منظورتان حسن است؟ فرمود: حسن امامی از جانب خداست و واجب اطاعه است ولی از جمله‌ی آن هفت سنبل نیست، که اول ایشان حسین و آخرشان قائم است. (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۴۷)

فاطمه علیها السلام از خاندان برگزیده خدا

« إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ؛ خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد. » (آل عمران، ۳۳)

همانا آل ابراهیم همان آل محمد هستند که اهل اویند و باید کسانی را که خداوند برمی‌گزیند مطهر و معصوم و پاک منزله از زشتی‌ها باشند؛ زیرا خداوند کسی را اختیار و انتخاب نمی‌کند مگر دارای چنین ویژگی باشد و باید ظاهرش مانند باطنش در طهارت و عصمت باشد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۳۵)

فاطمه علیها السلام در آیه «مس الكتاب»

«إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ؛ همانا آن، قرآن کریمی است، که در کتاب محفوظی جای دارد و جز پاکان نمی توانند به آن دست زنند.» (واقعہ، ۷۹-۷۷)

با جمع بین برخی آیات قرآنی پی می بریم که اهل بیت عصمت و طهارت از آن جمله حضرت زهرا حقیقت قرآن را مس کرده و از آن آگاهی دارند و لذا چنین کسی اقوال و بیاناتش در شرح و تفسیر قرآن برای همه حجت است.

در قرآن کلمه «مس» بر هر دو معنای؛ مسّ ظاهری و مسّ باطنی به کار رفته است و نیز طهارت به هر دو معنای طهارت ظاهری و طهارت باطنی به کار برده شده است.

الف) مسّ ظاهری

خداوند متعال می فرماید: «لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ...؛ اگر زنان را قبل از آمیزش جنسی یا تعیین مهر، (به عللی) طلاق دهید، گناهی بر شما نیست.» (بقره، ۲۳۶)

ب) مسّ باطنی

خداوند متعال می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ؛ پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می افتند ...»

(اعراف، ۲۰۱)

ج (طهارت ظاهری

خداوند می فرماید: «وَتَيِّبَكَ فَطَهَّرْ؛ و لباست را پاک کن.» (مدثر، ۴)

د (طهارت باطنی

خداوند می فرماید: «وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛ و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته.» (آل عمران، ۴۲).

با توجه به آیه «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ.»

در جمله «لایمس» دو احتمال وجود دارد:

۱. نباید قرآن را به جز افراد با طهارت مس کنند.
۲. حقیقت قرآن را جز افرادی که طهارت نفسانی دارند، درک نمی کنند.

پس بنابراین اهل بیت عصمت و طهارت از جمله حضرت زهرا مصداق واقعی «مطهرون» در قرآنند. همان گونه که خداوند متعال آیه تطهیر را در شأن آن هانا نازل کرده است. (رضوانی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۲-۲۰۱)

فاطمه علیها السلام شاخه‌ی شجره طیبه

«أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ؛ آیا ندیدی چگونه خداوند «کلمه طیبه» (و گفتار پاکیزه) را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه آن (در زمین) ثابت

و شاخه آن در آسمان است.» (ابراهیم، ۲۴)

روایت

سلام خنعمی روایت می کند که بر حضرت ابی جعفر محمد بن علی باقر علیه السلام داخل شدم پس گفتم: ای پسر پیامبر، فرموده خداوند تعالی در «أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» یعنی چه؟

فرمود: ای سلام! درخت؛ محمد است. فرع، علی و میوه، حضرت امام حسن و حسین علیهما السلام و شاخه فاطمه علیها السلام و شعبه‌ها در رشته‌های آن شاخه؛ ائمه از فرزندان فاطمه و برگ؛ شیعیان و دوستان اهل بیت می‌باشند. پس هرگاه یکی از شیعه‌های ما بمیرد یک برگ از این درخت می‌ریزد. هرگاه اولادی از آن‌ها متولد گردد بجای آن برگ افتاده، برگی دیگر سبز می‌شود. (حسکائی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۰۶)

چند نکته درباره‌ی شجره‌ی طیبه

۱. درخت پاک، در زمین پاک رشد پیدا می‌کند و ریشه‌دار است. (اصلها ثابت)
۲. درخت پاک، میوه پاک می‌دهد و هیچ آلودگی و آفتی را با خود ندارد. (توتی اء کلها)
۳. درخت پاک، هم فضا و هم زمین را پر می‌کند. (اصلها ثابت و فرعها فی السماء)
۴. درخت پاک ریشه‌دار، مقاوم است و در برابر حوادث و طوفان‌ها پابرجاست. (اء اصلها ثابت)
۵. میوه‌ی درخت پاک فصلی نیست بلکه دائمی است. (کل حین)

۶. هیچ چیز در عالم بدون اذن الهی تحقق پیدا نمی کند. (باذن ربها)
۷. این نوع درخت تحت تربیت و ربوبیت حضرت حق است و چون او پاک است این مربوب و مخلوق نیز از بهترین خواهد بود. (ربها)
۸. این نوع درخت با این ویژگی ها به نظر می رسد مادی نمی تواند باشد به خصوص هیچ درخت مادی دائمی نیست. (صاحبی فرد، ۱۳۸۳، ص ۷)

فاطمه علیها السلام امان مردم از عذاب

«وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ؛ وَخَلَقْنَاكُمْ مِنْ نَارٍ وَخَلَقْنَاكُمْ مِنْ نَارٍ وَخَلَقْنَاكُمْ مِنْ نَارٍ وَخَلَقْنَاكُمْ مِنْ نَارٍ» (انفال، ۳۳)

روایت

ابن حجر هیثمی این آیه را در شأن اهل بیت ذکر کرده و سپس می گوید: «پیامبر اشاره به سوی معنایی کرده که در اهل بیتش وجود دارد و اهل بیتش برای اهل زمین امان می باشند همان طور که وجود خود پیامبر برای آنان امان است و در این باب احادیث زیادی از جمله: «النجوم امان لاهل السماء و اهل بیتی امان لامتی ...» (بشوی، ۱۳۹۰، ص ۲۹۰)

فاطمه علیها السلام در آیه خمس

«وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ...؛ و بدانید آنچه را که سود می برید برای خداست و یک پنجم آن برای رسول و خویشاوند او...» (انفال، ۴۱)

روایت

«از علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: خداوند صدقه را بر رسول خود حرام کرد و در عوض آن چه حرام کرد سهمی از خمس را برایش قرار داد. هم چنین در میان همه مسلمین صدقه را تنها بر اهل بیت پیغمبرش حرام کرده و در عوض آن چه حرام کرده سهمی با رسول خدا برایشان تعیین نمود.» (سیوطی ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۸۶)

اشاره به نکاتی چند:

۱. مقدمه عمل، علم است بدانید تا عمل کنید. (و اعلموا ...)
۲. هر چه بر آن غنیمت اطلاق شود، خمس دارد. (غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ)
۳. اعتقاد به خمس و پرداخت به آن لازمه ایمان به خدا و وحی است. (ان کُنْتُمْ ءَامِنْتُمْ بِاللّٰهِ)
۴. کسانی اهل خمس هستند که ایمانشان مستحکم باشد لذا کلمه امتم بعد از کنتم آمده است. (ان کنتم ءامنتم) طبیعی است که این گونه افراد تعدادشان زیاد نیست.
۵. همان طور که سهم خدا را رسول می گیرد با نبود او سهم خدا و رسول از آن ذی القربی خواهد بود.
۶. از آن جا که مودت ذی القربی مطابق با آیه ی ۲۳ سوره شوری واجب است و بنابر آیات و روایات، آنان رهبران سیاسی و هدایتگران امت هستند باید در مسایل اقتصادی نیز به آنان مراجعه کرد و در تقویت ایشان کوشید و خمس را به آنان داد و این لازمه ی ایمان به خدا و قرآن است. (ان کنتم ءامنتم باللّٰه و ما انزلنا).

۷. بنابر آنچه در ذیل آیهی (وَاتِ ذِي الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ) آمده است، فاطمه زهرا علیها السلام آن ذی القربای است که خداوند او را معرفی کرده است و برایش حق قرار داده است. (صاحبی فرد، ۱۳۸۳، ص ۵)

فاطمه علیها السلام راستگوترین عالم

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید و با صادقان باشید.» (توبه، ۱۱۹)

روایت

روایتی از عبدالله بن عمر آمده که گفت: «خداوند همه اصحاب محمد را امر فرمود از خدا بترسند سپس به ایشان فرمود: «وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» باید با راست گویان باشید یعنی با محمد و اهل بیتش. (حسکاتی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۴۵)

در این آیه کریمه، مقصود از بودن با صادقان، همراهی و معیت جسمانی نیست، بلکه همراهی در هر چیزی است که راستی و درستی در آن مطرح باشد. منظور از همراهی استفاده و بهره‌گیری علمی از صادقین می‌باشد. (رضوانی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۵)

از جمله مصداق بارز و اکمل صادقین حضرت فاطمه صدیقه علیها السلام است که در مباحثه هم برای تصدیق رسالت در مقابل نصاری نجران تشریف بردند و حتی اسقف اعظم مسیحیت هم بر صداقت زهرا علیها السلام مرضیه گواهی داد.

فاطمه علیها السلام در آیه «اهل الذکر»

«... فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ اگر نمی‌دانید، از آگاهان

پرسید.» (نحل، ۴۳)

روایت

ابوبکر الحرثی روایت می‌کند از ابی جعفر درباره‌ی آیه «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ» که ایشان می‌فرمایند: ما اهل ذکر هستیم. (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۳۴)

روایات شیعه «اهل ذکر» را منحصر در اهل بیت می‌دانند، اما در منابع اهل سنت، درباره‌ی اهل ذکر پانزده نظریه مطرح شده است که آن‌ها را می‌توان در سه نظریه عمده خلاصه کرد: «اهل کتاب به طور اعم یا اخص»، «اهل قرآن» و «اهل بیت».

روایات اهل سنت به دو گروه تقسیم شده است: سند گروه اول از صحابه و تابعین است و سند گروه دوم به شخص پیامبر اکرم و اهل بیتش می‌رسد و با دیدگاه شیعه کاملاً منطبق است.

با توجه به متفق بودن روایات فریقین درباره این که مراد از اهل ذکر اهل بیت هستند و مرکز و محور اهل بیت حضرت فاطمه است مرجعیت اهل بیت به ویژه حضرت زهرا اثبات می‌شود. (بشوی، ۱۳۹۰، ص ۲۳۱-۲۳۰)

فاطمه علیها السلام در آیه «ذی القربی»

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ ...» خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد؛ ... (نحل، ۹۰)

روایت

حسین بن سعید معننا روایت می‌کند از محمد بن علی که ایشان درباره‌ی قول خداوند، «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ» می‌فرماید: «العدل»؛ رسول الله صلی الله علیه و آله، «الاحسان»؛ [امیرالمؤمنین] علی [بن ابی طالب]، «وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ»؛ فاطمه [الزهرا] نیز می‌باشند. (فرات کوفی، ۱۴۱۰، ص ۲۳۶)

چند نکته در آیه

۱. امر و نهی الهی به امید اثر بخشی است. (... يَاءُ مُرُّ ... لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ)
۲. اگر خداوند به اموری فرمان می‌دهد نهی از نقطه‌ی مقابلش می‌کند. (يَاءُ مُرُّ بِالْعَدْلِ ... يَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ)
۳. گرایش به عدل و احسان هم امر تکوینی و فطری است و هم تشریحی؛ زیرا عقل نیز آن را می‌پسندد.
۴. عقل، خوبی عدل احسان را می‌فهمد و خداوند آن را با دستور به دادن حق ذی القربی تکمیل کرد. (وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ)
۵. پیامبر نیز موظف است حق ذی القربی را بیاورد و بپردازد. (اءت ذی القربی حقه)

۶. نباید گذاشت تا ذی القربی درمانده شوند تا بیایند و حق خود را بگیرند بلکه باید حق آنان را محترمانه به آنان تقدیم کرد. (إِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى)

۷. با دست خالی نباید به نزد ذی القربی رفت. (إِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى)

۸. نتیجه به سراغ ذی القربی نیامدن غفلت است. (لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ)

۹. به قرینه آیه ۲۶ سوره اسراء و ۳۸ سوره روم و ۲۳ سوره شوری مقصود از ذی القربی خاندان پیامبر هستند و پیشاپیش آنان، حضرات علی و فاطمه علیهم السلام هستند و بدین منظور پیامبر اسلام فدک را به حضرت زهرا بخشید.

۱۰. حقی که باید به ذی القربی داد می تواند مختلف باشد از قبیل ابراز محبت، اعلان ولایت و پشتیبانی سیاسی و کمک های اقتصادی از قبیل خمس و انفال می باشد.

۱۱. همان طور که احسان، برتر از عدل است چه بسا ایتاء ذی القربی از احسان برتر باشد و در حقیقت اجرای عدالت و احسان به وسیله ایتاء ذی القربی صورت می گیرد و شاید بدین جهت باشد که خداوند آن را بعد از آن دو ذکر کرده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى». (صاحبی فرد، ۱۳۸۳، ص ۴-۵)

فاطمه علیها السلام مظهر ذی القربی

«وَأْتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ؛ وَحَقَّ نَزْدِيكَانَ رَا بِيْرْدَا.» (اسراء، ۲۶)

«فَاتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ

يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأَوْلِيكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ پس حقّ خویشاوند و تنگدست و در راه مانده را بده. این [انفاق] برای کسانی که خواهان خشنودی خداوند بهتر است، و اینان همان رستگارانند» (روم، ۳۸)

روایت

ابوسعید می گوید: وقتی آیه «وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقُّهُ» نازل شد. رسول خدا، فاطمه را خواست و به او فدک را بخشید. (سیوطی ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۷۳)

در این آیه خداوند تاکید بر ادای حق خویشاوند می کند و مراد از ذا القربی همان هایی هستند که در آیه مودت آمده و مراد قرابت رسول خدا است. طبق روایات شیعه و سنی وقتی این آیه نازل شد پیامبر، فاطمه زهرا را فراخواند و فدک را به او عطا فرمود.

چند نکته در ارتباط با آیه

۱. معلوم می شود قبل از نزول آیه، سهم و حقی برای ذی القربی اختصاص داده شده است. (وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقُّهُ)
۲. حق ذی القربی بر مساکین و ابن سبیل تقدم دارد.
۳. نباید ایشان را به سراغ حقی فرستاد بلکه باید حق او را محترمانه برایش آورد و به او داد. (وَأَتِذَا). (صاحبی فرد، ۱۳۸۳، ص ۴)

فاطمه علیها السلام وسیله ای بین خدا و مردم

«أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَيَّ رَبَّهُمُ الْوَسِيلَةَ...؛ کسانی را که آنان می خوانند، خودشان وسیله ای (برای تقرب) به پروردگارشان می جویند.»

(اسراء، ۵۷)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ؛ أَي كَسَانِي كَه إِيمَان
آورده‌اید. از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید و وسیله‌ای برای تقرب به او
بجوئید.» (مائده، ۳۵)

روایت

حسکانی از عکرمه روایت کرده که وی گفت «أُولَئِكَ الَّذِينَ ...
الْوَسِيلَةَ» یعنی ایشانند کسانی که می‌خواهند خدا را، می‌گیرند به سوی
پروردگارشان محکم‌ترین وسیله را، گفت: «ایشان پیامبر، علی، فاطمه،
حسن و حسین علیهم السلام هستند.» (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۴۶)

فاطمه علیها السلام نور خدا

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاهٍ فِيهَا مِصْبَاحُ الْمِصْبَاحِ
... كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ...؛ خداوند نور آسمان‌ها و زمین است؛ مثل نور
خداوند همانند چراغدانی است که در آن چراغی (پرفروغ) باشد.»
(نور، ۳۵)

روایت

عبداله بن القاسم روایتی از صالح بن سهل همدانی آورده که فرمود: از
ابوعبدالله پرسیدم درباره آیه «كَمِشْكَاهٍ فِيهَا مِصْبَاحُ الْمِصْبَاحِ فِي زُجَاجِهِ.»
گفت: «مشکاه»، فاطمه است.

«فِيهَا مِصْبَاحُ الْمِصْبَاحِ»، حسن و حسین علیهم السلام است.

«فِي زُجَاجِهِ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ؛ فاطمه کواکب دری بین
زنان اهل دنیا نیز می‌باشد.»

«يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ»، ابراهیم علیه السلام
 «لَا شَرْقِيَّةَ وَلَا غَرْبِيَّةَ»؛ ابراهیم نه یهودی و نه نصرانی است.
 «يَكَادُ زَيْتُهَا ... نُورٌ عَلَى نُورٍ» فرمود: مراد ذریه و اولاد فاطمه امامی
 بعد از امام مراد است.

«يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ»؛ مراد این که خداوند هر که را بخواهد به
 طرف ولایت ما هدایت می کند. (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۶۷)
 چند نکته:

۱. نورانیت هر چیزی از خداوند است. (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ)
۲. نورانیت خداوند قابل درک نیست، ولی مثل نورانیت خداوند قابل درک است. (مثل نور کمشکوه)
۳. نورانیت مثل نور خداوند، شرق و غرب نمی شناسد. (لَا شَرْقِيَّةَ وَلَا غَرْبِيَّةَ)
۴. گرچه نورهای فراوانی در جلو راه انسانها وجود دارد ولی همه از آنها بهره نمی گیرند. (نورٌ علی نورٍ یهدی اللهُ)
۵. تا خداوند دست انسان را نگیرد حتی در وسط نور هم باشد، راه را نمی یابد. (یهدی اللهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ)
۶. یکی از راههای هدایت الهی ذکر تمثیل و نمونه است. (و یضرب اللهُ الامثال) (صاحبی فرد، ۱۳۸۳، ص ۷)

فاطمه علیها السلام در آیه مودت

«... قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا...» بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم و هر کس کار نیکی انجام دهد، بر نیکی‌اش می‌افزایم...» (شوری، ۲۳)

روایت

بسیاری از دانشمندان اهل سنت آیه مودت را در شأن اهل بیت به ویژه حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام ذکر کرده‌اند و در ذیل آیه، روایات متعددی درباره‌ی محبت اهل بیت نقل نموده و معروف‌ترین آنها، روایت ابن عباس است که می‌فرماید:

هنگامی که آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» نازل شد، مردم از آن حضرت پرسیدند: ای پیامبر خدا! قربای تو چه کسانی‌اند که مودتشان بر امت واجب شده است؟

فرمود: علی، فاطمه و دو پسران فاطمه» (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۸۹)

در ادامه آیه خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا...»

از سدی نقل شده که مراد از حسنه، مودت آل رسول خدا است.

(زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۲۱)

سود محبت فاطمه علیها السلام و روایات

الف) در روایتی از سلمان وارد شده که پیامبر اسلام فرمود: فرشتگان خداوند را تسبیح می گفتند و او را تقدیس می کردند. خداوند فرمود: به عزت و جلالم سوگند، بی تردید قرار می دهم پاداش تسبیح و تقدیس شما را تا روز قیامت برای دوستانان این زن (حضرت زهرا علیها السلام) و پدر و شوهر و فرزندان. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۷)

ب) محمد بن مسلم ثقفی می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: فاطمه توفیقی در کنار درب جهنم دارد. چون روز قیامت شود بین دو چشم هر فردی مؤمن یا کافر نوشته می شود در نتیجه به محب و دوستی که گناهانش زیاد است که به آتش برود، فاطمه بین دو چشمش را می خواند که نوشته شده دوستدار.

پس می گوید: خدایم و سرورم! مرا فاطمه نامیدی تا من و کسانی که من و ذریه ام را دوست بدانند از آتش حفظ کنی. وعده ات حق است و تو خلاف وعده رفتار نمی کنی. خداوند عزوجل می فرماید: راست گفتی ای فاطمه! تو را فاطمه نامیدم و تو و هر کس تو را دوست بدارد و ولایت را بپذیرد و فرزندان را دوست بدارد و ولایت آنها را بپذیرد از آتش حفظ می کنم و وعده ام راست است و من خلاف وعده رفتار نمی کنم و بی تردید دستور دادم تا این بنده ام به آتش برود تا تو درباره اش شفاعت کنی و من آن را بپذیرم تا بدین وسیله جایگاهت نزد من و جایگاه من نزد تو برای ملائکه و پیامبران و رسولان اهل محشر

روشن شود. پس هر کس را دیدی که بین دو چشمش مؤمن نوشته شده
اگر چه گناهکار باشد دست او را بگیر و به بهشت وارد کن. (مجلسی،
۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۵)

فاطمه علیها السلام در آیه صلوات

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا؛ خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند. ای کسانی که
ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و سلام گوید و کاملاً تسلیم (فرمان
او) باشید.» (احزاب، ۵۶)

روایت

در روایات فراوان در کتب شیعی و سنی وارد شده که پیامبر اسلام
بعد از نزول آیه فوق کیفیت صلوات را بیان فرمودند: از جمله کعب بن
عجزه گفت: یا رسول الله! چگونه اسلام بر تو را دانستیم، پس صلوات
بر تو چگونه است؟ فرمود: بگو «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا
صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.» (سیوطی ۱۴۰۴،
ج ۵، ص ۲۱۶)

این صلوات خداوند و فرشتگان و مؤمنین پیوسته بر محمد و آل
محمد علیهم السلام جاری است و وجود نازنین فاطمه یکی از محوری ترین افراد
آل محسوب می شود.

فخر رازی گفته است: صلوات بر خاندان پیامبر منصبی بزرگ است و
به همین جهت آن را در پایان تشهد نماز آورده و گویند: «اللهم صل

علی محمد و آل محمد». (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۲۵، ص ۱۸۲)

سلام خدا بر فاطمه علیها السلام

«سَلَامٌ عَلٰی اٰلِ يٰسِیْنَ» (صافات، ۱۳۰)

روایت

از حضرت رضاء علیها السلام روایت شده که آن حضرت درباره‌ی قول خداوند متعال، «یس وَالْقُرْآنِ الْحَکِیْمِ اِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِیْنَ عَلٰی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ»

می‌فرمایند: مقصود از «یس» چه کسی است؟ دانشمندان گفتند: هیچ فردی شک ندارد که مقصود محمد صلی الله علیه و آله است، حضرت فرمود: خداوند به محمد و آل محمد فضیلتی داده که احدی نمی‌تواند به اصل توصیف آن برسد مگر کسی که در آن بیندیشد و آن این که خداوند تنها سلام بر انبیا داده است.

پس فرمود: «سلام علی نوح فی العالمین» و فرمود: «سلام علی ابراهیم» و فرمود: «سلام علی موسی و هارون» و فرمود: «سلام آل نوح» و فرمود: «سلام علی آل ابراهیم» و فرمود: «سلام علی آل موسی و هارون».

ولی فرمود: «سلام علی آل یس»؛ یعنی آل محمد. (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۶۲۵)

ذریه فاطمه علیها السلام

«وَالَّذِیْنَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّیَّتُهُمْ بِاِیْمَانٍ اَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ...؛ کسانی

که ایمان آوردند و فرزندانشان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردند.»
(طور، ۲۱)

روایت

علی بن ابراهیم از حضرت صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند: اطفال شیعیان و دوستان ما از مؤمنین روز قیامت به پدرانشان رهبری می‌شوند و به همان درجه می‌رسند و گفته‌اند مراد سادات هستند که به پدرانشان ملحق خواهند شد و ذریه کسانی هستند که از نسل فاطمه زهرا باشند. (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۳۲)

از ابن عباس روایت شده که شأن نزول این آیه درباره‌ی اهل کساء یعنی (علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام) نازل شده است. (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۷۰)

چند نکته

۱. در صورتی انسان در قیامت با پدران و مادران صالح خواهد بود که در مسیر آنان باشند. (واتبعهم)
۲. صرف پیروی کافی نیست، بلکه باید با ایمان و اعتقاد صحیح همراه باشد. (بایمان)
۳. هر کسی در گرو اعمال خویش است و صرف انتساب به بزرگان برای او کافی نیست. (کل امرء ..)
۴. گرچه ممکن است فرزندان به مقدار پدر و مادر عمل صالح نداشته باشند ولی برای روشنایی چشم پدر و مادر فرزندان را به آنان ملحق می‌کنند. (اءلحقنا)

۵. الحاق پدر و مادر موجب نمی‌شود چیزی از ثواب آنان کاسته شود تا در اختیار فرزندان قرار گیرد. (و ما ائلتناهم من عملهم). (صاحبی فرد، ۱۳۸۳، ص ۷)

سوگند خداوند به فاطمه علیها السلام، آیه شفع

«وَالْفَجْرِ وَ لَيْالٍ عَشْرٍ وَ الشَّفْعِ وَ الوَتْرِ». (فجر، ۱-۳)

روایت

از جابرین یزید جعفری روایت شده که ابی عبدالله علیه السلام درباره‌ی قول خداوند متعال «وَالْفَجْرِ وَ لَيْالٍ عَشْرٍ وَ الشَّفْعِ وَ الوَتْرِ» می‌فرماید: «الفجر»؛ یعنی قائم «لیال عشر»؛ ائمه حسن و حسین، «وشفع»؛ امیرالمؤمنین و فاطمه و «الوتر»؛ خدای یگانه است. «واللیل اذا یسر» دولت کنونی است تا برسد به دولت قائم (عج الله تعالی فرجه الشریف). (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۶۵۰)

فاطمه زهرا علیها السلام مرج البحرین

«مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ فَبَأَى آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجَانُ؛ دو دریای مختلف (شور و شیرین، گرم و سرد) را در کنار هم قرار داد، در حالی با هم تماس دارند؛ در میان آن دو برزخی است که یکی برد دیگری غلبه نمی‌کند ... از آن دو، لؤلؤ و مرجان خارج می‌شود.» (الرحمن، ۲۲-۱۹)

روایت

از ابن عباس روایت شده که وی می‌گفت: «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ» مراد علی و فاطمه است. «بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ»؛ مراد از برزخ، پیامبر

است. «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ» مراد از لؤلؤ مرجان حسن و حسین است. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۴۲)

فاطمه علیها السلام رستگار و پیروز

«إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ من امروز آنها را بخاطر صبر و استقامتشان پاداش دادم آنها پیروز و رستگارند.» (مومنون، ۱۱۱)

روایت

حسکانی ذیل همین آیه از عبدالله بن مسعود روایت آورده که گفت: «إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا» یعنی پاداش می‌دهم ایشان را به بهشت به سبب صبر و بردباری علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین در دنیا بر طاعات و برگرسنگی و تنگ دستی و به سبب آن چه صبر نمودند بر ترک گناه و صبر نمودند برای خدا بر بلا در دنیا که ایشان رستگاراند و از حساب در نجاتند. (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۵۳۱)

چند نکته

۱. عده‌ای پاداش خود را از خداوند می‌گیرند نه از ملائکه و این بالاترین ارزش و مقام است. (إِنِّي جَزَيْتُهُمُ)
۲. هر چند بسیاری از امور موجب رضای الهی است ولی صبر در راه خداوند از همه بالاتر است. (جَزَيْتُهُمُ ... بِمَا صَبَرُوا)
۳. چیزی که موجب می‌شود انسان به فوز و رستگاری برسد صبر در راه خداست. (أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ)

۴. نتیجه شیرین صبر در راه خدا، گرفتن پاداش از خداوند بدون واسطه است. (انی جزیتهم). (صاحبی فرد، ۱۳۸۳، ص ۸)

فاطمه علیها السلام در آیه مباحله

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ
أَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ...؛ به آنها بگو: بیایید ما فرزندان خود را
دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت نماییم،
...» (آل عمران، ۶۱)

روایت

جابر بن عبدالله روایت کرده است که درباره‌ی علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام آیه مباحله «فَقُلْ تَعَالَوْا...» نازل شده است، جابر بن عبدالله می‌گوید: مراد از «أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ»؛ رسول خدا و علی هستند و مراد از «ابناءنا»؛ حسن و حسین هستند و مراد از «نساءنا» فاطمه. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۹)

شأن نزول

روایت شده: در روز مباحله پیامبر از منزل خارج شد در حالی که برشانه‌ی مبارکش جامه‌ای از موی سیاه بود، حسین را بر دوش خود و دست حسن را گرفته و فاطمه پشت سر ایشان و علی پشت سرفاطمه به طرف مباحله به راه افتادند و پیامبر به عزیزانش فرمود: هر گاه من دعا کردم شما آمین بگویید.

اسقف نجران هنگامی که این منظره با شکوه را دید، گفت: من

چهره‌هایی را می‌بینم که اگر از خدا بخواهند که کوه را از جا برکنند، خدا این کار را خواهد کرد.

ای نصاری! با این مرد مباحله نکنید و گرنه هلاک می‌شوید و تا روز قیامت یک نفر نصرانی در روی زمین باقی نخواهد ماند ...»

آن حضرت فرمود: «سوگند به آن خدایی که جانم در قبضه‌ی قدرت اوست، اگر صاحب سخن اینها مباحله می‌کردند هلاکت بر آنها مقدر شده بود و برخی بصورت میمون و خوک مسخ می‌شدند و آتشی در بیابان آنها بر افروخته می‌شد که نجران با تمامی اهلیش حتی پرندگان بر بالای درختان نیز ریشه کن می‌شدند و هیچ چیز مانع بالای نازله از نصاری نمی‌شد و سرانجام همگی نابود می‌شدند.» (رازی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۲۴۷)

چند نکته در آیه مباحله

۱. یکی از راه‌های اثبات حق، مباحله است. (فَمَنْ حَاجَّكَ)
۲. استفاده از مباحله نه تنها به اذن الهی بلکه به فرمان او بود. (فَقُلْ)
۳. نفراتی که باید در مباحله شرکت می‌کردند، افراد خاص بودند نه همه افراد. (تَعَالَوْا نَدْعُ...)
۴. اولین گروهی که در معرض مباحله قرار می‌گیرند و شرکت می‌کنند، پاره‌ی تن، یعنی فرزندان هستند. (نَدْعُ أَبْنَاءَنَا)
۵. حرمت زن از دیدگاه قرآن همیشه محفوظ است و لذا بین دو گروه ابناء و انفس آمده است. (صاحبی فرد، ۱۳۸۳، ص ۴)

فاطمه علیها السلام در آیه « صراط المستقیم »

«اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ.» (حمد، ۷-۶)

«صراط المستقیم» صراط نعمت داده شدگان است که به شهادت سوره نساء چهار گروه، انبیا، صدیقین، شهداء و صالحین را در بر می گیرد:

«وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا؛ و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، همنشین کسانی خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده، از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان، و آنها رفیق‌های خوبی هستند.» (نساء، ۶۹)

روایت

جابر بن عبدالله از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که حضرت فرمود: «همانا خداوند متعال، علی و همسر و دو پسرش را از حجت‌های خود بر آفرید گانش قرار داده است و آنان دریای علم در امت من می‌باشند هر کس بوسیله‌ی آنان هدایت یابد به راه راست هدایت یافته است.» (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۷۶)

فاطمه علیها السلام مظهر اسماء الله

«وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ.» (بقره، ۳۱)

روایت

منظور از حقایق آسمانی متعالی که حضرت آدم به توصیف آن‌ها توفیق یافت، حقایق انسانی بودند؛ که در تفاسیر به انوار قدسیه چهارده معصوم با توجه به حدیثی از امام صادق علیه السلام که می‌فرمایند: «بخدا قسم ما همان (مظاهر تام) اسماء و صفات حسنی هستیم. که خداوند هیچ عملی را از بندگانش جز بواسطه‌ی معرفت به ما نمی‌پذیرد.» (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۰۳)

فاطمه علیها السلام در آیه تطهیر

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»
(احزاب، ۳۳)

روایت

ابوسعید خدری از ام سلمه روایت کند که گفت: این آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ...» در خانه او نازل شد. گوید: «من بر در خانه نشسته بودم، گفتم: ای رسول خدا من هم از اهل بیت هستم؟ فرمود: تو بر خیر و نیکی هستی، تو از ازواج نبی هستی، و همچنین گفت: که در منزل رسول خدا، علی، فاطمه، حسن و حسین بودند.» (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۸)

همچنین انس بن مالک روایت می‌کند: که همانا پیامبر به مدت شش ماه هر روز هنگام نماز در خانه‌ی فاطمه می‌گذشت و می‌فرمود: نماز ای اهل بیت: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ ...» (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۸)

دو نکته در آیه تطهیر

۱. اراده‌ی خداوند متعال از مرادش منفک نیست و هر چه اراده کند بی تردید تحقق می‌یابد و چون خداوند اراده‌ی پاکی اهل بیت را نموده است، پس آنان پاک هستند و هیچ‌گونه ناپاکی در رفتار و گفتار و افکار آنان راه ندارد.

۲. گرچه آیه‌ی تطهیر در بین آیاتی است که مربوط به همسران پیامبر است ولی تردیدی نیست که آیه مرتبط به آنان نیست. گذشته از روایاتی که در این باره وارد شده است و به بعضی از آنان اشاره شد تغییر خطاب از «کن» به «کم» خود این امر را می‌رساند.

از امام سجاده علیه السلام نقل شده که فرمود: گروهی از مردم نادان گمان می‌کنند که مراد خداوند از این آیه همسران پیامبر می‌باشد و حال آنکه آنان دروغ می‌گویند و گناه مرتکب می‌شوند. اگر خداوند همسران پیامبر را اراده کرده بود حتماً می‌فرمود: «لیذهب عنک الرجس و يطهر کن تطهیراً» و کلام مؤنث بود، همان‌طور که فرمود: «و اذکرن ما یتلی فی بیوتک و لاتبرجن و لستین کاحد من النساء.» (کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۸۷)

شأن نزول آیه‌ی تطهیر که در خانه‌ی ام سلمه نازل شد و برخورد پیامبر با ام سلمه خود مؤید گفتار حضرت سجاده علیه السلام است. (صاحبی فرد، ۱۳۸۳، ص ۴)

ب) آیاتی که در شأن فاطمه و علی علیهما السلام نازل شده‌اند

قیومیت فاطمه علیها السلام

«وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَ ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ» و به آنها دستوری داده نشده بود جز اینکه خدا را پرستند در حالی که دین خود را برای او خالص کنند و از شرک به توحید بازگردند، نماز را برپا دارند و زکات را پردازند. و این است آیین مستقیم و پایدار. (بینه، ۵)

روایت

خالد برقی از ابی جعفر علیه السلام در ذیل آیه «وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَ ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ» روایتی نقل کرده که «يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُوا الزَّكَاةَ»؛ امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و «ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ»؛ فاطمه می‌باشد. (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۷۱۸)

نور خدا در خانه فاطمه علیها السلام

«فِي بَيْتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ». (نور، ۳۶)

روایت

انس بن مالک و بریده روایت می‌کنند که: «رسول خدا این آیه را تلاوت نمود پس مردی بلند شد و از آن حضرت پرسید: این (خانه) کدام خانه‌هاست ای پیامبر خدا! خانه‌ی علی و فاطمه از این خانه‌هاست؟ فرمود: بله، افضل خانه‌های انبیا می‌باشد.» (بحرانی، ۱۴۱۶،

ج ۴، ص ۷۶)

چند نکته از نکات متعدد آیه:

۱. ارزش یک محل و مکان به کاری است که در آن جا صورت می گیرد. (يُذَكَّرُ فِيهَا...)
۲. برترین کارها یاد و تسبیح خداوند است. (يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُهُ)
۳. شرافت و برتری برای یک محل هم از نظر محل و مکان می تواند باشد و هم از نظر مکان و معنویت. (اذن الله ان ترفع)
۴. خانه های الهی می توانند از هر خانه ای بالاتر باشند و خداوند تکویناً و تشریحاً اجازه داده است که برتر باشند. (بیت الله ان ترفع)
۵. تخریب این خانه ها، مقابله با فرامین الهی و خواسته های تکوینی و تشریحی خداوند است. (اذن الله ان ترفع)
۶. هر جا که موجب تعظیم شعائر الهی باشد و یاد خدا در آن جا باشد مصداق آیه خواهد بود در نتیجه مساجد و مشاهد مبارکه ای اهل بیت و زیارتگاه های امامزادگان از مصداق آن بیوت خواهند بود. (صاحبی فرد، ۱۳۸۳، ص ۷)

از دواج فاطمه علیها السلام با علی علیه السلام

«وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا؛ او کسی است که از آب، انسانی را آفرید. سپس او را نسب و سبب قرار داد خویشاوند و داماد.» (فرقان، ۵۴)

روایت

برخی مفسران و دانشمندان اهل سنت در ذیل آیه از ابن سیرین

روایتی نقل کرده‌اند که وی گفت: این آیه در شأن مصطفی صلی الله علیه و آله و علی فرود آمد که مصطفی دخترش را - فاطمه - به همسری، علی در آورد، علی پسر عم وی بود و شوهر دخترش، هم نسب بود و هم صهر. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۷۳).

و در روایتی دیگر در امالی به اسناد انس بن مالک از پیامبر آمده است که گفت: مراد از آب، نور پیامبر است که قبل از خلقت آفرینش بود. سپس خداوند آن را در صلب آدم به ودیعه نهاد پس از صلب او به صلب دیگری منتقل کرد تا متصل به صلب عبدالمطلب شد. پس آن دو قسم شد: قسمی به صلب عبدالله (منتقل شد) که پیامبر را (از آن) متولد شد و قسمی به صلب ایطالب (منتقل شد) که علی، (از آن) متولد شد. آن گاه الفت و دوستی ازدواج را ایجاد کرد. پس علی با فاطمه ازدواج کرد. (کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۰)

فاطمه علیها السلام و وکالت الهی

«إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا وَأَكِيدُ كَيْدًا؛ آن‌ها پیوسته حيله می‌کنند، و من هم در برابر آنها چاره می‌کنم.» (طارق، ۱۶-۱۵)

روایت

ابن ابی حمزه از ابی بصیر روایت می‌کند در ذیل آیه «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا» چاره اندیشی می‌کند رسول خدا، علی، فاطمه. (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۴۱۶)

فاطمه علیها السلام در آیه ایثار

«وَيُؤْتِرُونَ عَلَيَّ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ؛ و آنها را بر خود مقدم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند.» (حشر، ۹)

شأن نزول

حسکانی ذیل آیه از ابوهریره روایت آورده که گفت: «مردی خدمت پیامبر آمد. پس شکایت کرد از گرسنگی، رسول خدا به خانه‌های همسرانش فرستاد. گفتند: جز آب چیزی نزد ما نیست، پس فرمود: کیست امشب او را میهمان کند؟»

علی علیه السلام فرمود: من ای رسول خدا. پس به سوی فاطمه آمد جریان را به او گفت. پس فرمود: چیزی جز خوراک بچه‌ها نزد ما نیست ولی ما میهمان را بر خود مقدم می‌داریم. پس علی فرمود: بچه‌ها را بخوابان و من چراغ را برای میهمان خاموش می‌نمایم. پس چنین کرد و میهمان خوراک را خورد. چون بامداد شد خداوند درباره‌ی آنها این آیه را فرستاد «وَيُؤْتِرُونَ عَلَيَّ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ». (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۳۱)

فاطمه زهرا علیها السلام و دعوت به نماز

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا...؛ خانواده خود را به نماز فرمان ده؛ و بر انجام آن شکیا باش ...» (طه، ۱۳۲)

روایت

عبدالله بن حسن از پدرش، از جدش نقل می‌کند که بوالحمراء خادم رسول خدا گوید: بعد از آن که این آیه نازل شد، رسول خدا پیش از هر نمازی بر در خانه علی و فاطمه می‌ایستاد و می‌فرمود: «الصلوة رحمکم الله إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ.» (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۸۱)

فاطمه زهرا علیها السلام نمونه زنان

«وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى.» (لیل، ۳)

روایت

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: که منظور از قول خداوند متعال (وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى) «ذکر»؛ امیرالمومنین علی، و«الانثی»؛ فاطمه است. (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۵۸۹)

فاطمه علیها السلام، بئر معطله

«... وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرِ مَشِيدٍ... وچه بسیار چاه پر آب که بی‌صاحب ماند؛ و چه بسیار قصرهای محکم و مرتفع.» (حج، ۴۵)

روایت

از صالح بن سهل روایت شده که منظور خداوند از (بئر معطله) فاطمه علیها السلام است و (قصر مشید) علی علیه السلام نیز می‌باشد. (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۵۰۷)

تبیین

«بئر» به معنی «چاه»، «معطله» به معنی «رها شده و بیکار مانده».

«عطل البئر» یعنی: چاه را رها کرد و آب از آن نکشید. چاه‌های پر آبی که معطل ماندند، نه کسی از آن‌ها آبی می‌کشد و نه تشنه‌ای از آن سیراب می‌شود.

این تفسیر در حقیقت، نوعی تشبیه است ... هنگامی که ائمه هدی از مسند حکومت دور شدند و مردم اطراف آن‌ها را خالی کردند و ستمگران جای آن‌ها نشستند به چاه پر آبی می‌مانند که به دست فراموشی سپرده شده و تشنه کامان از آن بهره نمی‌گیرند. (بیرانوند، ۱۳۸۹، ص ۱۹۹)

فاطمه علیها السلام در آیه عبادت

«تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» پهلوهایشان از بسترها در دل شب دور می‌شود (و بپا می‌خیزند و رو به درگاه خدا می‌آورند) و پروردگار خود را با بیم و امید می‌خوانند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. (سجده، ۱۶)

شأن نزول

این آیه در شب زفاف حضرت علی و فاطمه علیها السلام نازل شده و در مناقب ابن شهر آشوب آمده که أسماء بنت عمیس بنا به وصیت و قولی که به حضرت خدیجه داده بود، شب زفاف حضرت فاطمه در خانه او

ماند تا مراقب فاطمه باشد و رسول خدا برای دنیا و آخرت او دعای خیر نمود.

صبح روز بعد پیامبر نزد آن دو بزرگوار برگشت و گفت: سلام بر شما، آیا اجازه می‌دهید داخل شوم؟ اسماء در خانه را گشود ولی علی و فاطمه در خواب بودند، سپس پیامبر به اسماء گفت: بگذار بخوابند و با آنها کاری نداشته باش. خود در گوشه‌ای از عبايي که آنها بر روی خویش کشیده بودند، قرار گرفت و خداوند به این امر خبر داد و فرمود: «تتجافی جنوبهم عن المضاجع.» (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۲۹)

فاطمه علیها السلام مستجاب الدعوه

«الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ ...» (آل عمران، ۱۹۵-۱۹۱)

«همان‌هایی که خدا را در حال ایستاده و نشسته و آنگاه که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند؛ ... خداوند، درخواست آنها را پذیرفت و فرمود: من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را، زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد؛...»

شان نزول

در داستان هجرت پیامبر آمده است که رسول خدا قبل از حرکت و خروج از مکه، امیرالمؤمنین علی علیه السلام را مأمور کرد تا در بستر ایشان بخوابد و به سفارش‌های ایشان عمل نماید. سپس به همراه جمعی از زنان

باقی مانده به آن حضرت ملحق شوند.

از جمله این زنان، فاطمه زهرا علیها السلام بود که در راه هجرت در منطقه ای به نام ضحجان مورد تعقیب و حمله دشمنان از جمله حویرث بن نقید بن عبد قصى قرار گرفتند و بر شتری که فاطمه بر آن سوار بودند حمله کرده و حضرت را بر اثر ضربه به زمین انداخت. در این راستا حضرت علی با شمشیر از آنان استقبال کرده و بر آنان حمله ور شده و جمعشان را پراکنده و متفرق ساخت.

یک شبانه روز در ضحجان ماندند و در آن شب در پیشگاه خدا نماز به جا آورده و تا به صبح به راز و نیاز و ذکر و دعا مشغول شدند و نماز صبح را نیز به جماعت خواندند بعد حرکت کرده و منزل به منزل همین مراسم عبادت و راز و نیاز و نماز جماعت را انجام می دادند تا این که وارد مدینه شدند و پیش از فرا رسیدن آنان این آیه در شأن آنها نازل شده بود. (رحمانی همدانی، افتخار زاده، ۱۳۷۳، ص ۶۴۶-۶۴۴)

این آیه در باب هجرت علی و فاطمه علیهم السلام نازل شده و مراد؛ از مرد علی و مراد از زن؛ فاطمه می باشد. (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۲۴)

فاطمه علیها السلام در آیات ایذاء

«إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا...؛ آنها که خدا و پیامبرش را آزار می دهند، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته.» (احزاب، ۵۷)

«وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ...؛ و آنان که مردان و زنان

باایمان را به خاطر کاری که انجام نداده‌اند آزار می‌دهند.» (احزاب، ۵۸)

روایت

از علی بن ابراهیم روایت شده که آیه‌ی «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» نازل شد درباره‌ی کسی که حق علی را غضب کرد و حق فاطمه را گرفت و او را اذیت کرد و حال آن که رسول خدا فرمود: هر که فاطمه را اذیت کند در حیات و زندگی، مانند کسی است که بعد از مرگم او را آزرده است و هر کس او را بعد از مرگم بیازارد، مانند کسی است که در حیات و زندگی آزرده است و این سخن خداوند که می‌فرماید: «ان الذين يؤذون الله ورسوله...» یعنی کسانی که علی و فاطمه را بیازارند. (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۹۷-۱۹۶)

نکات قابل توجه:

۱. همچنان که انسان رنجیده می‌شود، خدا نیز از گفتار و رفتار و افکار بعضی‌ها می‌رنجد و رنجش خداوند دور کردن دیگران از رحمت خویش است. (يُؤْذُونَ اللَّهَ... لَعَنَهُمُ اللَّهُ)
۲. اذیت رسول خدا آن قدر خطرناک است که در طول ایذای الهی است. (يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ)
۳. اذیت کردن رسول به تنهایی موجب دوری از رحمت الهی در دنیا و آخرت است بلکه عذابی را به دنبال دارد. (واعدهم عذابا)
۴. کسی که خدا و رسولش را برنجاند در حقیقت به خدا و رسولش توهین کرده است در نتیجه عذابش همراه با اهانت و توهین خواهد بود.

(عذابا مهینا) گذشته از آن که عذابشان دردناک خواهد بود. (صاحبی فرد، ۱۳۸۳، ص ۶)

ج) آیات اختصاصی در شأن و منزلت فاطمه علیها السلام

فاطمه، رایحه شجره طوبی

«الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ؛ آنها که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پاکیزه‌ترین (زندگی) نصیبشان است و بهترین سرانجام‌ها.» (رعد، ۲۹)

روایت

از امام صادق علیه السلام درباره‌ی طوبی سؤال شد ایشان فرمود: منظور درخت طوبی در بهشت است و گفت: رسول خدا، زیاد فاطمه را می‌بوسید، پس عایشه ناراحت شد.

رسول خدا فرمود: من سفر کردم به آسمان و داخل بهشت شدم، پس خبر داد مرا جبرئیل از شجره طوبی و داد به من میوه‌اش را و خوردم؛ پس خدا متحول کرد آن آب را در پشت من، پس سرازیر شد به سوی زمین و واقع شد بر خدیجه. پس حامله گشت فاطمه را، پس نبوسیدم او را مگر اینکه بوی خوشی از او. (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۵۰۲)

فاطمه علیها السلام متنعم دائمی

«... وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ؛ و در آنچه دلشان بخواهد، جاودانه متنعم هستند. وحشت بزرگ، آنها را اندوهگین نمی‌کند.» (انبیاء، ۱۰۳-۱۰۲)

روایت

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: دخترم فاطمه با فرزندان و شیعیانش وارد بهشت می شوند و در این باره خدای متعال می فرماید: «لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَ هُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ؛ هرگز هول و هراس روز قیامت آنها را غمگین نمی سازد و بدانچه مشتاق هستند در بهشت تا ابد از نعمت‌ها بهره‌مندند.» به خدا سوگند آنها فاطمه و ذریه و شیعیانش هستند. (فرات کوفی، ۱۴۱۰، ص ۲۶۹)

ادب و احترام فاطمه علیها السلام

«لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا؛ صدا کردن پیامبر را در میان خود، مانند صدا کردن یکدیگر قرار ندهید.» (نور، ۶۳)

روایت

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: حضرت فاطمه فرمودند: به هنگام نزول آیه شریفه «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ...» هیبت و شکوه رسول خدا مانع از این شد که به حضرت بگویم، (یا ابا) ای پدر جان، لذا ایشان را (یا رسول الله) خطاب می کردم. چند بار ایشان را به همین ترتیب صدا کردم، ولی پیامبر از پاسخ دادن خودداری فرمودند تا اینکه رو به من کرد و فرمود: فاطمه جان! این آیه درباره تو و خانواده تو و نسل تو نازل نشده است، تو از منی و من از تو هستم. پس به من بگوی ای پدر، زیرا این کلمه قلبم را احیا کرده و خدا را راضی می کند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۳۲)

چند نکته:

۱. همچنان که پیامبر از همه برتر است. باید در برخوردها حرمت او را نگه داشت. (لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ)
۲. در هیچ شرایطی انسان حق ندارد برخورد ساده و عادی در برابر رسول خدا داشته باشد. (دُعَاءَ الرَّسُولِ)
۳. انسان‌های مؤمن با هم می‌توانند خودمانی باشند. چه بسا با دوستان خود، لازم نیست رعایت ادب بکنند ولی با پیامبر خدا باید رعایت حرمت را کرد، هر چند به او احساس نزدیکی داشته باشد. (دُعَاءَ بَعْضِكُمْ بَعْضًا)
۴. خواندن پیامبر چه بسا به عنوان نمونه است یعنی باید مسلمانان در گفتار و رفتار رعایت حرمت آن حضرت را داشته باشند.
۵. عدم رعایت حرمت، نشانه‌ی بی‌ایمانی یا ضعف ایمان یا لاقفل غفلت است.
۶. معلوم می‌شود در زمان نزول آیه، مسلمانان حرمت پیامبر خدا را رعایت نمی‌کردند همان‌طور که از آیات سوره‌ی حجرات استفاده می‌شود، زیرا با رعایت حرمت آن حضرت نیازی به نزول چنین آیات و دستوراتی نبود. (صاحبی فرد، ۱۳۸۳، ص ۷)

فاطمه علیها السلام و خبر شهادت فرزند

«وَصَيِّبًا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا؛ مَا بِهِ
انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با

ناراحتی حمل می کند...» (احقاف، ۱۵)

شأن نزول

محمد بن یعقوب کلینی بعد از هفت واسطه از ابو خدیجه و او از امام صادق علیه السلام نقل نماید که ایشان فرمود: وقتی که فاطمه به حسین حامله گردید جبرئیل نزد رسول خدا آمد و گفت: یا رسول الله! فاطمه صاحب پسری خواهد شد که بعدها به دست امت تو کشته می شود، به همین منظور فاطمه در حین آبستن بودن و نیز هنگام زائیدن با یک ناراحتی روحی توأم بوده است پس امام صادق افزود در دنیا مادری یافت نشده است که هنگام زائیدن فرزند خود نگران باشد ولی فاطمه در حین زائیدن حسین یک چنین حالتی داشته است. به همین منظور آیه «وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بَوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا...» نازل گردید. (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۳۹)

فاطمه علیها السلام محدثه و برگزیده خدا

«وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛ وَ (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته؛ و بر تمام زنان جهان، برتری داده است.» (آل عمران، ۴۲)

روایت

امام صادق علیه السلام می فرماید: از این جهت یکی از نام های فاطمه (محدثه) بوده که ملائکه به حضور او می آمدند و مانند مریم با او سخن می گفتند از جمله به او گفتند: ای فاطمه (خداوند تو را برگزید و تو را

بر زنان دیگر جهان برتری داده) و فرشتگان هم، سخنان او را گوش می-دادند و هم با او سخن می گفتند. فاطمه از ملائکه پرسید: مگر مریم دختر عمران برترین زن جهان نیست؟ ملائکه گفتند: مریم سرور زنان زمان خود بود ولی تو سرور زنان معاصر و اولین و آخرین هستی. (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۳۷)

تسبیح فاطمه علیها السلام ذکر کثیر

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را بسیار یاد کنید.» (احزاب، ۴۱)

روایت

از امام صادق علیه السلام روایت شده که منظور از (ذکر کثیر) در آیه (اذکرو الله ذکراً کثیراً) تسبیح فاطمه زهرا نیز می باشد. (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۸۶)

و هر کس پس از به جا آوردن نماز واجب خداوند متعال را به تسبیح حضرت فاطمه به اتمام رساند مورد عفو و آمرزش خداوند قرار می-گیرد. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۳۴۲)

همچنین در روایتی دیگر امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند: «خداوند به چیزی برتر از تسبیح فاطمه علیها السلام حمد و ستایش نشد و اگر چیزی برتر از آن بود، هر آینه رسول خدا آن را به فاطمه می بخشید.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۶۴)

فاطمه علیها السلام و وکالت الهی

«رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا.» (مزمل، ۹)

روایت

روایت شده که حضرت فاطمه تمنا نمود که کاش وقتی علی به سفر می رفت و کیلی از برای معیشت امور خانه‌ی خود قرار می داد، پس خداوند متعال آیه مبارکه «رب المشرق و المغرب ...» را نازل کرد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۴۳)

پاکدامنی فاطمه علیها السلام

«وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَيْنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ...» و همچنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت، ... « (تحریم، ۱۲)

روایت

از امام صادق علیه السلام نقل شده که ایشان فرمودند: این آیه را خدا مثال زد برای فاطمه و گفت: به درستی که فاطمه پاکدامن است و حرام کرد خداوند ذریه اش را بر آتش. (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۴۳۱)

صیانت از فاطمه علیها السلام

«وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ.» (عصر، ۳)

روایت

ابن عباس در ذیل آیه (وتواصوا بالحق و تواصوا بالصبر) می گوید:

سفارش کرد حضرت محمد صلی الله علیه و آله، علی را به صبر از دنیا و سفارش کرد او را به حفظ فاطمه. (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۸۳)

فاطمه علیها السلام لیلہ مبارکہ

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» (دخان، ۳)

روایت

مردی نصرانی از امام موسی کاظم علیه السلام درباره تفسیر قول خداوند (انا انزلناه فی لیلہ مبارکہ) سؤال کرد، امام در پاسخ فرمودند: منظور از لیلہ مبارکہ، فاطمه نیز می باشد که وجود ایشان مایه برکت است. (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۹)

فاطمه علیها السلام منصوره‌ی مومنان در قیامت

«... يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ...» در آن روز، مؤمنان (بخاطر پیروزی دیگری) خوشحال خواهند شد... به سبب یاری خداوند. (روم، ۵-۴)

روایت

شیخ صدوق از رسول خدا روایت می کند که حضرت از جبرئیل سؤال کرد: حبیب من جبرئیل! چرا فاطمه در آسمان‌ها به (منصوره) و در زمین به (فاطمه) نام گرفت؟

جبرئیل فرمود: او در زمین به (فاطمه) نامیده شد زیرا که شیعیان او از آتش جهنم و دشمنانش از محبت او دور شدند و در آسمان‌ها نیز منصوره نامیده شد، (به خاطر یاری نمودن مؤمنان در قیامت) آن چنان

که مراد از قول خدا در آیات (يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ) یاری فاطمه به محبان و دوستانشان در قیامت است. (فرات کوفی، ۱۴۱۰، ص ۳۲۱)

اولین سخن فاطمه علیها السلام در بهشت

«وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ؛ آنها می گویند: حمد و ستایش برای خداوندی است که اندوه را از ما برطرف ساخت.» (فاطر، ۳۴)

روایت

سلمان از پیامبر چنین روایت کرده است: که از حضرت درباره‌ی فضیلت فاطمه سؤال کردم، پیامبر خندان جلو آمدند و فرمودند: به خدایی که جانم در دست اوست فاطمه از عرصه‌ی قیامت عبور می کند در حالی که بر شتری نشسته است، ناگهان از طرف خداوند ندایی به گوش می رسد. ای مردم! چشمهایتان را ببندید، سرهایتان را به زیر اندازید این فاطمه دختر محمد، پیامبر شما و همسر علی، امام شماست و مادر حسن و حسین علیهم السلام است. پس فاطمه زهرا از پل صراط می گذرد آنگاه داخل بهشت می شود و به آن چه خداوند آماده کرده است نظر می افکند و می گوید:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ.»

خداوند به او وحی می‌کند: ای فاطمه! اگر از من درخواستی داری بگو، که بر تو ارزانی خواهم داشت. فاطمه عرض می‌کند: من تو را می‌خواهم که بالاترین درخواستم، در حضور تو بودن است و درخواست دارم که دوستانم و دوستان اهل بیتم را عذاب نکنی.

خداوند وحی می‌فرستد: ای فاطمه! به عزت و جلالم، به مقام خداوندی خودم قسم! دوهزار سال پیش از آن که زمین و آسمان را خلق کنم، بر خود عهد نمودم که عاشقان تو و دوستان فرزندان را عذاب نکنم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷، ص ۱۳۹)

فاطمه علیها السلام مبشّر و نذیر

«إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُبْرَى نَذِيرًا لِلْبَشَرِ؛ بِي تَرِيدِ أَيْنَ يَكِي مِنْ بَزْرَكِ تَرِينِ
پدیده‌هاست و هشدار دهنده به بشر است.» (مدثر، ۳۶-۳۵)

روایت

از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که قول خداوند متعال «إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُبْرَى نَذِيرًا لِلْبَشَرِ» یعنی فاطمه است. (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۴۵۸)
محبت فاطمه از جمله تکالیف الهی است که خداوند خلق را بر آن می‌ترساند و هر کس آن را قبول نکند در جهنم جای دهد.

فاطمه علیها السلام و مائده آسمانی

«... هُوَ مَنْ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ أَيْنَ مِنْ سَوَى
خداست. خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می‌دهد.» (آل عمران، ۳۷)

شأن نزول

روایتی از جابر نقل شده که می‌گوید: رسول خدا چند روز را بدون آن که غذایی بخورد، گذراند تا آن که فشار گرسنگی برایشان سخت شد، پس به خانه‌های همسران خود رفت ولی چیزی نیافت، آنگاه سوی فاطمه آمد و فرمود: دخترم! چیزی برای خوردن داری؟ من گرسنه‌ام. او گفت: به خدا سوگند نه.

بعد از رفتن رسول اکرم، همسایه‌ی فاطمه دو قرص نان و تکه‌ای گوشت برایش فرستاد او نیز آن‌ها را گرفت و در کاسه‌ای نهاد و گفت: به خدا سوگند حتماً رسول خدا را پر خود و اطرافیانم ترجیح می‌دهم، این در حالی بود که همگی شان محتاج یک وعده غذا بودند. حسن و حسین را به سوی رسول خدا فرستاد و او به سوی فاطمه بازگشت. فاطمه گفت: پدر جان! خداوند چیزی به ما داد که برای شما کنار گذاشتم.

فرمود: دخترم آن را بیاور. فاطمه آورد و پارچه را از روی کاسه برداشت و ناگهان دید ظرف پر از نان و گوشت است، با دیدن آن مبهوت گشت و دانست از برکت خداست. پس حمد خدا کرد و آن را جلوی پیامبر آوردند. پس پیامبر غذا را دید و حمد خدا کرد و پرسید: دخترم! این اطعام برای شما از کجاست؟

گفت پدر جان! «هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» رسول خدا حمد خدا کرد و سپس فرمود: حمد از آن خدایی است که تو را بسان بانوی زنان بنی‌اسرائیل قرار داد، او نیز هنگامی که خداوند

رزق نیکویش عطا می کرد می گفتند: از کجا آمده؟ او می گفت: «هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ.» (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۰)

فاطمه علیها السلام و پاداش اخروی

«وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا؛ و هرگاه از آنان روی برتابی و انتظار رحمت پروردگارت را داشته باشی، با گفتار نرم و آمیخته با لطف با آنها سخن بگو.» (اسراء، ۲۸)

شان نزول

روایت شده که روزی فاطمه به خاطر سختی‌های زندگی از پدرش حضرت محمد در خواست کنیز کرد. ناگهان حضرت رسول خدا گریه افتاد و فرمود: یا فاطمه! قسم به کسی که مرا به حق مبعوث کرد. در مسجد ۴۰۰ نفر مرد هستند، که لباس و غذایی ندارند اگر ترس من نبود می‌بخشیدم به تو آن چه را خواستی، ای فاطمه نمی‌خواهم که اجر و پاداشی به خاطر کنیز از تو جدا شود و به کنیز تو برسد، سپس ذکر تسبیح را به او یاد داد.

امیرالمؤمنین فرمودند: می‌خواهی از رسول خدا دنیا را و خدا عطا کرده ما را پاداش آخرت.

زمانی که رسول خدا از نزد فاطمه آمد خداوند آیه‌ی «وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ...» را نازل کرد و آن حضرت، کنیزی را برای خدمت

به سوی او فرستاد و نامید او را فِضَه. (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۳۹۵)

گریه و خنده فاطمه علیها السلام

«إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» (نصر، ۱)

روایت

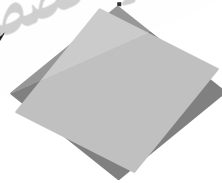
ابن عباس می گوید: هنگامی که (اذا جاء نصر الله و الفتح) نازل شد، رسول خدا، فاطمه را خواند و خیر مرگ خود را به او اعلام کرد. پس فاطمه گریه کرد، سپس رسول خدا فرمود: گریه نکن به درستی که تو اولین کسی هستی که به من ملحق می شوی پس فاطمه خندید و بسیار خوشحال شد. (فرات کوفی، ۱۴۱۰، ص ۶۱۴)

مرکز نشرها
وابسته به مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواران
ناشر تخصصی زن و خانواده

فصل

دوم: تجلی آموزه‌های قرآنی

در گفتار و احادیث فاطمی علیها السلام





مرکز نشرهاجر

وابسته به مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران
ناشر تخصصی زن و خانواده

مقدمه

در روایتی از امام محمد باقر علیه السلام آمده است:

«هرگاه حدیثی برای شما باز گفتم منبع آن را از قرآن جویا شوید»
(کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۶۰)

عترت طاهرین براساس آیات قرآن و حدیث متواتر ثقلین همتای قرآن بوده و تمسک به یکی از آن دو بدون دیگری، مساوی با ترک هر دو ثقل است و دستیابی به دین کامل تمسک به هر دو ثقل است. قرآن و عترت، عصاره نبوت و تداوم بخش رسالت هستند که هدایت بشر را تا قیامت تضمین می کنند. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۳۲)

در کتب فریقین بطور متواتر رسیده است که اهل بیت، عدل قرآن معید هستند. قرآن راه و اهل بیت رهبرند، قرآن اسلام مکتوب و اهل بیت اسلام ناطق اند و هر دو کلمه الله هستند.

قرآن و عترت دو تجلی از یک حقیقت واحدند که از هم انفکاک و جدایی ندارند. سیره معصومین و گفتار آن بزرگواران، مخصوصاً فاطمه زهرا همگی ملهم از قرآن کریم است و ایشان بارها بدان اشاره کرده اند.

آنان که با کلام خدا انس می گیرند افکار و اعمال و گفتارشان رنگ و بوی قرآنی به خود می گیرد و تجلی گاه آموزه های قرآنی می شوند و به حکمت های موهبتی مزین می گردند.

آموزه‌های قرآنی در سخنان دخت نبی اکرم بویژه در خطبه‌های آسمانی ایشان به خوبی تجلی می‌کند. این آموزه‌ها و معارف قرآنی متشکل از سه بخش عقاید، احکام و اخلاق می‌باشد و در این فصل به بیان بخشی از سخنان بانو فاطمه زهرا علیها السلام که مرتبط با این آموزه‌ها است پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است که در بخش عقاید فقط به سه اصل مهم دین که مورد اتفاق همه‌ی مسلمین جهان است و در بخش احکام به بیان برخی از احکام عبادی، حقوقی و اجتماعی می‌پردازیم.

اصول عقاید

«انسان موجودی کمال‌جو است و کمال انسانی در گرو رفتارهای اختیاری برخاسته از حکم عقل حاصل می‌شود و این احکام عملی عقل در پرتو شناخت‌های نظری خاصی که مهمترین آنها؛ شناخت مبدا «توحید» سرانجام زندگی «معاد» راه تضمین شده برای یافتن برنامه سعادت بخش «نبوت» است، شکل می‌گیرد.» (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص ۲۸)

و اینک با توجه به آیات قرآنی که درباره‌ی این سه اصل دین است به سخنان گهربار حضرت زهرا در این رابطه پرداخته می‌شود.

اول: توحید و خداشناسی

اساس و پایه دین را اعتقاد به وجود خدای جهان آفرین تشکیل می‌دهد و فرق اصلی بین جهان بینی الهی و مادی نیز وجود و عدم همین اعتقاد است. توحید و خداشناسی اقسام و مراتبی دارد که با توجه به سخنان حضرت به سه قسم آن پرداخته می‌شود.

الف) توحید عبادی

یعنی کسی به جز خداوند، شایسته پرستش نیست: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ.» (انبیاء، ۲۵)
 «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ.» (تغابن، ۱۳)
 با توجه به کلام وحی، حضرت زهرا هم در این باره می‌فرماید:
 «و اشهد أن لا اله الا الله وحده لا شريك له، كلمه جعل الارض تأويلها.»
 (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)
 «گواهی می‌دهم که خدایی جز الله نیست که تنهاست و شریکی برای او نمی‌باشد و کلمه‌ای که نتیجه و تأویل آن اخلاص است.»

ب) توحید صفاتی

یعنی صفات خدا مانند علم و قدرت و حیات، عین ذات اوست. (قرائتی، ۱۳۸۸، ص ۶۷)
 «إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره، ۲۰ و چندین آیه دیگر)
 حضرت زهرا (سلام الله علیها) در خطبه خود عرضه می‌دارد: «اللَّهُمَّ أَنْتَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ حَوْلًا وَأَشَدُّ بَأْسًا وَ تَنْكِيلًا.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)
 «پروردگارا تو از نظر قدرت و نیرو و از اینها نیرومندتر و قویتر هستی و عذاب و انتقام تو از دیگران شدیدتر خواهد بود.»

ج) توحید افعالی

یعنی خدای متعال در انجام کارهای خویش نیازی به هیچ کس و هیچ چیز ندارد و هیچ موجودی نمی‌تواند هیچ‌گونه کمکی به او بکند. (مصباح یزدی،

(۱۳۸۳، ص ۱۳۷)

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ؛ ای مردم، نعمتِ خدا را بر خود یاد کنید. آیا غیر از خدا آفریدگاری است. » (فاطر، ۳)

«ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ؛ این است خدا، پروردگار شما هیچ معبودی جز او نیست، آفریننده هر چیزی است. » (انعام، ۱۰۲)

حضرت زهرا در دعایی که پیامبر به او تعلیم داده عرضه می‌دارد:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ لَسْتَ بَرَبٌ اسْتَعْدَثْنَاكَ وَ لَمْ يَشْرِكْكَ فِي رُبُوبِيَّتِكَ، وَ لَا مَعَكَ إِلَهٌ أَعَانِكَ عَلَى خَلْقِنَا... » (البحرانی، ۱۴۱۱، ص ۳۳۲)

«بار خدایا، همانا تو پروردگاری نیستی که حادثت دانسته باشیم و همراه تو خدایی نیست که تو را در خلق نمودن ما کمک نموده باشد...»

خداشناسی فطری

فطری بودن شناخت خدا بدین معنی است که دل انسان، با خدا آشناست و در ژرفای روح خود مایه‌ای برای شناخت آگاهانه‌ی خدا وجود دارد که قابل رشد و شکوفایی است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص ۴۵)

« فَطَرَهُ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ. » (روم، ۳۰)

حضرت زهرا علیها السلام درباره‌ی این فطرت می‌فرماید: «و ضمن القلوب موصولها؛ خداوند درک و معرفت توحیدی را در دل‌ها قرار داده است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

دوم: پیامبرشناسی

در جهان‌بینی الهی نیاز انسان به پیامبر، ضرورتی است که قابل تردید نیست.

اگر جهان هستی هدفی دارد و در مسیر خود خط صحیحی را دنبال می‌کند باید برای انسان هم که جزئی از عالم است راهی روشن و دور از خطا و انحراف وجود داشته باشد و اگر نباشد او وصله‌ی ناهماهنگ هستی خواهد بود.

اگر برای آفرینش انسان هدفی وجود دارد و باید انسان به سعادت ابدی برسد، بدون داشتن طرحی کامل و جامع این هدف عملی نیست و انبیا برای تبیین چنین طرحی آمده‌اند.

اگر انسان خطاکار است، هشدار دهنده می‌خواهد و انبیا همان منذران و هشدار دهندگان هستند. در این نوع تفسیر و بینش است که نقش انبیا برای کاروان انسانیت روشن می‌شود و چنین بینشی تنها در جهان بینی الهی است. (قرائتی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۹)

با این مقدمه به سخنان دخت نبی اکرم حضرت فاطمه درباره‌ی نبوت؛ به بیان مقامات پیش از رسالت و بعثت پیامبر، اهداف بعثت پیامبر، عنایت خداوند متعال به بندگانش بواسطه‌ی پیامبر با نگاه بر آیات کلام وحی پرداخته می‌شود.

الف) مقامات پیش از رسالت و بعثت پیامبر

۱. اختیار

خداوند متعال قبل از آن که پیامبرش را به سوی مردم بفرستد، او را بین عموم مردم انتخاب و اختیار کرده است.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا... قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ؛ و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از پیامبران پیمان گرفت... پس گواه باشید و من با شما از گواهانم.» (آل

عمران، ۸۱)

حضرت زهرا علیها السلام می فرمایند: «اختاره قبل ان ارسله؛ خداوند پیامبرش را قبل از رسالتش انتخاب کرد.»

(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

از پیامبر نقل شده که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ أَطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ إِصْلَاعَهُ فَاخْتَارَنِي ...؛ خداوند توجهی به زمین انداخت و از بین همه‌ی مردم مرا انتخاب و اختیار نمود ...» (خزاقمی، ۱۴۰۱، ص ۱۰)

۲. نام‌گذاری قبل از خلقت

خداوند متعال قبل از آن که پیامبر را خلق کند نام او را در کتاب‌های انبیا پیشین ذکر کرده یا بر زبان‌های آنان جاری ساخت تا هنگامی که به رسالت مبعوث می‌شود کسی او را انکار نکند.

خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ... وَ مَبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ ...؛ و هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت: ای فرزندان اسرائیل، من فرستاده خدا به سوی شما هستم. تورات را که پیش از من بوده تصدیق می‌کنم و به فرستاده‌ای که پس از من می‌آید و نام او احمد است بشارت می‌دهم...» (صف، ۶)

و نیز از حضرت زهرا علیها السلام نقل شده که در خطبه‌ی خود می‌فرمایند: «و سَمَاءُ قَبْلَ أَنْ اجْتَبَاهُ؛ قبل از آن که او را خلق کند نام او را معرفی کرد.» (مجلسی

۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

ب) اهداف بعثت پیامبر ﷺ

۱. اتمام امر الهی

یکی از اهداف بعثت، اتمام امر الهی است. خداوند متعال از ابتدای خلقت که حضرت آدم را مبعوث به رسالت کرد هدفی را که همان هدایت خلاق است دنبال نمود و این هدف را با بعثت پیامبر اسلام به رسالت اتمام نمود.

خداوند در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ... إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (مائده، ۶۷)

فاطمه زهرا که خود تربیت شده مکتب اسلام است در این باره می‌فرماید: «اِبْتَعَثَهُ اللَّهُ اِتِّمَامًا لِّأَمْرِهِ؛ خداوند پیامبرش را مبعوث کرد؛ زیرا می‌خواست تا امر خود را تمام کند.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

۲. برطرف کردن ظلمت‌ها

یکی دیگر از اهداف بعثت برطرف کردن عقاید ظلمانی و خرافی مردم و مبدل کردن آنها به نور هدایت و سعادت است و خداوند در این باره می‌فرماید:

«... لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ؛ تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آوری و به سوی راه آن [خدای] شکست ناپذیر ستوده.» (ابراهیم، ۱)

حضرت زهرا علیها السلام در این باره می‌فرماید: «فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ ظُلْمَهَا؛ پس خداوند به وسیله‌ی پدرم محمد ظلمت‌ها و تاریکی‌های این امت را به نور مبدل ساخت.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

۳. دعوت به راه راست

همیشه در دنیا راه‌های گوناگونی وجود داشته که همگی ادعای به حق بودن آن را داشتند ولی اکثر این راه‌ها انحرافی و باطل بوده است یکی از اهداف بعثت انبیا دعوت مردم به راه راست و کنار زدن راه‌های باطل و اثبات بطلان آنها بوده است.

خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ و در حقیقت، این تویی که جداً آنها را به راه راست می‌خوانی.» (مومنون، ۷۳)
روح ایبها علیها السلام می‌فرماید: «وَعَادَهُمْ إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ؛ و مردم را به راه راست دعوت کرد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

۴. هدایت به دین حق

برخی دین‌ها از آن جا که دست بشر در ساختن آن دخالت داشته لذا از استحکام ویژه‌ای برخوردار نیستند و همانند تار عنکبوتی سُست و بی‌اساس می‌باشند. پیامبران الهی از طرف خداوند دینی همراه با حق و دارای اساس و پایه آورده‌اند تا مردم را به سوی آن هدایت کنند.

خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ...» (صف، ۹)
دره بیضاء علیها السلام در خطبه خود می‌فرماید: «وهداهم الى الدين القويم؛ و مردم را به دین محکم هدایتشان کرد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

ج) عنایات خداوند متعال به بندگانش بواسطه‌ی پیامبر ﷺ

۱. رحمت خداوند به بندگانش بواسطه‌ی پیامبر

هدایت بشریت در آخر الزمان به واسطه‌ی پیامبر است همان‌گونه که اگر خداوند متعال به مردم رحم می‌کند به واسطه‌ی اوست و عذاب را نیز به واسطه‌ی آن حضرت از ما دفع می‌نماید.

خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ؛ و[لی] تا تو در میان آنان هستی، خدا بر آن نیست که ایشان را عذاب کند و تا آنان طلب آمرزش می‌کنند، خدا عذاب‌کننده ایشان نخواهد بود.» (انفال، ۳۳)

از حضرت زهرا علیها السلام نقل شده که در دعایی عرضه می‌دارد: «اللهم صلِّ علی محمدٍ كما هدَّيتنا به، وصلِّ علی محمدٍ كما رَحَّمْتنا به...؛ بار خدایا! بر محمد درود فرست همان‌گونه که ما را بواسطه‌ی او هدایت نمودی و بر محمد درود فرست همان‌گونه که به ما بواسطه‌ی او رحم کردی.» (البحرانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۱۱)

۲. اقتدا به پیامبر ﷺ برای رسیدن به خدا

کسی که می‌خواهد سیر و سلوک به سوی خدا داشته باشد باید سنت‌ها و حجت‌های برهانی رسول خدا را گرفته و با عمل و پیروی از آن‌ها به هدف خود نایل گردد.

خداوند متعال می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ.» (احزاب، ۲۱)

از حضرت زهرا علیها السلام نقل شده که در دعایی عرضه می‌دارد: «اللَّهُمَّ كَمَا سَدَدْتَ
 بِهِ الْعَمَى وَفَتَحْتَ بِهِ الْهُدَى، فَاجْعَلْ مَنَاهِجَ سُبُلِهِ لَنَا سُنَنًا وَحُجَجَ بُرْهَانِهِ لَنَا سَبِيحَاتِنَا
 بِهِيَ إِلَى الْقُدُومِ عَلَيْكَ؛ يَا خَدَايَا! هَمَّانَ كَوْنَهُ كَمَا بِهِ وَسَطَهُ يَاسْمِيرَتِ رَاهِ كَمْرَاهِي
 رَا بَرَايَ مَرْدَمِ بَسْتِي وَبَابِ هِدَايَتِي رَا بِهِيَ جَايَ أَن بَا زَ نَمُودِي، بِسَ رَاهِي هِدَايَتِي
 أَوْ رَا بَرَايَ مَا سُنَّتِهَا وَحُجَّتِهَا يَاسْمِيرَتِ رَاهِي أَوْ رَا سَبِيحَتِي قَرَارِ دِي تَا بَا اِقْتِدَايَ بِهِيَ أَوْ بِهِيَ
 سَوِي تُو هَجْرَتِي كُنَيْمِي.» (ابن طاووس، ۱۳۸۸، ص ۲۰۵)

سوم: معاد شناسی

یک نظر اجمالی به آیات قرآن مجید نشان می‌دهد که در میان مسائل عقیدتی
 هیچ مسأله‌ای در اسلام بعد از مسأله توحید، به اهمیت مسأله معاد و اعتقاد به
 حیات بعد از مرگ و حسابرسی اعمال بندگان و پاداش و کیفر و اجرای عدالت
 نمی‌رسد و قریب یک سوم آیات قرآن به مسئله معاد پرداخته است. (مصباح
 یزدی، ۱۳۸۳، ص ۳۴۱)

انسان باید در امور دنیای خود همت داشته باشد ولی نباید بزرگترین هم و
 غمش باشد بلکه عمده‌ی همتش را باید در امر آخرت صرف کند و به اصلاح
 امور آخرت خود پردازد همان‌گونه که ائمه اطهار این‌گونه بودند از جمله
 حضرت زهرا در دعایی می‌فرمایند:

«یا خدایا! مصیبتم را در دینم قرار مده و دنیا را بزرگترین همتم و محل
 رسیدن علمم نگردان. خدایا دینم که باعث محافظت امرم خواهد شد را اصلاح
 گردان و نیز آخرتم که بازگشت من به سوی آن است...» (ابن طاووس، ۱۳۸۸،
 ص ۲۰۲)

۱. حتمی بودن مرگ برای همه

مرگ امری است حتمی و قانونی استثنا پذیر نمی‌باشد و بدیهی است که در این عالم هیچ کس جاودانه نخواهد زیست.

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ.» (آل عمران، ۱۸۵)

ام‌الازهار علیها السلام در وصیت خود به امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: «یا بن العم! انی أجد الموت الذی لابد منه ولا محیص عنه؛ ای پسر عمو! همانا من مرگ را که حقی است و از آن راه فراری نیست در خود می‌یابم.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۷۸)

۲. پرده برداری از اعمال بعد از مرگ

کشف غطا و برداشتن پرده‌ها از زمان مرگ شروع شده و در عالم برزخ ادامه می‌یابد و اوج تجلی آن در عالم قیامت است.

خداوند متعال می‌فرماید: «فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَ كَفِّ بَصَرِكَ الْيَوْمَ حَدِيدًا؛ و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم و امروز چشمت کاملاً تیزبین است.» (ق، ۲۲)

از حضرت زهرا علیها السلام نقل شده که فرمود: «لَتَجِدَنَّ وَاللَّهِ مُحْمَلَةً ثَقِيلًا وَ غَبَةً وَبِيلاً إِذَا كَشَفَ لَكُمْ الْغِطَاءَ وَ بَانَ مِنْ وَرَائِهِ الضَّرَاءُ وَ بَدَا لَكُمْ؛ به خدا سوگند! بار آن را سنگین و سرانجامش را ننگین خواهید یافت، آن‌گاه که پرده از کار شما کنار رود و زیان‌های پس پرده برایتان آشکار گردد و...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

۳. مرگ نفوس قبل از قیامت

در اصول اعتقادات، مبحث معاد است که آیا بر نفوس که از نوع تجرد است

مرگ عارض می‌شود یا خیر؟

از این جمله استفاده می‌شود که بر نفوس نیز مرگ عارض می‌شود و این گویا برای قبل از برپایی قیامت است که دوباره به جهت حسابرسی در صحرای قیامت خلق می‌شوند و این مطلبی است که از آیات قرآن نیز استفاده می‌شود.

خداوند متعال می‌فرماید: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَ يَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ

الْإِكْرَامِ» (الرحمن، ۲۶-۲۷)

ام الفضایل علیها السلام در دعایی این چنین عرضه می‌دارد: «یا باریءَ النُّفُوسِ بَعْدَ المَوْتِ؛ ای کسی که نفس‌ها را بعد از آن که مُردند خلق می‌کنی.» (موحد ابطحی، ۱۳۷۹، ص ۳۰)

۴. نفخ صور احیا به امر خداوند متعال

بعد از آنکه با نفخه‌ی اول که دمیدن به جهت مرگ همه موجودات است همه می‌میرند، خداوند متعال به اسرافیل دستور خواهد داد تا بار دیگر در بین خلایق صیحه‌ای زند و همه‌ی مردگان زنده شوند و در این هنگام است که همه بیدار شده و محشور می‌گردند.

«و نُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ؛ و در صور دمیده می‌شود، پس هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است بیهوش در می‌افتد، مگر کسی که خدا بخواهد. سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود و به ناگاه آنان بر پای ایستاده می‌نگرند.» (زمر، ۶۸)

حضرت زهرا علیها السلام در دعایی این چنین عرضه می‌دارد: «یا مَنْ أَمَرَ بِالصِّحْحَةِ فِي

خَلَقَهُ فَاذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ يَحْشُرُونَ؛ ای کسی که به صیحه‌ی در خلقت دستور دادی پس ناگاه آنان همگی زنده شده و محشور می‌گردند.» (موحد ابطحی، ۱۳۷۹، ص ۲۷)

۵. بازگشت انسان در قیامت

روز قیامت همه‌ی مردم باز می‌گردند و مظلوم حقش را از ظالم می‌گیرد. خداوند متعال می‌فرماید: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ؛ خداوند کسی است که هیچ معبودی جز او نیست. به یقین، در روز رستاخیز که هیچ شکی در آن نیست شما را گرد خواهد آورد.» (نساء، ۸۷)

کوثر نبی ﷺ می‌فرماید: «والموعِدُ الْقِيَمَةُ؛ موعِد و قرار، روز قیامت است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

۶. خداوند، داور روز قیامت

روز قیامت داوری نسبت به عملکرد انسان‌ها را خداوند متعال به عهده می‌گیرد و از آنجا که او عالم و قادر است لذا داور خوبی است. خداوند متعال می‌فرماید: «اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ؛ خدا روز قیامت در مورد آنچه با یکدیگر در آن اختلاف می‌کردید، داوری خواهد کرد.» (حج، ۶۹)

حضرت زهرا ﷺ می‌فرماید: «فَنِعْمَ الْحَكَمُ لِلَّهِ؛ پس خداوند حکم و داور خوبی است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

۷. روز قیامت، روز آشکار شدن پنهان‌ها

خداوند متعال در قرآن در این باره می‌فرماید: «يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيَّ اللَّهُ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِّمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ؛ آن روز که آنان آشکار گردند، چیزی از آنها بر خدا پوشیده نمی‌ماند.» (غافر، ۱۶)

از حضرت زهرا علیها السلام نقل شده که ایشان فرمود: «وَبَانَ مَا وَرَاءَهُ مِنَ الضَّرَائِ وَ بَدَا لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ يَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ؛ و هنگامی که شدائد و سختی‌های پشت پرده آشکار و ظاهر شود برای شما از ناحیه‌ی پروردگارتان چیزی است که هیچ وقت گمان آن را نمی‌کردید.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

۸. سود نداشتن ندامت در روز قیامت

روز قیامت روزی است که در آن پشیمانی سودی ندارد و آنجاست که انسان مشاهده می‌کند که چه بار سنگینی بر دوش خود گذاشته و چه عاقبت وخیمی برای خود با اعمال زشتش برگزیده است.

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ.» (غافر، ۵۲)

«[همان] روزی که ستمگران را پوزش‌طلبی‌شان سود نمی‌دهد و برای آنان لعنت است و برایشان بدفرجامی آن سرای است.»

از آیه النبوه علیها السلام نقل شده که فرمود: «وَلَا يَنْفَعُكُمْ اذ تَنْدُمُونَ؛ و در آن روز هر چه اظهار پشیمانی کنید برای شما سودی نخواهد داشت.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

۹. خسران اهل باطل در روز قیامت

کسانی که اهل باطل بوده و راه غیر صحیح را پیموده‌اند تمام زحماتشان به هدر رفته و در روز قیامت نه تنها به ازای آن چیزی بهره نمی‌برند بلکه پاداش آنها عذاب دوزخ است و این بدمعامله‌ای است که انجام داده‌اند.

خداوند متعال می‌فرماید: «قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَّا ذَلِكُمْ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ؛ بگو: زیانکاران در حقیقت کسانی‌اند که به خود و کسانشان در روز قیامت زیان رسانده‌اند آری، این همان خسران آشکار است.» (زمر، ۱۵)

و نیز نقل شده که حضرت فرمود: «وَعِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ؛ و در روز قیامت آنان که راه باطل را برگزیدند زیان خواهند کرد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

احکام الهی

در معارف دین گاهی از احکام الهی به عنوان مجموعه قوانین و دستورالعمل‌هایی که یک دین آورده است اراده می‌شود؛ که در سه حوزه بینش و عقاید، گرایش و اخلاق، کنش و احکام نمود می‌یابد و احکام بر دو قسم است: یکی احکام مربوط به رابطه انسان با خدا که بدان احکام عبادی گفته می‌شود و دوم احکام که بیانگر رابطه‌ی انسان با انسان است که اگر در رابطه با خود انسان باشد تکلیف و اگر در رابطه با دیگران باشد، حقوق است که به آن احکام حقوقی گفته می‌شود. (منتظر القائم، ۱۳۸۸، ص ۳۵۵)

با نگاه بر سخنان گهربار حضرت زهرا علیها السلام احکام عبادی اعم از نماز، زکات،

روزه، حج، جهاد و دیگر احکام حقوقی و اجتماعی اعم از قصاص، نفی از کم فروشی، نهی از سرقت، نهی از خوردن مال یتیم، برقراری عدالت، امر به معروف، نهی از شراب خوری نیز می‌باشد که این موارد جزء حقوق انسان‌هاست و خود دلیل روشنی بر اهتمام شرع مقدس اسلام به حقوق انسانی است. البته باید توجه داشت که بیان حضرت هرگز به معنی حصر در بیان احکام مذکور نمی‌باشد بلکه بیان نمونه‌هایی است که مبنای قرآنی دارد.

اول: احکام عبادی

۱. نماز، عامل دوری از کبر

خداوند متعال در قرآن کریم از آیات بسیاری در جهت اهمیت نماز و فوائد و آثار آن یاد کرده است. (حج، ۴۱؛ طه، ۱۴؛ ماعون، ۴-۵؛ مدثر، ۴۳-۴۲)

«اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ.» (عنکبوت، ۴۵)

با توجه به کلام خداوند که نماز را عامل دوری از زشتی‌ها و گناه می‌داند؛ حضرت زهرا علیها السلام هم یکی از رذیل‌ترین صفت انسان را کبر و خود بزرگ بینی در برابر ذات کبریایی خداوند می‌داند که با خواندن نماز می‌توان از این صفت رذیله دوری جست. «الصلاة، تنزیهها لکم عن الکبر.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

صفتی که شیطان را از درگاه ربوبی حق راند: «إِلَّا إِيْلَيْسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ.» (ص، ۷۴)

و از آن جا که نماز، یاد و نام خداست: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي.» (طه، ۱۴)

در حقیقت شخص نمازگزار با نماز خود و توجه به عظمت پروردگار، از کبر و غرور، منزّه می‌شود.

۲. زکات، عامل تزکیه‌ی نفس و نمو در مال

خداوند متعال می‌فرماید: «وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ.» (بقره، ۴۳)

در بیشتر آیات قرآن پس از یاد نماز و فرمان اقامه و به یاد داشتن آن، زکات مطرح شده که این خود نشان از اهمیت ارزش بسیار والای زکات در دین مبین اسلام است.

همچنین دخت نبی اکرم حضرت زهرا علیها السلام به پیروی از وحی الهی حکمت زکات را به دنبال حکمت نماز آورده و در خطبه خود می‌فرماید: «وَالزَّكَاةُ تَزْكِيَةُ لِلنَّفْسِ وَ نِمَاءً فِي الرِّزْقِ؛ وَ خَدَاوَنَدُ زَكَاةٍ رَا بَر شَمَا وَ اَجِب كَرَد تَا نَفْسَتَان رَا تَزْكِيَه وَ پَاك كَرَدَه وَ رُوْزِيْتَان رَا رَشَد وَ وَسَعَت دَهْد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

مقصود از زکات در گفتار فاطمه هرگونه انفاقی است که در راه رضای خدا انجام می‌گیرد خواه واجب یا مستحب. حضرت زهرا به ما آموخت که برای رسیدن به خوبی‌ها باید از خوشی‌ها گذشت.

«لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ.» (آل عمران، ۹۲)

در پرتو انفاق، رزق و روزی آدمی رشد می‌یابد و مایه‌های نزول برکات الهی به سوی ایشان فراهم می‌گردد. (خلجی، ۱۳۷۹، ص ۳۴۷)

خداوند متعال می‌فرماید: «وَ لَوْ أَنْ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمُ

بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ؛ و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم.» (اعراف، ۹۶)

۳. روزه، عامل تثبیت اخلاص

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.» (بقره، ۱۸۳)

در میان جمیع اعمالی که انسان برای خدا و «قربة الی الله» انجام می‌دهد یک عمل عبادی وجود دارد که هیچ مظهري ندارد و انسان می‌تواند آن را «مخلصاً لله» یعنی فقط برای خدا انجام دهد به طوری که هیچ کس نفهمد و آن عمل روزه است. اعمال دیگر هر یک نشانه و اثر ظاهری دارند که دیگران از آن مطلع می‌شوند اما روزه را فقط آدمی و خدا می‌دانند، مگر اینکه خود انسان بخواهد به دیگران بگوید که آن بحث دیگری است و ریا کمتر به درون آن راه می‌یابد. پس اثر این عمل، یعنی روزه همانا تثبیت اخلاص است. (تهرانی، ۱۳۹۱، ص ۷۴)

و حضرت زهرا می‌فرماید: «والصيامُ تَثْبِيْتًا لِلْاِخْلَاصِ؛ خداوند روزه را به شما واجب نمود تا ضمانتی برای اخلاص شما باشد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

۴. حج، عامل تحکیم دین

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَ أَدِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ؛ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ؛ و در میان مردم برای [ادای] حج بانگ برآور تا [زائران] پیاده و [سوار] بر هر شتر لاغری که از هر

راه دوری می‌آیند به سوی تو روی آورند، تا شاهد منافع خویش باشند.» (حج، ۲۷-۲۸)

خداوند حج را واجب نموده تا از جهاتی باعث محکم شدن پایه‌های دین شود از جمله اینکه در حج از ملیت‌های مختلف جمع می‌شوند و با هم ارتباط دارند و از مشکلات مسلمین و جهان اسلام آگاه می‌شوند و دشمنان مشترک خود را می‌شناسند و این به نوبه‌ی خود باعث تحکیم پایه‌های اسلام می‌گردد. تمام اعمال و مناسک حج و شعارهای آن جنبه‌ی توحیدی دارد و توحید اساس دین است و لذا با برپایی حج به تحکیم و استحکام پایه‌های دین کمک می‌شوند. (رضوانی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۴)

شاید به خاطر دلایل ذکر شده حضرت زهرا علیها السلام در این باره می‌فرماید: «والحج، تشییدا للدين؛ و حج را برای تحکیم دین واجب کرد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

۵. جهاد، مایه عزت اسلام و ذلت کفر

یکی از امور مهم عبادی و سیاسی در شریعت اسلام بلکه در هر دین و آیینی، مساله مبارزه و جنگ با دشمن است که برای حفظ کیان اسلام و امت اسلامی تشریح شده است. خداوند متعال می‌فرماید:

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُفَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ؛ و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید و [لی] از اندازه درنگذیرید، زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد.» (بقره، ۱۹۰)

امتی که در راه عقیده از خود گذشت کند؛ هم موجب عزت خودش و هم

موجب عزت اسلام و باعث ذلت و خواری اهل کفر و نفاق می گردد. به همین جهت حضرت زهراء علیها السلام در رابطه با جهاد در راه خدا می فرماید:

«والجهاد عزاً للاسلام؛ جهاد را به جهت عزت اسلام واجب کرد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

دوم: احکام حقوقی، اجتماعی

رعایت حقوق در منابع و متون اسلامی، چه در قرآن و چه در روایات معصومین و کتب فقهی جایگاه خاصی دارد.

«خداوند حقوق بندگانش را مقدم بر حقوق خود قرار داده و کسی که حقوق بندگانش را رعایت کند حقوق الهی را نیز رعایت خواهد کرد.» (محمدری شهری، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۸۰)

۱. قصاص، مانع از خونریزی

قصاص اجتماعی به هیچ وجه جنبه انتقام جویی ندارد بلکه دریچه‌ای است به سوی حیات و زندگی انسان‌ها و از یک سو ضامن حیات جامعه است، زیرا اگر حکم قصاص وجود نداشت افراد سنگدل احساس امنیت می کردند و جان مردم بی گناه را به خطر می انداختند و از سوی دیگر مایه حیات قاتل است، پس قصاص او را از فکر آدم کشی تا حد زیادی باز می دارد و کنترل می کند.

(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۰۶)

پرودگار متعال می فرماید: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ؛ و ای خردمندان، شما را در قصاص زندگانی است.» (بقره، ۱۷۹)

حضرت زهراء علیها السلام: «والقصاصُ حَقْنًا لِلدِّمَاءِ؛» «و قصاص را به جهت جلوگیری

از خونریزی قرار داد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

۲. کامل فروختن به جهت ضایع نشدن حق مردم

این در حقیقت دفاع از حقوق افراد است و در قرآن مورد تاکید بسیار و در رأس برنامه انبیا قرار گرفته است. این جمله حضرت ادای کامل حقوق مردم در خرید و فروش را امتحانی سخت برای نفی کم فروشی در معدود و موزون می‌داند؛ امری مورد تاکید شدید قرآن است که فرموده: «أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ؛ پیمان‌ها و ترازو را به عدالت، تمام دهید و بر اشیا مردم، عیب نگذارید.» (هود، ۸۵)

حضرت زهرا علیها السلام نیز در این باره می‌فرماید: «و وفاء المکیال و المیزان تغییراً للجنس و التطفیف؛ و پر دادن پیمان‌ها و ترازوها را برای دگرگونی کم فروشی قرار داد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

۳. نهی از سرقت به جهت عفت

خداوند در قرآن می‌فرماید: «و السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِنَ اللَّهِ؛ و مرد و زن دزد را به [سزای] آنچه کرده‌اند، دستشان را به عنوان کیفری از جانب خدا ببریید.» (مائده، ۳۸)

اگر خداوند دزدی را حرام کرده و برای آن حد قرار داده به جهت آن است که از این راه، روحیه عفت و عزت نفس را در مردم زنده کرده تا خودشان کار کنند و از دست رنج خود استفاده نمایند و به مال دیگران چشم نیندازند.

فاطمه زهرا علیها السلام می‌فرماید: «و ترک السرقه ایجاباً للعفه؛ و ترک دزدی را به جهت تثبیت عفت نفس و حفظ آن از طمع به مال مردم قرار داد.» (مجلسی،

۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

۴. نهی از خوردن مال یتیم به جهت دوری از ظلم

خوردن مال یتیم از جمله اموری است که قرآن با تاکید فراوان با آن برخورد کرده و اثر وضعی شدید برای آن بیان نموده و می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا؛ در حقیقت، کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند، جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می‌برند، و به زودی در آتشی فروزان درآیند.» (نساء، ۱۰)

حضرت زهرا علیها السلام می‌فرماید: «وَأَكِيلُ مَالِ الْيَتِيمِ وَ السَّيِّئَاتُ بِهِ أَجَارَهُ مِنَ الظُّلْمِ؛ و دوری از خوردن مال یتیم را، به خاطر دوری از ظلم واجب نمود.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

۵. برقراری عدالت به جهت پیوند دل‌ها

ظلم و تعدی و تجاوز، نظام جامعه را مختل می‌کند اما در مقابل، عدالت باعث پیوند خوردن دل‌ها به یکدیگر و ایجاد روحیه برادری و محبت می‌گردد و چه بسا اجرای عدالت باعث آبادانی زمین می‌شود. امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه «وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ» (روم، ۱۹)

می‌فرماید: «لَيْسَ يُحْيِيهَا بِالْقَطْرِ وَلَكِنْ يَبْعَثُ اللَّهُ رِجَالًا فَيَحْيَوْنَ بِالْعَدْلِ فَتَحْيَا الْأَرْضَ لِأَحْيَاءِ الْعَدْلِ.» (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۷۳)

«منظور احیاء زمین بوسیله باران نیست، بلکه خداوند مردانی را بر می‌انگیزد تا عدالت را زنده کنند و زمین با عدل زنده شود.»

قرآن نیز می‌گوید: «وَ إِذَا حَكَّمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ؛ و چون میان

مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید.» (نساء، ۵۸)

زهرای اطهر علیها السلام در این خصوص می‌فرماید: «والعدل، تَسِيْقًا لِلْقُلُوبِ، وَ الْعَدْلُ فِي الْاِحْكَامِ اِيْنَسَا لِلرَّعِيَةِ؛ وَ عَدَالْتِ رَا دِر جَامِعِهِ قَرَار دَاد تَا دِلْهَا بِي هِم پِيُونْد دَادِي شُوْد وَ عَدَالْتِ دِر دَاوْرِي رَا بِي خَاطِر آرَامَش بَخْشِي بِي مَرْدَم وَاجِب نَمُود.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۵۹)

۶. امر به معروف مصلحتی عمومی

قرآن بهترین امت را امتی می‌داند که امر به معروف و نهی از منکر کند.
«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ؛ شَمَا بِيْتَرِيْنِ اِمْتِي هِسْتِيْدِ كِي بَرَاي مَرْدَم پِدِيْدَار شُدِيْ اِيْدِ وَ بِي كَار پِسْنِيْدِيْهِ فَرْمَان مِي دِيْهِيْدِ وَ اَز كَار نَاپِسْنِيْدِ بَاز مِي دَارِيْد...» (آل عمران، ۱۱۰)

امر به معروف یک وظیفه عمومی به جهت مصلحت عمومی مردم می‌باشد. اگر همه‌ی مردم امر به معروف کنند این به نوبه‌ی خود باعث عمومی شدن معروف می‌گردد و همه به آن عمل می‌کنند و لذا این یک تکلیف الهی به جهت مصلحت عموم مردم است.

فاطمه علیها السلام نیز می‌فرماید: «وَ الْاَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ مُصْلِحُهُ لِلْعَامَّةِ؛ خِدَاوْنِد اَمْر بِي مَعْرُوف رَا بِي جِهْتِ مَصْلِحْتِ عَمُومِي مَرْدَم قَرَار دَاد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

۷. نهی از شراب خوری به جهت دوری از پلیدی

حضرت حق می‌فرماید: «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ؛» «شَرَابِ وَ قَمَارِ وَ بَتْهَا وَ تِيْرَهَايِ قَرْعِه پِلِيْدِنْدِ [وَ] اَز عَمَلِ

شیطانند. پس، از آنها دوری گزینید.» (مائده، ۹۰)
 قرآن، نوشیدن شراب را پلید و آن را عمل شیطانی دانسته و بخاطر پلید
 بودنش انسان را از نوشیدن آن نهی می‌کند.
 أَمْ الْإِثْمَةُ نِيزَ دَرِ اِيْنِ بَارَه مِي فَرْمَايِد: «و النَّهْيُ عَن شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيْهًا عَن
 الرَّجْسِ؛ وَ نَهْيِ اَز شُرْبِ خَمْرٍ رَا بَه جَهْتِ پَاكِي اَز پَلِيْدِي قَرَار دَا.» (مجلسی،
 ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

اخلاق در آموزه‌های دینی

اخلاق مهم‌ترین بخش آموزه‌های دینی است زیرا فهم معارف و عمل به
 احکام را تسهیل می‌کند از این رو ملاک برتری معنوی انسان‌ها تخلق به اخلاق
 انسانی است. (منتظر القائم، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸)
 همان گونه که احادیث رسیده از معصومین نیز به روشنی این حقیقت را نشان
 می‌دهند.

از جمله پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «انما بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْاِخْلَاقِ.»
 (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۱۰)
 اصیل‌ترین اصل در شناسایی اخلاق حضرت فاطمه زهرا، رسول خدا می‌باشد.
 ایشان به گفته‌ی حضرت رسول، پاره‌ی تن پیامبر است و از سجایای اخلاقی و
 رفتار پسندیده‌ای برخوردار است. بهترین راه شناخت و آگاهی از فضایل
 اخلاقی آن بانو، آشنایی با احادیث اخلاقی ایشان می‌باشد تا از راه تطبیق سخنان
 گهربار ایشان با کلام وحی راهی برای نظاره بر آن قله رفیع پیدا کنیم.

۱. اهمیت حسن خلق

نیک خوئی به عنوان یک اصل اساسی در دستورها و آموزه‌های وحیانی الهی مورد تأکید و سفارش قرار گرفته است و مومن می‌بایست در نیک خوئی به جایی رسد که مظهر خوش اخلاقی و نیک خوئی در میان بشر به شمار آید و همگان از آن بهره‌مند گردند.

«وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ و به بندگانم بگو: آنچه را که بهتر است بگویند.» (اسراء، ۵۳)

قرآن کریم شخصیت پیامبر را به دلیل اخلاق نیکویش می‌ستاید و می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ.» (قلم، ۴)

پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم‌السلام در برخوردهایی که با غیر مسلمان داشتند چنان ملاطفت آمیز و همراه با عفو و گذشت برخورد می‌کردند که بسیاری از مردم از همین رهگذر اسلام آوردند.

روایات بسیاری در باب حسن خلق و خوشرویی آمده است، از جمله زهرای مرضیه علیها‌السلام می‌فرماید: «خياركم أليكنم مناكبه و أكرمهم لنسائهم؛ بهترین شما کسی است که در برخورد با مردم نرمتر و مهربانتر باشد و ارزش‌مندترین مردم کسانی هستند که با همسرانشان مهربان و بخشیده‌اند.» (طبری، ۱۳۶۳، ص ۷)

و در روایتی دیگر درباره‌ی پاداش خوشرویی می‌فرماید: «بشر في وجه المومن يوجب لصاحبه الجنة و بشر في وجه المعاند المعادي يقى صاحبه عذاب النار؛ پاداش خوشرویی در برابر مومن بهشت است و خوشرویی با دشمن و افراد ستیزه‌جو، انسان را از عذاب آتش باز می‌دارد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۴۰۱)

خداوند متعال در قرآن کریم درباره‌ی رعایت خوش خلقی در گفتار و

برخوردها حتی نسبت به کافران و مشرکان می‌فرماید: «ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا
الَّذِي يَبْنِيكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ؛ همیشه بدی خلق را به بهترین عمل
پاداش ده تا همان کس که گویی با تو بر سر دشمنی است دوست و خویش تو
گردد.» (فصلت، ۳۴)

۲. صبر، وسیله‌ای برای پاداش

صبر یکی از مهم‌ترین صفات ایمانی است. قرآن کریم ده‌ها بار از صبر یاد
کرده و بسیاری از درجات عالی و خیرات را از نتایج صبر شمرده است. از نظر
قرآن صبر تنها فضیلتی است که پاداش بدون حساب دارد:

«إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ.» (زمر، ۱۰)

و همچنین می‌فرماید: «أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا؛ آنانند که به [پاس] آنکه صبر کردند و [برای آنکه] بدی را با نیکی دفع می‌نمایند.» (قصص،
۵۴)

ام‌الخیره علیها السلام می‌فرماید: «الصبر، معونه علی استیجاب الأجر؛ صبر را وسیله‌ای به
جهت استحقاق و مستوجب اجر شدن قرار داد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹،
ص ۲۲۰)

۳. صبر بر مصیبت

انسان در هیچ حالی از صبر بی‌نیاز نیست زیرا هر حادثه‌ای که برای او اتفاق
می‌افتد یا موافق طبع اوست و یا مخالف و در هر دو صورت نیازمند صبر است.
صبر دارای اقسامی است که یکی از اقسام آن صبر بر شدائد و مصائب می‌باشد.
(جباران، ۱۳۸۴، ص ۲۱۰)

خداوند متعال می‌فرماید: «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ؛ و مژده ده شکیبایان را [همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می‌گویند: «ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم.» (بقره، ۱۵۶-۱۵۵)

از حضرت زهرا نقل شده که خطاب به حضرت امیرالمومنین فرمود:
 «یا ابا الحسن! ان رسول الله عهد الی و حدتتی انی اول اهلہ لحوفاً به ولا بداً منه، فاصبر لأمر الله تعالی و أرض بقضائه؛ ای ابا الحسن! همانا رسول خدا ﷺ با من پیمان بسته و خبر داده است که من اولین کسی خواهم بود که به او می‌پیوندم و گریزی از آن نیست، پس در برابر فرمان و خواست خداوند بزرگ بردبار و به حکم او راضی باش.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۲۰۱)

۴. شکر نعمت، سبب زیادی نعمت

مقام شکر یکی از مقامات بلند ایمانی است که تنها اندکی از سالکان کامل به آن دست می‌یابند.
 قرآن کریم می‌فرماید: «وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرُونَ؛ و از بندگان من اندکی سپاسگزارند.» (سبا، ۱۳)
 از جمله آثار شکر از دیدگاه قرآن کریم، افزایش نعمت است؛ «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ.» (ابراهیم، ۷)
 تفاحه الجنة ﷻ در دعایی چنین عرضه می‌دارد: «و شکره تستوجب الزیادات؛ و تشکر از او موجب زیادی نعمت‌ها می‌شود.» (ابن طاووس، ۱۳۸۸، ص ۲۵۱)

۵. نیکی به والدین مانع غضب الهی

قرآن می‌فرماید: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا؛ و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید و از سر مهربانی، بال فروتنی بر آنان بگستر.» (اسراء، ۲۴-۲۳)

در چهار سوره از قرآن مجید نیکی به والدین بلافاصله بعد از توحید قرار گرفته و هم ردیف بودن این دو مسأله بیانگر این است که اسلام تا چه حد برای پدر و مادر احترام قائل است. (بقره، ۸۳؛ نساء، ۳۶؛ انعام، ۱۵۱؛ سبأ، ۱۳)

اهمیت این موضوع تا آن پایه است که هم قرآن و هم روایات صریحاً توصیه به آن می‌کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۷۱)

بانوی بانوان حضرت زهرا علیها السلام می‌فرماید: «وَبِرِّ الْوَالِدَيْنِ وَقَايَةُ مِنَ السَّخَطِ؛ نیکی به پدر و مادر منشأ جلوگیری از غضب الهی است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

۶. حق همسایه

در قرآن کریم آیاتی مربوط به همسایه و همسایگی وارد شده است و خداوند متعال در آیه‌ای به گونه‌ای آشکار مومنان و مسلمانان را به رعایت حق همسایگان دعوت می‌نماید و می‌فرماید:

«وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا... وَالْجَارَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارَ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ؛ و خدا را پرستید. چیزی را با او شریک مگردانید و به پدر و مادر احسان کنید و درباره خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه خویش و همسایه بیگانه و همشین و در راه‌مانده و بردگان خود [نیکی کنید]...» (نساء، ۳۶)

حضرت رسول می‌فرماید: «جبرئیل درباره‌ی همسایه آنقدر سفارش کرد که پنداشتم همسایه ارث خواهد برد.» (احمدیان، ۱۳۸۹، ص ۱۹۶، ح ۲۶۴۰)

باز روایتی حضرت زهرا از رسول خدا نقل کرده که ایشان فرمود: «لَيْسَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَمْ يَأْمَنْ جَارَهُ بِوَأْتِقِهِ ... وَ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُوذُّ جَارَهُ؛ از مومنان نیست کسی که همسایه‌اش از مصیبتش در امان نباشد ... و کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد همسایه‌اش را آزار نمی‌دهد.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۶۷)

همسایه از چنان منزلتی برخوردار است که حتی در هنگام دعا کردن باید وی را بر خود مقدم داشت چنانچه بر اساس حدیثی حضرت فاطمه علیها السلام تا صبح برای زنان و مردان مومن دعا کرد ولی در حق خود دعا نکرد و فرمود: «الجار ثم الدار؛ اول همسایه سپس خانه.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۸۲)

۷. پاداش سلام کردن بر رسول خدا صلی الله علیه و آله

خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا.» (احزاب، ۵۶)

اگر ما به حق خدا را می‌پرستیم ناگزیر باید در پیوستن به بندگان برگزیده‌اش شتاب ورزیده و بهشت را خریداری کنیم و فرمانبردار و خاضع حقیقی نسبت به خدا کسی است که بر اولیای برگزیده‌ی او در میان آفریدگانش سلام کند.

(مترجمان، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۲۰۰)

زهرا علیها السلام می‌فرماید: «من سَلَّمْتُ عَلَيْهِ او عَلَيَّ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ اَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ، قَلْتُ لَهَا فِي حَيَاتِهِ وَ حَيَاتِكَ قَالَتْ نَعَمْ وَ بَعْدَ مَوْتِنَا؛ هر که بر پدرم رسول

خدا تعالی و بر من به مدت سه روز سلام کند خداوند بهشت را برای او واجب می‌گرداند چه در زمان حیات و یا پس از مرگ ما باشد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۸۵)

۸. طول عمر در پرتو صله رحم

قرآن کریم مراعات حال خویشان را در کنار پروای از خویش آورده و می‌فرماید: «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا؛ و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می‌کنید پروا نمایید و زنهار از خویشاوندان مَبْرُود، که خدا همواره بر شما نگهبان است.» (نساء، ۱)

قطع رحم از گناهان کبیره است که خداوند تعالی در برابر آن وعده عذاب داده و قاطع رحم را لعنت کرده است. (رعد، ۲۷)

در روایت آمده که صله رحم باعث طولانی شدن عمر انسان می‌گردد، مهجة المصطفی می‌فرماید: «وَصَلَّةُ الْأَرْحَامِ مَنْسَأُ فِي الْعُمُرِ وَ مَنْمَأُ لِلْعَدَدِ؛ صله رحم موجب طولانی شدن عمر و رشد جمعیت می‌شود.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

۹. میانه روی در فقر و بی‌نیازی

برخی در حالت بی‌نیازی از راه اعتدال خارج شده و اسراف کار می‌شوند و در نتیجه خود را به فقر می‌اندازد و لذا باید از خدا بخواهیم تا ما را از اعتدال و میانه روی در هر حال خارج نگرداند.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا؛ و کسانی‌اند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ

می‌گیرند و میان این دو [روش] حد وسط را برمی‌گزینند.» (فرقان، ۶۷)

مجدداً خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا؛ و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده‌دستی منما تا ملامت شده و حسرت‌زده بر جای مانی.» (اسراء، ۲۹)

از صدیقه طاهره علیها السلام نقل شده که در دعایی چنین عرضه می‌دارد: «وَأَسْأَلُكَ الْقَصْدَ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى؛ و از تو می‌خواهم که به من حالت میانه روی را در حالت فقر و بی‌نیازی عنایت فرما.» (ابن طاووس، ۱۳۸۸، ص ۲۰۲)

۱۰. مذمت بخل

بخل عبارت است از نگهداری ثروت در آنجا که خرج کردن سزااست و اسراف خرج کردن است در جایی که نگهداری باید کرد. (جباران، ۱۳۸۴، ص ۸۹)

قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا؛ همان کسانی که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل وامی‌دارند و آنچه را خداوند از فضل خویش بدانها ارزانی داشته پوشیده می‌دارند...» (نساء، ۳۷)

بخل از آثار دنیا دوستی و از صفات ناپسند است. فاطمه زهرا علیها السلام می‌فرماید: «ایاک و البخل؛ فإنه عاهة لا تكون في كريم. ایاک و البخل؛ فإنه شجره في النار و اغصانها في الدنيا، فمن تعلق بغصن من اغصانها اذخله الله النار؛ از بخل بهره‌یز؛ زیرا آن مرضی است که در شخص کریم وجود ندارد. از بخل بهره‌یز؛ زیرا که

آن درختی است در دوزخ که شاخه‌های آن در دنیاست، پس هر کسی به شاخه‌ای از شاخه‌های آن چنگ زند خداوند او را به دوزخ اندازد.» (طبری، ۱۳۶۹، ص ۴)

۱۱. نهی از پیمان شکنی

خداوند مکرراً در آیات قرآن افرادی را به خاطر عهد شکنی‌هایشان مورد ملامت و سرزنش قرار می‌دهد. حتی گاه چنین افرادی را منافق می‌نامد زیرا از نظر قرآن عهد شکنی نشانه‌ی بارزی از وجود نفاق در آدمی است. (امینی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۵۳)

«وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ؛ و کسانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند و آنچه را خدا به پیوستن آن فرمان داده می‌گسلند و در زمین فساد می‌کنند.» (رعد، ۲۵)

از شفیعة العصاه علیها السلام نقل شده که: «بؤساً لقوم نکثوا ایمانهم من بعد عهدهم؛ بدبختی و فقر بر قومی بار که قسم‌هایشان را بعد از عهد و پیمانی که بسته بودند شکستند.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

۱۲. تأثیر گناه بر دل

در روایت آمده که هر گاه بنده گناهی انجام دهد نقطه سیاهی در دل او پیدا می‌شود که اگر توبه کند و از گناه دست بردارد و استغفار نماید قلب او صیقل می‌یابد و اگر باز هم به گناه برگردد سیاهی افزون می‌شود و تمام قلبش را فرا می‌گیرد. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳۲۵) این همان زنگاری است که خداوند

متعال در آیه: «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَي قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (مطففین، ۱۴) اشاره کرده است.

زهرای اطهر علیها السلام هم این گونه می‌فرماید: «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَي قُلُوبِكُمْ مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ؛ نه چنین است، بلکه کارهای زشتی که کردید سبب شده تا دل‌هایتان زنگار بگیرد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)

۱۳. حق میهمان

مهمانی رفتن و مهمانی دادن از سنت‌های پسندیده‌ای است که اسلام توجه زیادی به آن داشته و این سنت الهی آنقدر حائز اهمیت است که حتی خداوند در آیه‌ای طولانی آداب مهمانی رفتن را به مومنان می‌آموزد. (احزاب، ۵۳) از منظر قرآن یکی از آداب مهمانی دادن، تکریم و احترام گذاشتن به میهمان است.

«هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ.» (ذاریات، ۲۴)

از آنجا که میهمانان حضرت ابراهیم علیه السلام با عنوان مکرمین «گرامی داشته شدگان» توصیف شده‌اند، معلوم است که اکرام میهمان، سنتی نیکو و ادبی جمیل است.

این مسأله در روایات نیز به نحوه موکدبی وارد شده است. حضرت فاطمه علیها السلام از پدر گرامی‌اشان نقل کرده:

«مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ؛ کسی که خدا و روز قیامت

ایمان دارد میهمانش را اکرام می‌کند.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۶۷)

۱۴. پرهیز از بیهوده‌گویی

پروردگار حکیم، انسان را از گفتاری که هیچ سود و بهره‌ای برای او ندارد، برحذر می‌دارد و در قرآن کریم آدمیان را از بیهوده‌گویی نهی می‌کند؛ به گونه‌ای که شنیدن سخنان لغو را عامل باز دارنده آدمی از کمال می‌شمارد و دوری از بیهوده‌گویی را نشانه کرامت انسان می‌داند و می‌فرماید:

«وَ إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قَالُوا؛ وَ چُونِ لَغْوَى بَشْنُونِدْ اَزْ اَن رُوى بِرْمِى تَابَنْد.» (قصص، ۵۵)

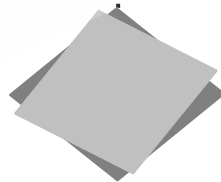
بدیهی است وقتی سخن خوب، هدایت کننده است سخن بیهوده نیز می‌تواند گمراه کننده باشد.

خداوند متعال می‌فرماید: «وَ مِنْ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا؛ وَ بَرُخَى اَز مَرْدَمِ كَسَانِى اَنْد كِه سَخْنِ بِيهَوْدِه رَا خَرِيْدَارَنْد تَا [مَرْدَم رَا] بِي [هِيچ] دَانَشِى اَز رَاه خُدَا گَمْرَاه كَنْنَد.» (لقمان، ۶)

حضرت زهرا علیها السلام از پدر گرامی اشان نقل می‌کند: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَسْكُتْ؛ كَسِى كِه بِه خُدَا وَ رُوز قِيَامَتِ اِيْمَانِ دَارْدِ يَا حَرْفِ خُوبِ مِى زَنْد وَ يَا اَيْنِ كِه سَاكْتِ مِى شُود.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۶۷)

فصل

مرکز نشر چشمه
ناشر: مرکز نشر چشمه
تألیف: مرکز نشر چشمه
موضوع: تخصصی زن و خانواده
مکان: تهران
براندیشه و رفتار فاطمی
بیت





مرکز نشرها

وابسته به مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران
ناشر تخصصی زن و خانواده

مقدمه

بزرگترین خدمت به قرآن، عمل به فرامین و احکام نورانی اش است و اعمال و رفتار هر انسانی بر پایه‌ی اندیشه و پندار او نهفته است. حال وقتی به زندگی و سیره عملی حضرت فاطمه بنگریم، درخواستیم یافت که هر عمل و رفتار ایشان برخاسته از اندیشه و تفکری است، برگرفته از منبع مافوق تفکر بشری که همان منبع وحی الهی می‌باشد. فاطمه علیها السلام، با عمل به قرآن در ترسیم و تصویر ملکوتی قرآن مشحون آیات الهی است و قرآن در حقیقت وجودش، تجلی یافته است. انسان کاملی همچون فاطمه، عالم به قرآن و حامل قرآن کریم است که با رفتار و اندیشه خود به قرآن عینیت می‌بخشد. اخلاص، صبر، صداقت، عبادت، ادب، ... آن برگرفته از معارف والای قرآن است که تمامی این حقایق و معارف وحی به نحو اتم و اکمل در چنین انسان کاملی نهفته است. از جمله فضایل وجودی فاطمه زهرا این است که او از یک سو با قرآن کریم معیت دارد و سوی دیگر همتای قرآن کریم است. اکنون به اختصار در دو محور به مطالبی اشاره می‌گردد:

معیت و همتایی فاطمه علیها السلام با قرآن

الف) درباره‌ی معیت فاطمه علیها السلام با قرآن به سخن نورانی رسول خدا درباره اهل بیتش بسنده می‌شود:

«هولاء و فاطمه و هی الزهره عترتی و اهل بیتی، هم مع القرآن، و القرآن معهم لا یفترقان حتی یردا علی الحوض؛ آنان علی و حسن و حسین و فاطمه علیها السلام که زهره‌ی عترت و اهل بیت من است با قرآنند و قرآن با آنان است و هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا این که در حوض کوثر بر من وارد شوند.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۴، ص ۷۴)

در این حدیث، پیامبر از معیت و همراهی فاطمه با قرآن یاد و تصریح کرده که فاطمه و سایر اهل بیت علیهم السلام هرگز از قرآن جدا نمی‌شوند و قرآن و اهل بیت همواره با هم معیت دارند.

ب) درباره‌ی همتایی فاطمه زهرا و قرآن نخست باید اشاره گردد به طوری کلی در باب نسبت انسان کامل آنچه با الهام از آموزه‌های وحیانی و عرفانی به تناسب این پژوهش باید طرح گردد در قالب چند نکته بازگو می‌شود:

۱. خداوند در آخرین وحی نام‌های خود درباره‌ی مصونیت قرآن از هر نوع گزند فرمود:

«وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ؛ و به راستی که آن کتابی ارجمند است از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سویش نمی‌آید وحی [نامه] ای است از حکیمی ستوده.» (فصلت، ۴۲-۴۱)

نظیر این بیان از سوی رسول خدا درباره فاطمه زهرا علیها السلام نقل شده که ضمن شمارش فضایل او فرمود: «آگاه باشید که درباره فضایل فاطمه بیشتر با شما سخن می‌گویم به دستوری که خداوند متعال، فرشتگان را مأمور نموده که از پیش رو و پشت سر و طرف راست و چپ از فاطمه، محافظت نمایند و آن‌ها همواره در زندگی و هنگام مرگ و نزد قبر با او هستند و پیوسته بر او و پدر و همسر و فرزندانش صلوات می‌فرستند.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۵۸)

در این حدیث نورانی تصریح شده که فاطمه علیها السلام مانند قرآن کریم در حفاظ الهی قرار دارد و دلیل روشن بر همتایی فاطمه با قرآن است.

۲. خداوند قرآن را «نور مبین» (نساء، ۱۷۶) تعبیر کرده و در جایی دیگر فرموده: «فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ؛ پس به خدا و پیامبر او و آن نوری که ما فرو فرستادیم ایمان آورید و خدا به آنچه می‌دهید آگاه است.» (تغابن، ۸)

فاطمه علیها السلام نیز نوری است که در معیت پیامبر و به تبع نور وجود و از صلب او به جهان تنزل یافته است و روایات کثیری شاهد آن است و اکنون فقط به کلام نورانی خود فاطمه اشاره می‌گردد که به امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «یا ابا الحسن! خداوند متعال نور مرا آفرید و پیوسته خداوند را تسبیح می‌گفت، سپس آن نور را در درختی از درخت‌های بهشت به امانت نهاد که آن را روشن کرده بود. وقتی پدرم شب معراج داخل بهشت شد خداوند به او وحی نمود که آن میوه را از آن درخت برچیند و تناول کند. پدرم به فرمان الهی عمل نمود. سپس نور وجود من

در قلب او به امانت گذاشته و سپس در رحم خدیجه مادرم به امانت سپرده شد و من به عالم دنیا آمدم و حقیقت من همان نور است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۸)

پس معلوم می‌شود که نور وجود فاطمه علیها السلام، همانند نور قرآن کریم در معیت نور وجود پیامبر نازل گردیده و این زیباترین نمونه همتای فاطمه با قرآن است.

۳. یکی از نمونه‌های همتایی فاطمه با قرآن این است که او همچون قرآن «جبل الله» است. خداوند از قرآن کریم به «جبل الله» یاد فرموده: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا.» (آل عمران، ۱۰۳) مراد از «جبل الله» در این آیه قرآن کریم است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۵۷۲)

و اهل بیت پیامبر نیز «جبل الله» اند. پس رسول خدا در حدیث ثقلین فرموده: «هما جبل الله ممدود ببتکم و بین الله عز و جل.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۰۲) قرآن و عترت جبل الله میان شما و خداوند است. پس فاطمه که اولین مصداق اهل بیت و عترت است همانند قرآن «جبل الله» می‌باشد و این بارزترین مصداق همتایی او با قرآن است.

۴. یکی از جلوه‌های همتایی فاطمه علیها السلام با قرآن - بر اساس مبانی عرفانی - این است که قرآن کریم کتاب تدوین؛ و انسان کامل، کتاب تکوین الهی است و در واقع آن دو یک حقیقت‌اند. انسان کامل صورت عینی قرآن و قرآن کریم صورت کتبی انسان کامل است. یکی از عارفان تأکید نموده: دو کتاب تدوین و تکوین مطابق هم‌اند، به طوری

که اگر انسان کامل را در یک کفه ترازو و قرآن را در کفه‌ی دیگر آن قرار دهیم، معلوم خواهد شد که ذره‌ای با همدیگر تفاوت ندارند. (صادقی ارزگانی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۲)؛ بنابراین، حقیقت قرآن و انسان کامل همچون فاطمه علیها السلام هر دو تجلی خداوند سبحان است. (محسنی ارزگانی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۲)

۵. نکته دیگر در باب همتایی فاطمه زهرا علیها السلام و قرآن کریم این که بر اساس رویکرد عرفانی که در کلام یکی از بزرگان معاصر تصریح گردیده، قرآن کریم و انسان کامل هر دو صورت، مظهر و تجلی اسم اعظم خداوند هستند لذا گفته است: «حق تعالی به جمیع شئون اسمائیه و صفاتیّه، مبدأ از برای این کتاب شریف است و به عبارت دیگر، این صحیفه‌ی نورانیّه صورت اسم اعظم است چنانچه انسان کامل نیز صورت اسم اعظم است بلکه حقیقت این دو، در نزد حضرت غیب یکی است و در عالم تفرقه از هم به حسب صورت متفرق گردند، ولی به حسب معنا هم متفرق نشوند. (موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ص ۳۲۱)

به دلیل آن که فاطمه زهرا علیها السلام مصداق انسان کامل، مظهر اسم اعظم خداوند است، از این نظر نیز همتای قرآن کریم است.

۶. یکی از جلوه‌های همتایی فاطمه علیها السلام با قرآن این است، که همان‌گونه که قرآن حجت خداوند است و حقیقت این حجت الهی در قیامت برای همگان به طور کامل عیان خواهد شد. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۵۹۷)

فاطمه زهرا علیها السلام نیز بنا بر روایات متعددی حجت خدا بر همگان و

حتی بر ائمه معصومین علیهم السلام است. (بحرانی، ۱۴۱۱، ج ۱۱، ص ۵)

۷. قرآن قول فصل (طارق، ۱۳) است و فاطمه علیها السلام نیز فصل الخطاب؛ قرآن هدی (بقره، ۱۸۵) است و فاطمه نیز هدایت کننده انسان؛ قرآن رشد (جن، ۲)، حق (فصلت، ۴۲)، کریم (واقعه، ۷۷)، شفاء (یونس، ۵۷)، رحمت (اسراء، ۸۲)، برهان (نساء، ۱۷۴)، عزیز (فصلت، ۴۱)، حکیم (یس، ۲)، مطهر (بینه، ۲)، غیر ذی عوج (زمر، ۲۸)، ذکر (حجر، ۹) مصدق (آل عمران، ۳)، عظیم (حجر، ۸۷)، بیان (آل عمران، ۱۳۸)، قیّم (کهف، ۲) است.

حضرت فاطمه نیز بر اساس نصوص حدیث و مجامع روایی و بخصوص متن دعای زیارت «جامعه کبیره» رشد، حق، کریم، شفاء، رحمت، برهان، عزیز، حکیم، مطهر، غیر ذی عوج، ذکر، مصدق، عظیم، بیان و قیّم که دعاها و خطبه‌های حضرتش نیز از حیث علمی و فعل و تقریر و سیره عملی ایشان از حیث عملی، دلالتی تام بر این صفات وجودی می‌نمایند.

۸. جلوه‌ی دیگر از همتایی فاطمه علیها السلام با قرآن اینکه هر دو شافع مشفع‌اند، یعنی همان سان که قرآن کریم در قیامت شفاعت می‌کند و شفاعتش پذیرفته است. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۵۹۸)

فاطمه زهرا نیز در قیامت شفاعت کننده و شفاعتش نزد خداوند مقبول است که در این باب روایات معتبر بسیاری (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۲۱۹). از جانب رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السلام، شفاعت بی‌ظنیری را برای آن بزرگوار وعده می‌دهند شفاعتی چنان گسترده که نه

تنها محبان آن حضرت و دوستداران ذریه او را شامل می‌شود، بلکه تمام محبت و رزان به دوستان و یا دوستان دوستان او را نیز در بر می‌گیرد.

۹. قرآن و ائمه اطهار علیهم‌السلام همان‌گونه که دعوتشان به یک چیز است، شیوه دعوت آنها نیز مانند هم است. قرآن کریم - که دست مایه و وسیله تبلیغ پیامبر است - به آن حضرت سفارش می‌کند که در دعوت‌های خود، از شیوه‌های حکمت، موعظه و ... استفاده نماید و از این شیوه‌ها برای تبلیغ بهره‌گیرد: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (نحل، ۱۲۵)

ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز از شیوه‌ی تبلیغی و هدایت‌های خویش، از این شیوه استفاده نموده و مردم را از حکمت و موعظه و حسنه به معارف و احکام الهی آشنا کردند؛ چنانچه در این باره چنین آمده است: «الامام ... ویدعوا إلى سبیل ربّه بالحکمّه و الموعظه الحسنه و الحجه البالغه». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۵، ص ۱۲۳) پس فاطمه به‌عنوان اولین مصداق اهل بیت از این شیوه‌های تبلیغی در سخنرانی‌ها و خطبه‌های حکمت‌آمیز خود استفاده نمودند که این نشان از هماهنگی شیوه دعوتش با قرآن می‌باشد.

اکنون شاید این پرسش مطرح گردد که اگر اهل بیت از جمله فاطمه زهرا همتا و هم سنگ قرآن کریمند، چرا در برخی روایات از قرآن به «ثقل اکبر» و از عترت به «ثقل اصغر» یاد شده است؟ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۸، ص ۱۰۲)

برای پاسخ به چنین سؤالی به دو نکته اشاره می‌شود:

۱. آنکه عدل یکدیگر بودن این دو ثقل، با اکبر و اصغر بودن هر یک منافاتی ندارد، چرا که قرآن و عترت در اصل حجیت عدل یکدیگرند و با هم متحدند و روی هم یک حجت الهی هستند؛ منتها یک حجت بزرگتر از حجت دیگر است.

وجه زیبا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این معنا را تصویر و مجسم فرموده‌اند. حضرت دو انگشت سبابه از دو دست خود را کنار هم قرار داده و فرمودند: تا این که در حوض (در قیامت) این دو به من می‌رسند، همانند این دو انگشت از یک دست (سبابه و وسطی) که کنار هم یکدیگرند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۱۳۹)

۲. این که عترت طاهرین، از لحاظ مقام‌های معنوی و در نشئه باطن از قرآن کمتر نیستند و سخن بلند امیرالمؤمنین علی گواه بر این مدعاست که می‌فرماید: «مالله عزوجل آیه هی اکبر منی؛ در نزد خداوند عزوجل آیه‌ای بزرگ‌تر از من نیست». (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۰۷)

اما از نظر نشئه ظاهر و مدار تعلیم و تفهیم معارف، قرآن کریم ثقل اکبر و آن بزرگواران ثقل اصغرند. و در این نشئه جسم خود را نیز برای حفظ قرآن فدا کردند. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۷۶)

فاطمه علیها السلام بهترین الگوی قرآنی

انسان فطرتاً و ذاتاً الگوپذیر است و کلام وحی بهترین الگو و اسوهی مؤمنین را رسول خدا معرفی کرده «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ». (احزاب، ۲۱)

که در این الگوگیری فرقی میان زن و مرد نیست، اما به دلیل خلق و خوی و مسئولیت‌های خاص زنانه، لازم است زنان از جنس خود هم، الگویی داشته باشند تا از نظر پذیرش الگو و روشن شدن مصادیق اسوه پذیری، به راه و رسم و سیره اخلاقی و خانوادگی او اقتدا کنند. در این راستا پیامبر عظیم شأن اسلام حضرت محمد ﷺ خود در سخنانش فاطمه را از وجود خود می‌داند و بارها در جمع مؤمنین می‌فرماید: «فاطمه پاره‌ی تن من است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۲۴)

بنابراین وجود فاطمه از وجود پیامبر جدا نیست و سیره‌ی او جلوه‌ای از سیره پیامبر است و ادامه‌ی راه و سیره‌ی رسول خدا در همه زمینه‌هاست.

آنچه در زندگی کوتاه حضرت، برای اسوه‌پذیری خاص زنان از ایشان متبلور شده است، زندگی فردی و خانوادگی ایشان است که بهترین سرمشق یک زندگی بشری خواهد بود و لازم است با مراجعه به آموزه‌های قرآن از سیره و زندگی ایشان سرمشق گرفت زیرا که ایشان خود تجسم همان الگوهایی است که در قرآن از آن یاد شده و در این مجال به گوشه‌ای از رفتارهای فردی و سراسر الهی آن حضرت اشاره می‌گردد.

فاطمه در یای علم و معرفت

حضرت زهرا دارای علم مطلق و علم او عین وجودش و وجودش عین علمش می‌باشد. (موسوی مقدم، ۱۳۷۲، ص ۳۰۷)

به حضرت کنیه «ام العلوم» داده‌اند (محلّاتی، ۱۳۶۸، ص ۹) و این دلالت بر زیاده و کثرت علم ایشان می‌باشد. علت نام گذاری فاطمه به این اسم آن است که خداوند از علم خود آنقدر به او نوشت که از هر استادی بی‌نیاز شد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۲)

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ؛ «خداوند مؤمنین را به یک درجه و علم داده شدگان را به چند درجه برتری داده.» (مجادله، ۱۱)

حضرت زهرا علیها السلام احاطه به تمام علوم عقلیه و نقلیه داشتند و این احاطه و اطلاع در زمره نسوان عالمیان مخصوص ایشان است و به تمام علوم گذشته و آینده اشراف کامل داشتند. (محلّاتی، ۱۳۶۸، ص ۹)

عمار یاسر نقل می‌کند: روزی حضرت فاطمه خطاب به حضرت علی فرمود:

«علی جان! نزدیک بیا تا اطلاع دهم شما را از آنچه در گذشته اتفاق افتاده و آنچه در حال به وقوع پیوستن است و آنچه در آینده رخ خواهد داد تا روز قیامت هنگامه‌ی برپایی رستاخیز عمومی.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۸)

وجود حضرت زهرا برای زنان آن زمان، موجب رشد و پیشرفت و دوری از عوامل گمراه کننده بود و همچنین برای امت اسلامی در آن روزگار، وجودی بسیار ضروری بود زیرا جامعه زنان در تطبیق شرایط خود با اسلام به وجود فردی چون او سخت محتاج بودند.

وجود این معلم بزرگ زمان باعث می‌شد که زنان از نقاط دیگر، به

منظور درک و فهم مسائل اسلام از محضرش کسب فیض نمایند. همچنین ایشان تمام روایات پیامبر را می‌نوشت و آنها را طوری نگهداری می‌کرد که زود متوجه می‌شد که فلان روایت در جای خود قرار دارد یا نه؟

ایشان به حدی برای علم آموزی ارزش قائل می‌شدند که ارزش یک روایت را با ارزش فرزندانش، همانند می‌دانستند. (جمعی از پژوهندگان، ۱۳۷۲، ص ۲۲۶)

آموزش راه و رسم دفاع در عقیده و ایمان، از جمله آموزش‌های فاطمه و نشان از علم اوست که چگونه افراد بتوانند از عقیده خود دفاع کنند و با محاجه و استدلال طرف مخالف را قانع سازند. در روایتی نقل شده که: دو زن در امر دینی با هم درگیری و مباحثه داشتند که کارشان از بحث به درگیری کشیده بود. یکی از آن دو زن مومن، دیگری معاند بود.

آن دو برای قانع ساختن همدیگر نزد فاطمه آمدند و آن حضرت پس از شنیدن سخنان آنان دیدگاه زن با ایمان را درست شناخت و با دلیل و برهان روشنگر، درستی آن دیدگاه را روشن ساخت، به گونه‌ای که هر دو پذیرفتند.

پس از پایان ماجرا، روزی هنگامی که آن زن با ایمان از پیروزی خود و اثبات دیدگاه درستش احساس شادمانی می‌کرد، حضرت در تشویق او و هموعانش فرمود: به یقین شادمانی فرشتگان در پیروزی دیدگاه درست تو بیش از شادمانی توست. درست همان‌گونه که اندوه زدگی

شیطان در این شکست، سخت‌تر از اندوه آن زن می‌باشد. [زیرا بحث حق و باطل و پیروزی حق بود]. (تفسیر امام عسگری، ۱۴۰۹، ص ۳۴۷)

فاطمه علیها السلام در فرصت‌های مناسبی با یادآوری سخنان پیامبر و با استناد به آیات قرآن کریم به هدایت و راهنمایی مردم و تربیت نفوس می‌پرداخت و معرفت الهی و فلسفه احکام را به آنان تعلیم می‌داد تا تکلیف و وظیفه خویش را بشناسند و به آن عمل کنند.

امام حسن عسگری علیه السلام فرمود: «زنی نزد فاطمه زهرا شرفیاب شد و چند مسئله سؤال کرد، چون مسائل او به ده رسید و همه را فاطمه جواب داد دیگر خجالت کشید تا سؤال کند، عرض کرد: یا سیدتی! شما را دیگر به مشقت نیاندازم، جواب فرمود: باکی نیست، هرچه می‌خواهی سؤال کن. پس ادامه داد اگر کسی را روزی اجیر نمایند که بار سنگینی را تا ارتفاعی بالا ببرد و در مقابل به عنوان اجر و مزد به او صد هزار دینار طلا بدهند آیا در مقابل چنین اجرتی این بار سنگین برایش دشوار خواهد بود؟ آن زن پاسخ داد: نه.

حضرت فرمود: هر مسئله‌ای که پاسخ می‌دهم خداوند بیش از فاصله بین زمین و عرش که پر از لؤلؤ و جواهر شده باشد به من پاداش می‌دهد. پس مسلم است که تو هر قدر سؤال کنی برای من هیچ‌گونه ناراحتی ایجاد نخواهد کرد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳)

تنزیل صحیفه فاطمیه و تقدیم آن به ائمه طاهریں به عنوان پشتوانه علمی، انشاء خطبه‌های گوناگون در بیان حقایق توحیدی و رسالت پیامبر و افشاء ستمگران، انشاء دعاها و اشعار گوناگون (ر.ک: همدانی، فاطمه

زهرا شادمانی دل پیامبر، ص ۴۷۸، ۳۱۰) به مناسبت‌های مختلف همگی اینها عاملی برای تعلیم و تربیت و نشان از علم و دانایی بیش از حد آن بانو می‌باشد.

فاطمه علیها السلام بانوی ادب

زیبا خطاب نمودن افراد، از شاه کلیدهای ارتباط مثبت است که اسلام علاوه بر آموزش نام‌های نیک و سفارش به ترویج آن سعی کرده تا مردم را به معاشرت نیکو و خطاب‌های احسن راهنمایی کند و از کلمات زشت و اهانت آمیز در روابط استفاده نکنند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به همدیگر لقب‌های زشت می‌دهید چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان.» (حجرات، ۱۱)

و در آیه‌ای دیگر رعایت ادب و نگاه‌داشتن حرمت افراد در روابط اجتماعی را نشانه‌ی خردمندی دانسته است. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۹۹)

«إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ؛ کسانی که تو را از پشت اتاقها [ی مسکونی] تو [به فریاد می‌خوانند، بیشترشان نمی‌فهمند.» (حجرات، ۴)

فاطمه زهرا به‌عنوان آموزگار ادب، اخلاق و ارزش‌های والای انسانی است که با برخورد مؤدبانه خود همه کس را در نگاه اول مجذوب ادب خود می‌کرد، حُسن برخورد و دقت در معاشرت او از همان ابتدا آن

چنان محسوس بود که همه به آن اذغان داشتند و این ادب ایشان محصول تربیت خداست که خود به تربیت ایشان پرداخته است.

«لَكُمْ الْقُلُوبُ الَّتِي تُؤَلِّي اللَّهُ رِيَاضَتَهَا بِالْخَوْفِ وَالرَّجَاءِ...» (ر.ک: مفاتیح الجنان، زیارت جامعه ائمه المؤمنین) «متصدی و عهده‌دار تربیت و تزکیه‌ی دل‌های شما - آل محمد - به خوف و رجاء، خود حضرت ربوبیت است و آن دل‌های پاک را خدا محل شکر و سپاس و حمد و ثنای خود گردانید و از بدی‌های پاکیزه و مصفا کرده است.»

از جمله ادب والای انسانی این بانوی ادب، برخورد مؤدبانه در برابر پدر و همسر و فرزندان گرانقدرش می‌باشد که به گوشه‌ای از آن اشاره می‌گردد.

۱. برخورد مؤدبانه فاطمه علیها السلام در برابر پدر

ادب ایشان در رابطه با پدر گرانقدرش حضرت رسول خدا بگونه‌ای بود که ایشان با آغوش باز به استقبال پدر می‌شتافت و با یک دنیا محبت دست پدر را می‌بوسید و عبا از دوش گرفته و نعلین او را به کناری می‌گذازد و در برابر او بال‌های تواضع و ادب خود را می‌گستراند.

روزی رسول خدا به خانه فاطمه وارد، فاطمه در حال خواندن نماز مستحبی بود، وقتی که صدای پای پدر را شنید، نمازش را قطع نمود و شتابان به استقبال پیامبر رفت و سلام کرد، پیامبر دست محبت بر سر زهرا کشید و فرمود: «خدا تو را مشمول مهر و رحمت خود قرار دهد.»

(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۴۰)

نمونه‌ی دیگر آن زمانی بود که رسول خدا با دخترش فاطمه در مورد ازدواجش با علی به مشورت نشست که ایشان با رعایت ادب و احترام فرمود: «پدر جان» رأی شماست و شما بر من سزاوارترید. (همان، ص ۹۹)

۲. برخورد مؤدبانه فاطمه علیها السلام در برابر همسر

در زندگی مشترک فاطمه با علی عبارات و کلمات محبت آمیز و سرشار از احترام و ادب است. فاطمه با الهام از دستورهای الهی و با دارا بودن درک صحیح از روابط زن و شوهر، همواره به همسر بزرگوارش عشق می‌ورزید و در کلام خود علاقه و احترام را توأم در نظر داشت. ایشان همسرش را با کنیه‌ی ابالحسن و گاه او را با «یا بن عم» (همان، ص ۱۹۲) و گاه از نام‌های مناسب و القاب زیبا برای خطاب نمودن حضرت استفاده می‌نمود. از جمله نمونه آن زمانی است که می‌خواهد خبر رحلت خود را به علی بدهد، ایشان را با خطاب «یا ابن عم» فرا می‌خواند تا متذکر نسبت خود و علی شود. (همان، ص ۱۹۱)

یا در هنگام شکایت مرگ پدر و مشکلات سیاسی، همسرش را این-گونه خطاب می‌کند: «یا بن ابی طالب» (همان، ج ۸، ص ۱۲۵) که با این خطاب، متذکر نسبت علی با پیامبر می‌شود.

۳. برخورد مؤدبانه فاطمه علیها السلام در برابر فرزندان

صدیقه طاهره علیها السلام در نقش مادری خود نیز سراپا، مظهر ادب و عشق

ورزی به کود کانش بود. ایشان خود از سرچشمه‌های محبت و رحمت نبوی سیراب شده و همواره از طرف پدرش با جملاتی همچون (فداها ابوها)، (بضعه منی) خطاب شده بود.

ایشان در روابط کلامی و محبت آمیزش که برگرفته از رفتار پدرش بود با خطاب مهربانانه فرزندانش را با جملاتی همچون قره عینی (نور چشم) و ثمره فوادی (میوه دل) صدا می کرد. (ر.ک: مفاتیح الجنان، حدیث کساء)

فاطمه علیها السلام در سجاده‌ی بندگی

صحیفه‌ی تاریخ، تا به حال شاهد عبادت‌هایی بس شگفت از اولیای الهی بوده است و در میان تمامی عبادت‌ها، آنچه به صفحات تاریخ زینت و جلوه‌ای بی نظیر بخشیده عبادت‌های بانوی بزرگواری است که در اوج جوانی، مایه‌ی فخر و مباهات عابدان گردیده است.

این عابده‌ی بی‌همتا، هموست که در وصف عبادتش به لحاظ کیفیت ظاهری چنین آمده است: در تمام دنیا، عابدتر از فاطمه یافت نمی‌شود او به حدی برای عبادت بر پای خود می‌ایستاد که پاهایش ورم می‌کرد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۷۵) و به لحاظ کیفیت باطنی و معنوی در عظمت عبادت او همین بس که خداوند عالمیان به وصف عبادات او و یگانه کفو و همتایش (همان، ص ۱۰۷) علی می‌پردازد که اوج عبادت آن حضرت در کلام نورانی وحی بخوبی جلوه نموده است: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ

وَأَلْأَرْضِ؛ همانا که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته و به پهلو
آرمیده یاد می‌کنند و در آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند.»
(آل عمران، ۱۹۱)

عطر روح افزای وحی، به یکباره تمام خستگی آن جنگ و گریزهای
طاق فرسا را از تن خسته‌ی علی و فاطمه سترد؛ چرا که خداوند متعال با
نزول این آیه بر نماز و تهجد، مناجات، تفکر و ذکر مداوم آنان مهر
قبولی نهاده بود. (ر.ک: فصل اول ذیل فاطمه مستجاب الدعوه)
یا در آینه‌ی زلال روایات که بنگریم، عبادت فاطمه، آن چنان بلند و
بی‌همتاست که خداوند بدان بر ملائکه خویش مباحثات می‌کند:

آن گاه که فاطمه در محراب عبادت، در پیشگاه پروردگار به نماز
می‌ایستد، نور عبادتش برای ملائکه آسمان درخشندگی می‌کند، به سان
نور ستارگان برای اهل زمین و خداوند متعال خطاب به فرشتگان
می‌فرماید: ملائکه من! بر بندهام فاطمه، سرور کنیزانم، نظر کنید که بر
درگاه من ایستاده در حالی که بندبند وجودش از خوف من مرتعش و
لرزان است و با تمام قلبش به عبادت من روی نهاده است. شما را گواه
می‌گیرم که شیعیان او را از آتش نجات و ایمنی بخشیدم. (مجلسی،
۱۴۰۳، ج ۲۸، ص ۳۸)

آری! فاطمه علیها السلام، این اسوه کامل و دردانه‌ی نبی، آرامش و سکوت
خود را در ذکر و یاد خداوند می‌دانست و مصداق آن در آیه «الابذکر
الله تطمئن القلوب.» (رعد، ۲۸)

«آگاه باشید که دلها با یاد و ذکر خداوند آرامش می‌گیرد.»

بخوبی تجلی نموده که نمونه‌ی آن در شب ازدواج آن عابده‌ی بی‌همتا چنین محاسبه شده است:

علی علیه السلام در شب زفاف، همسرش را نگران و گریان دید. علت را پرسید فاطمه فرمود: حال خود را در پایان عمر و عالم قبر به یاد آوردم، چرا که انتقال از خانه‌ی پدرم به منزل خودم مرا به یاد انتقالم به قبر انداخت، تو را به خدا قسم بیا در این ساعات آغازین زندگی به نماز برخیزیم و امشب را به عبادت خدا پردازیم. (شوشتری، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۴۸۱)

عبادت فاطمه علیها السلام به گونه‌ای نبود که ایشان را از وظایف خطیر خانوادگی یعنی همسرداری و شوهرداری باز دارد بلکه ایشان روزها پس از فراغت از کارهای جاری زندگی و شب‌ها پس از بخواب رفتن دیدگان مردم و فرزندان وارد محراب عبادت و غرق در مناجات و راز و نیاز با خالق خود می‌شد. او در این راه مصداق خطاب خداوند با موسی می‌شود که خداوند به او فرموده: «یا موسی فاعبدنی و قم بین یدی مقام العبد الحقیر.» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۹۰)

و یا مصداق آیات قرآن در خطاب به پیامبر که خداوند می‌فرماید: «قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا.» (مزل، ۳-۲)

فاطمه به واقع شب را برای پروردگارش با سجده و قیام به صبح می‌رساند، «وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا.» (فرقان، ۶۴) و حقیقت عبادت بنده که هدف خلقت اوست را در مقام ذلت و عبودیت و رو به سوی پروردگار خود را به خوبی بجا می‌آورد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸،

ص ۳۸۸؛ «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ.» (ذاریات، ۵۶)

فاطمه علیها السلام نمونه‌ی صابرات

یکی از صفات کمال زن در قرآن که خداوند به آن اشاره کرده صبر و بردباری است (احزاب، ۳۵) که فاطمه در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی نمونه صبر و بردباری بوده چنانچه خداوند متعال کارنامه‌ی او را به عنوان اسطوره‌ی شکیبائی دلیرانه مهر می‌زند: «یا ممتحنه، امتحنک الذی خلقک فوجدک لما امتحنک صابره.» (ر.ک: مفاتیح الجنان، زیارتنامه حضرت فاطمه). «ای بزرگ بانوی آزمون شده! خدای فرزانه تو را در میدان‌های گوناگون زندگی آزمود و در همه‌ی آنها تو را قهرمان شکیبائی و استواری یافت.»

او در پستی و بلندی‌های زندگی جامه‌ی صبر و شکیبائی را به زیبایی بر اندام جان خود می‌آراست و در درشتی و سختی‌های دنیا با بردباری و نرمی آن را تحمل می‌کرد و در همه حال، زبان در ذکر و سپاس خداوند خویش را فراموش نمی‌کرد. «إِنَّمَا يُؤَفِّي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ.» (زمر، ۱۰)

فاطمه علیها السلام به عنوان مادری صبور به فرزندان خود می‌آموزد که بردباری و رضا به در خواست خداوند، نخستین گام در راه بندگی اوست و هر کس صبر پیشه کند و به داده‌ی پروردگار عالم رضا دهد، پس خداوند جز خیر و نیکویی مقدر و مقرر نخواهد کرد. (صادقی،

۱۳۷۴، ص ۱۳۳)

آن حضرت در زندگی خود علاوه بر آن که سنگ صبور و شریک غم و رنج علی علیه السلام در مشکلات بود همچون کوهی استوار فقر و نداری علی را تحمل می نمود. در این راستا به نمونه ای بارز از صبر ایشان در ذیل اشاره می گردد:

در روزهای سخت شکل گیری حکومت اسلامی در مدینه، مشکلات فراوان و طاقت فرسایی بر مسلمانان وارد شد و تعداد زیادی از مهاجرین و انصار در تنگدستی، روزگار خود را سپری می کردند. علی هم یکی از همان تهی دستان بود که همانند سایر مسلمانان زندگی می کرد و اگر هم بر چیزی دست می یافت دیگران را بر خود مقدم می شمرد. تا چند سال وضع به همین منوال سپری شد و علی و فاطمه زیر اندازی به جز پوست گوسفند که شبها بر روی آن می خوابیدند و روزها علف شتران را روی آن پهن می کردند چیز دیگری نداشتند.

پیامبر از وضع معیشتی علی و فاطمه آگاه گشت و پیوسته دختر خود را به صبر و شکیبایی در برابر مشکلات فرا می خواند. (طیسی، ۱۳۸۰، ص ۶۷) و می فرمود: «دخترم صبر کن زیرا موسی بن عمران ده سال از روزهای زندگی خود را سپری کرد در حالی که چیزی جز یک عبای قطنی نداشت. (جمعی از پژوهندگان، ۱۳۷۲، ص ۷۹۷)

فاطمه علیها السلام نمونه صداقات

یکی از صفات زنان در قرآن، صداقت و راستی در گفتار و عمل آنهاست «الصداقات». (احزاب، ۳۵) از میان آن زنان، فاطمه نمونه و

الگوی صداقت و راستگویی است و بدین لحاظ صدیقه نامیده می‌شوند. صدیقه در لغت عرب یعنی بسیار راستگو و صدیق کسی است که هیچ‌گاه دروغ نگفته، پیوسته گفتار او مصدق کردار او باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۴۰۷)

فاطمه سمبل راستی و درستی، تبلور صداقت و صفاست. هنگامی که لب می‌گشود گویی محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که درس درستی می‌دهد و تلاوت آیات خدا می‌کند که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ.» (توبه، ۱۱۹)

در روایتی آمده که عایشه دختر ابوبکر در مورد صدق گفتار آن بزرگوار بارها گفته است: «هیچ کس را راست‌گوتر از فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ نیافتم مگر تنها پدرش را.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۶۸)

البته باید چنین باشد چون فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ این صفت و خصلت نیکو را از پدرش به ارث برده که اصدق الصادقین است و مصداق «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم، ۴) است.

بنابراین لسان او لسان الله است و دارای مقام عصمت است و خدای متعال در وصف لسان او فرموده: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ.» (نجم، ۳-۴)

خداوند در قرآن بعد از مقام نبوت به مقام صدیقین اشاره کرده است: «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ.» (نساء، ۶۹) که مقامی بالاتر از مقام صدق و راستی نیست و نه تنها راستی در گفتار، بلکه راستی در عمل و کردار که شامل امانت و

اخلاص نیز می‌گردد زیرا که «امانت» همان صداقت در عمل است همان‌طور که «راستگویی» امانت در گفتار است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۶۰)

براستی که فاطمه اُمّه صدیقه (مأئده، ۷۵) است. خداوند هم از آنجایی که فاطمه برای لباس عید به حسنین وعده‌ای می‌دهد و ان شاء الله می‌گوید تا آنها را آرام کند، به وعده‌ی او عمل می‌کند و برای حسنین علیهم السلام لباسی از بهشت می‌فرستد تا فاطمه همیشه صدیقه بماند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۷۵)

در کانون زندگی فاطمه با علی علیه السلام جز صفا و صداقت نبود تا آنجا که هنگام مرگ خود از علی عذرخواهی و رضایت می‌طلبد و می‌گوید: «ای پسر عم! از روزی که با تو معاشرت کردم، از من دروغ و خیانت و مخالفت یاد نداری» علی گفت: «فاطمه جان، تو نیکو‌کارتر از آن هستی که دروغ بگویی یا خیانت و مخالفت کنی.» (همان، ص ۱۹۱)

بی‌دلیل نیست که پدرش رسول خدا به علی می‌گوید: ای علی! به تو سه چیز داده شده که به هیچ کس حتی به من داده نشده است. پدر زنی هم چون من و همسری صدیقه و فرزندان هم چون حسن و حسین؛ ولی با این همه، شما از من هستید و من از شما. (امینی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۰۵)

فاطمه علیها السلام مونس و همدم قرآن

یکی از ویژگی‌های معارف اهل بیت توجه و تأکید نسبت به قرآن است. در پرتو نگاه به صدها روایت و سیره علمی و موضع‌گیری در

گفتگوها و جدال با مخالفان، به خوبی آشکار می‌گردد که آنان قرآن کریم را محور هدایت و منبع اصلی رسالت می‌دانستند و آن را مرجع دینی، علمی، فقهی و راه و روش عملی قرار می‌دادند و به تلاوت و خواندن آن اهتمام می‌ورزیدند. واز جمله سفارش‌های قرآن کریم امر به تلاوت آیات الهی است. «فَأَقْرءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» (مزمل، ۲۰)

پیامبر اکرم می‌فرماید: «نوروا بیوتکم بتلاوه القرآن؛ خانه‌های خود را با خواندن قرآن نورانی کنید.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۴۱۳)

از جمله کسانی که خانه‌ی خود را با تلاوت قرآن نور افشانی می‌کرد فاطمه بود که همواره با قرآن مأنوس و آیاتش در تمامی زندگی‌اش تجلی کرده بود.

سلمان می‌گوید: رسول خدا مرا برای امری به خانه‌ی فاطمه فرستاد. به خانه که رسیدم، صدای فاطمه را - که در درون خانه قرآن می‌خواند - شنیدم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۴۶)

باز سلمان روایت می‌کند که داخل خانه‌ی فاطمه علیها السلام شدم دیدم در همان حالی که مشغول کار خود بود و جوها را آسیاب می‌کرد قرآن می‌خواند. (همان، ص ۸۸)

او حتی وصیت می‌کند در شب اول قبر، علی بر سر مزارش بسیار قرآن بخواند و دعا کند. (همان، ج ۷۹، ص ۲۷)

از ثمره همین انس با قرآن بود که فضّه، خادمه‌ی حضرت پس از شهادت وی تا بیست سال به غیر از قرآن لب نگشود و جز با قرآن پاسخ نداد. (همان، ج ۴۳، ص ۸۷)

باز از همین انس او با قرآن بود که در صحرای محشر هم قرآن را زمزمه می‌کند. (همان، ج ۵۳، ص ۲۳) تا آن جا که حتی در هنگام داخل شدن به بهشت نیز آیات قرآن را تلاوت می‌کند. (قمی، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۳۷۵)

هنوز هم سخنان عمیق و بلند او درباره‌ی قرآن از مسجد مدینه به گوش می‌رسد که می‌فرماید: قرآن کتابی گویا و راستگو و دارای نور فروزان و روشنی درخشان است. کتابی که بینش‌هایش روشن، نهفته‌ها و لطائفش آشکار، ظواهرش جلوه‌گر، پیروانش مورد رشک دیگران، پیرویش راهبر به بهشت رضوان و شنودنش باعث رستن انسان است که در پرتو آن می‌توان به دلایل روشن الهی و واجبات بیان شده‌اش و محرمات ممنوعش و روشنگری تابناکش و برهان‌های کافیش و خوبی‌های مستحبش و رخصت‌های بخشنده‌اش (مباحات) و قوانین واجبش، دست یافت. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۴۱)

فاطمه علیها السلام در خطبه‌ی غرّاً و بی‌نظیرش از حدود ۶۰ آیه بصورت‌های گوناگون، در نهایت دقت و زیبایی و کاملاً به جا استفاده کرده است. هم چنان که در دیگر خطبه‌اش در بستر بیماری بر زنان مهاجر و انصار به بیش از ۱۰ آیه تمسک نموده است. (پورسید آقایی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۹)

برای تبیین شدت علاقه‌ی آن حضرات به قرآن، روایت زیر به خوبی گویا و حاوی نکات فراوان است: فاطمه علیها السلام می‌فرماید: «از دنیای شما سه چیز محبوب من است: ۱. تلاوت قرآن؛ ۲. نگاه به چهره رسول خدا؛ ۳. انفاق در راه خدا». (جمعی از پژوهندگان، ۱۳۷۲، ص ۲۷۱، ح ۱۶۴)

همچنین نسبت به تلاوت برخی از سوره‌های قرآن می‌فرماید: «تلاوت کننده‌ی سوره حدید، واقعه و الرحمن در آسمان‌ها و زمین اهل بهشت خوانده می‌شود». (متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۵۸۲)

همگی اینها بهترین گواه و شاهد بر انس فاطمه علیها السلام با قرآن است.

اخلاص فاطمه علیها السلام

اخلاص مهمترین سرّ جاودانگی حیات فاطمه است و فاطمه از حیات و ممات خویش جز خداوند، اراده نفرمود و در دعایش چنین می‌فرماید:

«أَحْسِنِي مَا عَمَلَتِ الْحَيَاءُ خَيْرًا لِي وَ تَوَفَّنِي إِذَا كَانَتْ خَيْرَ إِلَيَّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ كَلِمَةَ الْإِخْلَاصِ؛ خداوند، مادامی که می‌دانی در زندگی من خیری است، مرا زنده بدار و آن زمان که مرگ برای من بهتر است، مرا بمیران. خدای من، از تو کلمه‌ی اخلاص را مسئلت دارم.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۲۲۵)

فاطمه علیها السلام حیات خود را با خداوند معامله کرد و محور همه‌ی افعال و افکارش توحید است. همه چیز را با ضابطه می‌نگردد، همه‌ی افکار و اعمالش رنگ خدائی دارند، همان گونه که ارزش انسان به تعالی روح و رنگ خدایی گرفتن است؛ چرا که بهترین رنگ‌ها و زیبایی‌هاست؛

«صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ صِبْغَةً.» (بقره، ۱۳۸)

فاطمه علیها السلام در این راه، مصداق چنین آیه قرآن است که «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.» (انعام، ۱۶۲)

ایشان در افکار و اعمال حد خود را نگه می‌دارد و بر خدای خویش

پیشی نمی‌گیرد، زیرا که قرآن او را به این امر دستور داده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» (حجرات، ۱)

حقیقت اخلاص، فقط خدا را در نظر داشتن و فقط برای او کار کردن است. (ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۳۷۸)

چنانچه فاطمه علیها السلام بر اوج قله‌ی اخلاص بود، او در جواب پدرش که فرمود: دخترم! هم‌اکنون جبرئیل نزد من است و از جانب خدا پیام آورده است که هر چه بخواهی تحقق می‌یابد، می‌گویند مرا جز ذات او هیچ تمنایی نیست. (محللاتی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۰۵)

او با این که خود و فرزندانش سه روز هیچ نخورده بودند، پیراهنش را نزد یک یهودی گرو می‌گذارد تا سائلی را از خانه‌ی خود نراند. وقتی سلمان اصرار می‌کند تا کمی از نان و خرما را خود بردارد می‌گوید: سلمان! این کار را من فقط برای خدا انجام دادم، از این رو از آن هیچ برنخواهم داشت. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۷۳)

یا وقتی افطارشان را به شخص فقیر دادند گفتند: «إِنَّمَا نَطْعُمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا؛ ما برای خشنودی خداست که به شما می‌خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم.» (انسان، ۹)

فاطمه علیها السلام در زندگی خانوادگی، هر وقت تقاضایی داشت، آن را فقط با رضایت خدا می‌سنجید و رضایت خدا را بر رضایت خویش مقدم می‌دانست، به عنوان نمونه در یک حاجت مشروع مثل تقاضای خادم، وقتی با پیشنهاد پیامبر مبنی بر جایگزین کردن اذکار و تسبیحات به جای خادم مواجه می‌شود، چنین می‌فرماید: «رضیت عن الله و رسوله».

(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۸۲ و ۱۳۴) ایشان سه بار این جمله را می‌فرماید: «من به آنچه که خدا و رسولش راضی باشند رضایت می‌دهم.»

فاطمه علیها السلام محبت فرزندان و پاره‌های قلب خود را با خداوند معامله می‌کرد چنان که وقتی پیامبر ایشان را از ماجرای شهادت امام حسین علیه السلام و واقعه‌ی کربلا آگاه فرمود، ایشان کلمه استرجاع «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، ۱۵۶) را بر زبان جاری کرد و گریست و آنگاه فرمود: «یا اَبه! سَلَمْتُ وَ رَضِيْتُ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ!» «پدرم! من تسلیم شدم و رضایت دادم و به خداوند توکل می‌کنم». (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۵۵) و اگر بر لب خشکیده حسین در صحرای نینوا، شکوفه‌های رضا جوانه می‌زد، تعجبی ندارد که ایشان این درس را از مادرش زهرا گرفته بود.

فاطمه در والاترین درجات بینش توحیدی بسر می‌برد، که مصداق آن آیه: «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ.» (صافات، ۱۶۰-۱۵۹)

خدا از توصیفی که کفار می‌کنند منزّه است ولی بندگان مخلص خدا او را به اوصافی وصف می‌کنند که لایق ساحت قدس اوست و یا طوری وصف می‌کنند که لایق اوست. اما اینکه وصف عباد مخلصین از جمله فاطمه زهرا درباره خدا درست است، دلیلش این است که: خداوند بندگان را برای خود خالص کرده، یعنی دیگر هیچ موجودی غیر از خدا در این افراد سهمی ندارد. در نتیجه تنها خدا را می‌شناسند و غیر از خدا را فراموش می‌کنند و اگر غیر از خدا، چیزی را هم بشناسد بوسیله

خدا می‌شناسند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۱۷۴)

الله محوری ایشان حتی در انتخاب علی به همسری نیز به خوبی تجلی می‌نمود. از این رو، هنگامی که پیامبر نظر ایشان را درباره‌ی ازدواج با علی می‌خواهد در جواب می‌گوید: «رضیت بما رضی الله لی و رسوله.» (پور سید آقایی، ۱۳۹۱، ص ۳۳۵)

خوف و خشیت فاطمه علیها السلام

ارزش و مراتب خوف در ابعاد مختلف و در آیات متعدد قرآن بیان شده است. از جمله خصلت‌های خوب مؤمن، خوف از خداوند است که می‌تواند سرچشمه‌ی تمام فضایل اخلاقی باشد. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ؛ مؤمنان، همان کسانی‌اند که چون خدا یاد شود دل‌هایشان بترسد.» (انفال، ۲)

البته آنان که به خداوند نزدیک‌ترند خوف شدیدتری دارند که سرچشمه‌ی این ترس و خوف از خداوند متعال را می‌توان به خاطر درک عظمت مقام و توجه به وجود بی‌انتهای او دانست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۸۷) که اولیای خدا و اهل بیت بالأخص حضرت فاطمه علیها السلام، به دلیل شناخت و معرفت از عظمت و جلال کبریایی خداوند به گونه‌ای بود که هرگاه به نماز و عبادت می‌ایستاد از عظمت و هیبت خدای سبحان نفس‌هایش به شماره می‌افتاد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۴۰۰) آن چنان در عظمت خدای خویش غرق می‌گشت که از فکر عزیزان و فرزندان خود با تمامی علاقه‌ای که به

آنان داشت غافل می‌شد؛ از این رو پروردگار نیز ملائکه‌ای را فرو می‌فرستاد تا گهواره فرزندان او را به حرکت در آورد. (همان، ج ۴۳، ص ۴۵)

اوج خشیت آن حضرت در کلام نورانی وحی بخوبی تجلی نموده است.

«تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا؛ پهلوهایشان از خوابگاه‌ها جدا می‌گردد [و] پروردگارشان را از روی بیم و طمع می‌خوانند.» (سجده، ۱۶)

در روایتی آمده که روزی رسول خدا به نزد زهرا آمد و او را گریان دید پس گفت: ای نور چشم من! چه چیزی باعث گریه‌ی تو شده است؟ زهرا جواب داد: آیه‌ی «وَحَشَرْنَاَهُمْ فَلَمَّ نُغَادِرُ مِنْهُمْ أَحَدًا» (کهف، ۴۷؛ شوشتری، ۱۴۰۳، ج ۲۵، ص ۵۲۷) «و همه‌ی آنان را (برای ورود به عرصه قیامت) جمع می‌کنیم و هیچ یک از آنان را وانی نمی‌گذاریم.»

این گونه گریه به قدری ارزشمند است که پیامبر می‌فرماید: کسی که چشمانش از خوف خدا پر از اشک گردد هر قطره اشکش در قیامت، در ترازوی عملش همچون کوه احد، سنگینی می‌کند. (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۲۲۳)

در روایتی دیگر آمده هنگامی که آیه «و ان جهنم لموعدهم اجمعین لها سبعة» نازل شد رسول خدا با صدای بلند گریست و اصحاب او از گریه‌ی آن بزرگوار گریستند اما نمی‌دانستند جبرئیل چه بر او فرود آورده است و از هیبت پیامبر هیچ کس توان آن که با او سخن گوید را

نداشت. پیامبر هم چنان بود که هر گاه روی فاطمه را می‌دید شادمان می‌گشت به همین دلیل سلمان به خانه فاطمه رفت تا او را از قضیه آگاه سازد و آن گرامی را در حالی دید که مقداری جو آسیاب می‌کند و می‌گوید: «و ما عند الله خیر و ابقی» آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است.

حضرت فاطمه علیها السلام خود را به پدر رسانید و عرض کرد: «ای پدر! فدای تو شوم چه چیزی موجب گریستن شما شده است» پیامبر از آیه‌ای که جبرئیل آورده بود او را آگاه ساخت، فاطمه چون آیه را شنید چنان گریست که بر زمین افتاد و پیای می‌گفت: «وای وای بر کسی که در آتش دوزخ افتد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۱۳۰۳)

در سوره انسان یکی از انگیزه‌های اهل بیت بالأخص فاطمه برای اطعام خالصانه به مسکین و یتیم و اسیر، بخاطر خوف از خداوند متعال می‌باشد.

«يُوقُونَ بِاللَّذْرِ وَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا.» (انسان، ۷)

البته خوفی که در اینجا مطرح است خوف در مقام عمل است چون حساب عمل بنده با خداست. بندگی لازمه‌ی لاینفک انسان است و انسان به هر درجه از کمال برسد و حتی به مقام عصمت و بی‌گناهی هم اگر برسد باز هم بنده است و بنده ممکن نیست از خوف پروردگار خود تهی باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۱۲۸)

فاطمه علیها السلام کعبه‌ی عفاف و حجاب

فاطمه با الهام از قرآن در گفتارش همواره با سبکی سنجیده سخن

می‌گوید و با وقار و متانت رفتار می‌کند تا مبادا دل‌های بیمار به تزلزل یفتند.

«فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ؛ پس به ناز سخن می‌گوید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد.» (احزاب، ۳۲)

دامنه‌ی عفاف حضرت به میزانی است که حتی از فردی کور و نابینا حجاب می‌کند و روانمی‌دارد که بوی خوش و عطر آگین‌اش به مشام فردی بیگانه برسد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۹۱)

ایشان در اوج پروا و تقوا و عفاف، به مسئولیت‌های اجتماعی خویش می‌اندیشد و آنچه لازمه‌ی خارج شدن از خانه برای یک زن مسلمان و پرهیزکار است را فراموش نمی‌کند. مقنعه بر سر می‌نمود «اشتملت بجلبابها» و چادر بر اطراف خود می‌گرفت «لائت خمارها» و در اجتماع ظاهر می‌شد. به همان گونه‌ای که خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ؛ ای پیامبر، به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو: پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند.» (احزاب، ۵۹)

فاطمه (علیها السلام) در امر ستر و عفاف حتی برای پس از مرگ خود در اندیشه بود و به اسماء که محرم رازش بود فرمود: خوش ندارم بر جسد زن پس از مرگ جامه‌ای افکند و حجم بدن نمایان باشد. به همین دلیل از ایشان می‌خواهد تا ترتیبی اتخاذ کند که پیکر زنان به هنگام تشییع در پوششی قرار گیرد که با وقار و عفاف و احترام همراه باشد. (قائمی، ۱۳۷۷، ص ۲۴۸)

نقل شده است که روزی خطاب به پدرش رسول خدا فرمودند: «پدر جان! همانا روز محشر را به یاد آورم که چگونه مردم عریان در آن روز برانگیخته خواهند شد و وای بر ما در آن روز، و وای بر ما اگر خداوند یاریمان نکند.» (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۴۴۵)

«و تزو دوا فان خیر الزاد التقوی.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۲۵۷)
در این سخن حضرت فاطمه علیها السلام به مصداقی از این قاعده کل اشاره کرده است. اینکه لباس و پوشش آن دنیا را نیز باید با تقوا و ایمان خیاطی نمود.

شخصیت خانوادگی فاطمه علیها السلام برگرفته از آموزه‌های قرآنی

پیامبر اکرم می‌فرماید: هیچ بنایی در اسلام، پایه گذاری نشده که در پیشگاه خدای عزوجل محبوبتر و ارجمندتر از تشکیل خانواده باشد. (همان، ج ۱۴، ص ۷)

در جامعه بشری بی‌شک منشأ جامعه، خانواده است و داشتن جامعه‌ای صالح بدون اصلاح خانواده امکان‌پذیر نمی‌باشد زیرا: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد، ۱۱)

اگر زیر بنای خانواده بر اساس آموزه‌های قرآنی تبیین شود، نظام خانواده از یک نظام مستحکم و پایداری برخوردار است که هیچ عاملی جز مرگ نتواند این کانون سعادت را متلاشی گرداند.

در دنیای ماشینی امروزه، بشر در مسأله خانواده با مشکلات بزرگی رو به روست که قطعاً بهترین راهنما در مسائل خانوادگی الگو برداری از

سیره و رفتارهای ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌باشد که در این میان خانواده‌ای که با پیوند زهرا و علی بوجود آمد، بهترین و کامل‌ترین الگوی یک خانواده در اسلام است که تمام معیارهای قرآن در آن متجلی شده است. در این نوشتار به مختصری از رفتارهای خانوادگی حضرت فاطمه در رابطه با پدر و مادر، همسر و فرزندان با توجه به کلام وحی می‌پردازیم.

زیباترین رابطه فرزند با والدین

از مهم‌ترین اصول اخلاقی در مکتب اسلام، احترام به پدر و مادر است. آیات و روایات تأکید فراوان در این باره دارند و جالب این که در پنج سوره‌ی قرآن (بقره، ۸۳؛ نساء، ۳۶؛ انعام، ۱۵۱؛ اسراء، ۲۳؛ لقمان، ۴۱) بعد از توحید و یکتاپرستی بدون فاصله احسان به والدین این دو نهاد ارزشمند عالم خلقت مطرح گردیده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا... وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ؛ و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را می‌پرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید... و با آنها سخنی شایسته بگوی و از سر مهربانی، بال فروتنی بر آنان بگستر.» (اسراء، ۲۴-۳)

احترام و نیکی به پدر و مادر یکی از اصول بسیار مهم ارزشمند اخلاقی است که معصومین و ائمه اطهار علیهم‌السلام، بخصوص حضرت فاطمه در گفتار و کردار خود بها و اهمیت زیادی به آن داده‌اند. و برای روشن شدن این مطلب لازم است به گوشه‌ای از رفتار آن حضرت در رابطه با

پدر و مادر که مصداق این آیات الهی می‌باشد مختصری اشاره گردد.

فاطمه علیها السلام وارث اسرار مادر

فاطمه در عین خردسالی، محرم اسرار مادر بود و پیام‌های او را نیکومی گرفت و نیکو عمل می‌کرد. باعث دلگرمی مادر بود و چه بسیار مواردی که خدیجه علیها السلام در تنگنای فکری و روانی قرار می‌گرفت و این دختر خردسال برای او گره‌گشایی می‌کرد. صبر و تحمل را به او القا می‌نمود و حتی در آلام مصائب او را تسکین می‌داد. (قائمی، ۱۳۷۷، ص ۸۸)

آنگاه که در کودکی مادر را از دست داد، دامن پدر را گرفته و می‌پرسید: پدر جان! مادرم کجاست؟ رسول خدا مانده بود چه بگوید. جبرئیل نازل شد و گفت: «سلام خدایت را به فاطمه برسان و بگو مادرش در قصری از قصرهای بهشتی که پایه‌هایش از طلا و ستون‌هایش از یاقوت سرخ است، در میان آسیه و مریم نشسته است. زهرا تا این سخن را شنید، آرام شد و بر خدا سلام فرستاد. (محللاتی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۰۳)

فاطمه علیها السلام ام ابیها

فاطمه نیز پس از مرگ مادرش، خود را وقف پدر کرده و همواره همدم، مونس و غمخوار پدر بود. رفتارش با پدر رفتاری نوازشگرانه و مادرانه بود و در همه حال نزد پیامبر بود حتی پس از ازدواج و هیچ‌گاه از کمک فاطمه بی‌نیاز نبود و از ارتباط و انس با او احساس بی‌نیازی

نمی‌کرد او در تنگناها برای رفع موانع، در رهیابی‌ها برای حل مشکل، در بیماری‌ها و مجروح بودن پدر برای پرستاری و زخم‌بندی او، در زندگی خصوصی برای سرو سامان دادن زندگی و در نیازمندی‌ها برای عرضه خدمت همه‌گانه در کنار پیامبر بود. این همراهی و تلاش تا لحظه‌ی مرگ رسول خدا ادامه یافت.

فاطمه علیها السلام در کشیدن بار رسالت پدر سهم بسزایی داشت و همواره می‌کوشید تا زمینه آسایش و آرامش او را فراهم کند تا او وظیفه‌ی سنگین رسالت را به وجهی نیکو انجام دهد و در زمان شکل‌گیری اسلام، سنگر به سنگر، در طریق کار و تلاش پدر کار و کوشش داشت. (قائمی، ۱۳۷۷، ص ۹۱-۸۹)

و همواره و همه جا پدر را بر خود مقدم می‌داشت. خودش می‌گوید: سوگند به خدا! پیامبر را بر خود و دیگران مقدم می‌دارم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۲۷)

و روایتی در فصل اول ذکر شده که شاهد بر آن است که فاطمه در حالی که خود و خانواده‌اش محتاج یک وعده غذا بودند پدرش را مقدم می‌دارد. حقیقت و عمق رابطه‌ی بین رسول و فاطمه را در «ام اییها» (همان، ص ۱۷۲) یعنی همان کنیتی که پدر، دخترش را با آن می‌خواند باید جستجو کرد. از نمونه‌های مادر گونه حضرت فاطمه نسبت به پدرش در تاریخ فراوان ذکر شده که بخاطر اطاله کلام از بیان آن می‌گذریم.

علی و فاطمه علیهما السلام دو دریای ولایت و عفت

در کلام وحی ازدواج با تعبیر «مِثَاقاً غَلِيظاً» (نساء، ۲۱)؛ یعنی پیمان محکم و استوار یاد شده که علاوه بر قداست آن، برای تحقق این پیمان به کارگیری شیوه‌ها و راه و روش‌هایی لازم است که پیامبر نیز ازدواج فاطمه با علی علیهما السلام را به خاطر وجود سنخیت و تناسب فکری و ایمانی، این ریسمان را استوار یافت. فاطمه از خانه‌ی نبوت به خانه‌ی ولایت قدم گذاشت، خانه‌ای که کانون مهر و صفاست و در آن فرزندان متولد و تربیت می‌شوند که همچون لؤلؤ و مرجان هستند.

«مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزُخٌ لَا يَبْعِيَانِ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ.» (الرحمن، ۲۲-۱۹)

احادیث و روایات معصومین، این آیات را تفسیر به آن دو بزرگوار کرده‌اند. «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ» یعنی دو دریایی که با هم ارتباط دارند و زلالی و پاکی آن دو، مانند دو دریا تشبیه شده است و این یعنی آنها در زندگی و ارتباط با هم کاملاً در صلح و آرامش و تفاهم بودند. سپس در بیان نتیجه این نوع ارتباط است که می‌فرماید از این دریا لؤلؤ و مرجان بوجود می‌آید در چنین زندگی سالم و مهرانگیز و معنوی، امام حسن و حسین علیهما السلام گوهرهای بی‌مانند این دریا هستند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «المرأه حسن التبعل؛ جهاد زن همسر داری نیکو است.» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۸)

در این میان فاطمه دخت نبی اکرم به‌عنوان همسری نمونه عملاً به زنان اسلام درس شوهرداری و خانه‌داری می‌آموزد. برای شناخت

لطایف و ظرایف جلوه‌های رفتاری و سیره‌ی عملی آن حضرت در برخورد با علی به بررسی فرازهایی از زندگی ایشان با توجه به کلام وحی می‌پردازیم.

فاطمه علیها السلام هم کفو و همتای علی

از جمله شرایط تشکیل خانواده، تناسب و هم‌کفو بودن زن و مرد با یکدیگر است. در اسلام تأکید زیادی به هم‌کفو بودن زن و مرد شده است و بهتر است که زن و مرد در ویژگی‌های مناسب برای ازدواج، مشابه و همتای همدیگر باشند. حضرت فاطمه با آن مقام عصمت و کمالات بی‌نظیرش، کفو و همتایی جز مولای متقیان علی نداشت و هیچ شخصیتی به استثنای آن حضرت صلاحیت این مقام منیع و ارزشمند را نداشته است. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اگر خداوند متعال فاطمه را برای علی خلق نکرده بود، هیچ کفو و مانندی برای علی در روی زمین چه از آدم، چه از غیر آدم یافت نمی‌شد.» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۷۴)

وجه اشتراک فاطمه با علی علیه السلام بیش از آنکه کفویت در ازدواج خانوادگی و زناشویی باشد کفویت در عبادت بود. علی آن مرد بی‌همتا، در فنای فی‌الله به درجه‌ای رسیده بود که می‌فرمود: «خدایی را که نبینم عبادت نمی‌کنم.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۹۷) و فاطمه در این اوج گیری از علی فروتر نبود.

علی و فاطمه علیهما السلام در حیات مشترک خود بیش از اینکه بکوشند سلیقه‌های دنیوی از نظر زرق و برق خانه، مزه‌ی غذا و رنگ لباس و ...

را هماهنگ کنند کوشیدند صرفاً، بنده‌ی خدا و بهترین کمک کار یکدیگر در راه وصول به کمال و عبادت باشند.

آنان با همدلی و همرازی، با هدف‌داری و هماهنگی، زندگی را رونق و صفایی می‌بخشیدند. علی خوشحال بود همسری فهمیده، با صفا و درد آشنا دارد. همسری که متوجه شرایط زمان است و علی را نیکو درک می‌کند. فاطمه هم خرسند است که مردی الهی دارد که تمام عمرش را در راه خدا صرف کرده و حتی از خواب و خوراک خود کم می‌گذارد تا بتواند خدا را از خود راضی سازد.

روایتی نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله از علی پرسید: همسرت را چگونه یافتی؟ فرمود: بهترین یار و یاور برای اطاعت و عبودیت خدا. از فاطمه هم پرسید: شوهرت را چگونه یافتی؟ فرمود: بهترین شوهر یافتم (در راه اطاعت خدا). (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۱۷)

آری! این زن و شوهر از وحدت فکری و ایمانی والایی برخوردارند که کفویت و همتایی آنها در چارچوب بندگی خداوند استوار است و چنین زن و مردی مصداق کلام خداوند متعال «وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ» (نور، ۲۶) می‌باشند. همتایی و کفویت بر مبنای طهارت و پاکیزگی معنوی زن و مرد است که مرد مؤمن هم کفو و متعلق به زن مؤمنه است. (ارفع، ۱۳۸۰، ص ۱۹)

خانه‌ی فاطمه علیها السلام سنگر آرامش و سکون

خانه‌ی فاطمه از آن خانه‌هایی است که خدای خواسته که نام او در

آنجا بلند گردد و مورد تسییح و تقدیس باشد. «فِي بُيُوتٍ أذنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ» (نور، ۳۶)

طبیعی است که چنین خانه‌ای نمی‌تواند مرکز آشفتگی و هرج و مرج باشد و نخستین چیزی که در آن باید حضور داشته باشد سکون و آرامشی که فاطمه فراهم کرده است. او می‌داند که ترقی و عظمت شوهر، کوشش و تلاش ارزنده او تا حدود زیادی مرهون زندگی آرام و ساکن او در محیط خانه است و خانه باید سنگر آرامش و محل تجدید قوا باشد تا شوهر بتواند در آن احساس راحتی کند و مشقات بیرون را از تن به در نماید. خانه فاطمه برای همسرش علی این‌گونه بود. سراسر زندگی علی از وجود فاطمه آرامش می‌گرفت تا جایی که اگر علی به خانه می‌آمد و فاطمه را نمی‌یافت، غم بر سینه‌اش سنگینی می‌کرد و بر او بسیار سخت می‌گذشت. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۳۴)

علی علیه السلام خود می‌گوید: «زهرا تسلائی من بود». (همان، ص ۱۸۷) که با نگاه به او رنجهایم را از یاد می‌برم. (همان، ص ۱۳۴)

به راستی که فاطمه نمونه و مصداق بارز کلام خداوند متعال است که می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم، ۲۱)

زهد و قناعت در زندگی مشترک

خداوند متعال در کتابش می‌فرماید: زاهد کسی است که نه بر گذشته و آن چه از دست داده تأسف بخورد و نه از آن چه به شما داده است

دل بسته و شادمان باشد. «لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (حدید، ۲۳)

«زهد» به معنی ترک دنیا و رهبانیت و بیگانگی از اجتماع نیست، بلکه حقیقت «زهد» همان آزادگی و عدم اسارت در چنگال دنیاست.

«زاهد» کسی است که اگر تمام دنیا را در اختیار داشته باشد دل بسته و وابسته به آن نباشد و اگر یک روز ببیند رضای خدا در این است که از همه‌ی آن چشم پویشد، به این معامله حاضر باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ص ۸۲)

قناعت و ساده زیستی از نقاط برجسته‌ی حیات فاطمی است. همچنین تقاضا نکردن از همسر در امور دنیوی از صفات ممتاز اخلاقی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به شمار می‌آید. تاریخ زندگی فاطمه سراسر درس زندگی برای خانواده‌هاست و برای کسانی که با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند. اقشار مختلفی که هزینه‌هایشان بیش از درآمدشان بوده و شبانه روز در اضطراب و پریشانی به سر می‌برند.

آری! فاطمه زهرا سر تا پا اسوه‌ی مقاومت بود. مقاومت در برابر سختی‌ها و تشریفات و تحریک‌ها و سرزنش‌های زنان آن دوران، که آن حضرت را در انتخاب زندگی ساده و شوهر بی‌آلایش تحریک می‌کردند؛ ولی او با الهام از آیات الهی و سخنان ارزشمند پدرش، راه پدر و انبیای الهی را برگزید و محبت دنیا و زرق و برق آن را به دل راه نداد. هرگز از علی چیزی نخواست که قدرت بر تهیه آن نداشته باشد. خودش می‌گوید: «پدرم مرا نهی کرده از این که از علی چیزی بخواهم

و می‌فرمود: «اگر چیزی به خانه آورد که هیچ، و گرنه از او چیزی نخواه.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۳۱)

با انتخاب علی به همسری، خانه‌ی دور افتاده‌ی استیجاری حارثه بن نعمان را تقبل کرد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۹، ص ۱۱۲) و با تمام وجودش همسرش را در امور دنیوی و اخروی یاری می‌کرد و لحظه لحظه‌ی زندگی مشترک نه ساله‌اش، یاری و کمک روحی و معنوی علی بوده، به گونه‌ای که علی او را «رکن زندگی» خود می‌دانند. (همان، ج ۴۳، ص ۱۷۳)

زندگی سخت زهرا گواه صادقی بر زهد اوست. علی برای درس گرفتن و عبرت دیگران از سختی‌های زهرا در خانه می‌گوید: «زهرا آن قدر از چاه آب کشید که اثر آن بر سینه‌اش باقی ماند و آن قدر با آسیاب آرد کرد که دستان او پینه بست و آن قدر خانه را رُفت و روب کرد که پیرانش غبار آلود می‌گشت و آن قدر آتش زیر دیگ روشن می‌کرد که لباسش سیاه می‌شد...» و این کارهای دشوار به او آسیب فراوان وارد می‌کرد. (همان، ص ۸۲)

سلمان می‌گوید: روزی به خانه‌ی زهرا وارد شدم، دیدم آن قدر دسته‌ی آسیاب را چرخانده که دسته‌ی آن، خونی است. (همان، ص ۲۸)

در زیارتنامه‌ی آن حضرت آمده است؛ او نه تنها زاهد بود، بلکه بالاتر از آن با زهد همدم و مأنوس بود. «حَلِيفَةُ الْوَرَعِ وَالزُّهْدِ.» (مفاتیح الجنان، زیارت حضرت فاطمه علیها السلام)

او به راستی بریده و منقطع از دنیا و فانی در ذات خداوند بود و

راستی که بتول زینده‌ی اوست. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۵)
 بتولی که این گونه قاطع و صریح می‌گوید: «انی لا احب الدنيا.»
 (امینی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۱۸) من دنیای «دنیاپرستان» را دوست ندارم.
 برای زهد زهرا همین بس که به راحتی از دنیا می‌گذرد و برای
 رسیدن به قرب خدا از سر تمامی هستی خود بر می‌خیزد و برای رسیدن
 به خوبی‌ها - همان که به ما رشد می‌دهد - از خوشی‌ها می‌گذرد.
 بدرستی که ایشان مصداق کلام وحی است که می‌فرماید: «لَنْ تَنَالُوا
 الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ.» (آل عمران، ۹۲)
 همچنین زهدش برگرفته از کلام خداست: «فَمَا مَتَاعِ الدُّنْيَا فِي
 الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ؛ کالای زندگی دنیا در برابر آخرت جز کالایی اندک
 نیست.» (توبه، ۳۸)

همان که زهرا خود می‌گوید: «ذَهَبْتُ لِلدُّنْيَا وَ جِئْتُ لِلْآخِرَةِ.»
 (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۲، ص ۱۵۲)
 از زهد زهراست که باعث شد نوری از دل‌های یهود برخیزد و قریب
 هشتاد نفر از یهودیان از نور چادر زهرا که نور الهی و از زهد و تقوای
 آن سرچشمه گرفته بود به اسلام ایمان آورند. و ید بیضای موسی (شعراء،
 ۳۳) و اثر پیراهن یوسف بر چشمان یعقوب نابینا را (یوسف، ۹۶)
 تداعی کردند. با زبان حال گفتند: چادر زهرا از پیراهن یوسف و از ید
 بیضای حضرت موسی قویتر و ارزشمندتر است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳،
 ص ۳۰)

سایر موارد زهد و بی‌رغبتی آن بانو را در مورد مسائل دنیوی که در

صحیفه‌ی تاریخ بسیار نقل شده است را به عهده‌ی رهپویان راه آن حضرت وا می‌گذاریم و در این جا به همین مجمل بسنده می‌کنیم.

یاری رساندن همسر

زن و شوهر همانند دو مجاهدند که یکی بیشتر در خانه و دیگری بیشتر در بیرون از خانه هم پای یکدیگر کوشش می‌کنند.

نمود بارز آن حضرت علی و فاطمه علیها السلام است که با صفا و صمیمیت و با کمال صداقت در اداره‌ی خانه، همکاری و معاونت داشتند؛ چنانچه در آغاز زندگی خود خدمت رسول اکرم رسیدند و از آن جانب خواهش کردند که کارهای منزل را در میانشان تقسیم کند.

رسول خدا فرمودند: کارهای داخل منزل را فاطمه انجام دهد و کارهای خارج از منزل به عهده‌ی علی باشد.

فاطمه می‌گوید: «خدا می‌داند که من چه قدر از این مطلب خوشحال شدم.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۸۱) زیرا که از نظر او رسیدگی به سنگر خانواده بسیار با ارزش است.

فاطمه اهل کار و تلاش است نه تنها در مسیر عبادت بلکه در جنبه‌ی مادی و اقتصادی سعی می‌کرد به تولید بیشتری دست یابد و درآمد زیادتری را تحصیل کند؛ نه بدان خاطر که از آن برای رونق دادن زندگی و خرید تجملات و زینت آلات استفاده کند بلکه برای دستیابی به توان بیشتر جهت خدمت به مردم.

او با همه‌ی سرگرمی و اشتغالاتی که دارد و با همه‌ی زحماتی که در رابطه‌ی با سرپرستی و اداره‌ی فرزندان متحمل می‌شود و با همه‌ی حال و

شوقی که به عبادت پروردگار دارد، می‌کوشد دقایقی از اوقات خود را خالی کند تا در آن به کاری مولد درآمد پردازد. این کار به تناسب توان فاطمه و ذوق و علاقه‌اش، با شرط تأیید مذهب بود. (قائمی، ۱۳۷۷، ص ۲۲۴)

آن بانو در خانه کارهای متعدد انجام می‌داد که خود را موظف به انجام دادنش می‌داند. از کشیدن آب از چاه و آوردن به خانه، تا رُفت و روب و نظافت خانه. از آرد کردن گندم و جو تا تهیه غذا و پختن آن، از وصله زدن لباس تا بافتن پارچه و تهیه‌ی پیراهن برای فرزندان. (عاملی ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۴۰)

در بیان زندگی حضرت زهرا آمده است که روزی حضرت علی در حالی که مقداری پشم گوسفند بافته شده به دستان مبارک فاطمه زهرا علیها السلام در دست داشتند از خانه بیرون آمدند و به بازار رفتند و پیشنهاد آن را به فردی که پشم فروشی داشت دادند او هم بر اساس معاملات سابق داد و ستد نمود و آن پشم بافته شده را به سه صاع جو خرید و تبادل نمودند؛ پس از آن خبر این معامله را به حضرت فاطمه دادند، حضرت قبول این معامله را نمودند و رضایت به آن دادند پس حضرت زهرا جو را گرفتند و یک صاع آن را (سه کیلو) آسیاب نمودند و با آن پنج قرص نان پخت.

از این نقل تاریخ برمی‌آید که:

۱. حضرت زهرا علیها السلام در خانه پشم ریزی می‌نمودند.
۲. حضرت زهرا حاصل دسترنج جو خود را به علی جهت کمک به اقتصاد خانه می‌سپردند.

۳. حضرت علی در هنگام فروش دسترنج همسرش، رضایت ایشان را شرط می دانست.

۴. از حاصل دسترنج آن بانو برای خانه نان تهیه شد.

۵. نانوایی کار دیگر حضرت زهرا بود.

۶. همین نان ها به اسیر و یتیم و مسکین داده شد و سوره هل اتی نازل شد. (نیلی پور، ۱۳۷۷، ص ۳۰۲)

بدرستی که تلاشگری فاطمه مصداق کامل چنین آیه قرآن است: «إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ؛ حَقًّا كَمَا تَوْبَهُ سَوَىٰ پروردگار خود بسختی در تلاشی و او را ملاقات خواهی کرد.» (انشقاق، ۶)

پاک نگاه داشتن محیط خانه و خانواده از گناه

بالاترین هنر یک بانوی خانواده، حفظ محیط خانه و اعضای آن از حرام الهی است، تا همیشه و در همه حال ارتباط و اعضای آن با عالم ملکوت برقرار باشد و این هنری است که فاطمه آن را به اوج تجلی رسانده است.

آن حضرت در آخرین وصیت‌های خود به امیرمؤمنان، علی بر این معنا تأکید ورزیده است. پسرم عمو جان! تا در خانه‌ی تو بودم دروغی نگفتم و خیانتی نکردم و از دستورات (الهی) تو، هیچ گاه گامی فراتر ننهادم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۹۱)

بدرستی که ایشان به خوبی اطاعت امر خداوند متعال را کرده که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و کسانتان را از

آتشی که سوخت آن، مردم و سنگهاست حفظ کنید.» (تحریم، ۶)

فاطمه علیها السلام گرمی و روشنایی خانه

فاطمه در محیط خانه همچون ماهی درخشان بود که نور وجودش روزی سه بار برای امیرالمؤمنین نورافشانی می کرد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۱) از این جهت که همواره جمالش اول روز مثل خورشید وقت چاشت و هنگام ظهر مثل ماه تابان و هنگام غروب مثل ستاره درخشان برای امیرالمؤمنین، علی می درخشید. (همان، ص ۱۶)

او مصداق چنین آیه قرآن بود: «إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنْشُورًا» (انسان، ۱۹)

فاطمه با مهر و عطوفت و لطف و عنایت خود به همسر و فرزندان به کانون خانه، گرمی و روشنی می بخشید و علی و فرزندان دل خوش این بودند که در کنار فاطمه اند و در آن کانون زندگی می کنند.

آری! این چنین است که علی محب و عاشق دلباخته ای که عشق و محبتش، عین شوق و محبت به خداست، در فراق و مرگ فاطمه می فرماید: حزن و اندوه من، دیگر همیشگی است و شبهایم بدون فاطمه به بیداری به سر می رود و اندوه فراق او، نه اندوهی است که از دلم بیرون رود، بلکه همواره در این غصه به سر می برم. (سعادت پور، ۱۳۸۸، ص ۱۹۲)

فاطمه علیها السلام مطیع شوهر

از ویژگی برتر زن نمونه آن است که مطیع شوهر باشد و سعی کند در کارها رضایت و نظر شوهر را جلب نماید.

در این میان فاطمه آن همای سعادت همواره به وظایف همسری خود عمل نموده و به تمام خواسته‌های شوهر جامه عمل می‌پوشاند. بهترین گواه آن سخن همسرش علی در این مورد است که می‌فرماید: «هیچ‌گاه فاطمه از من نرنجید و او نیز هرگز مرا نرجانید و او را به هیچ کاری مجبور نکردم و او نیز مرا آزرده نساخت. در هیچ امری قدمی بر خلاف میل باطنی من برنداشت. به خدا قسم! هرگز کاری نکردم که فاطمه خشمگین شود و او نیز هیچ‌گاه مرا خشمگین نساخت.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۲۳)

خداوند درباره‌ی زنان صالح می‌فرماید: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ». (نساء، ۳۴). «پس، زنان شایسته و درستکار [با رعایت قوانین حق] فرمانبردار [و مطیع شوهر]ند.»

در این آیه خصوصیات زنان در قبال شوهر به خوبی بیان شده است. در حقیقت اینها معیارهایی است که درباره زنان شایسته و درستکار تبیین شده و فاطمه آن معرف نهایت کمال زن اینگونه بودند چرا که تحقق و تجسم معیارهای قرآنی است.

فاطمه علیها السلام نمونه آراستگی و برازندگی برای شوهر

جلوه‌گری و خودنمایی برای شوهر نیز از دیگر خصوصیات زن است. خداوند می‌فرماید: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ وِ زِيورهای خود را آشکار نگردانند مگر برای شوهرانشان.» (نور، ۳۱)

در روایتی آمده که علی بر فاطمه وارد شد و او را آرایش کرده یافت

و فاطمه لباس رنگی پوشیده و برای علی خود را خوشبو کرده بود. ایشان برای همسرش تجملی پایین تر از حد متوسط و آرایش هم در همان سطح داشت و این برای دل علی بود و درسی برای زنان که در برابر همسر این گونه باشند. (قائمی، ۱۳۷۷، ص ۲۱۸)

و از سوی دیگر اجازه نمی داد که بی دلیل نامحرمی صدای لطیف او را بشنود. «إِنَّ اتَّقِيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ» (احزاب، ۳۲) و یا در پروای خدا و در عفاف و پاکی و قداست به گونه ای احتیاط می کرد که زینت و زیور خویش را از بیگانه ی ناینایی می پوشاند و روا نمی داشت که بوی خوش و عطر آگین اش به مشام چنین فردی برسد.

مهمان نوازی فاطمه علیها السلام

آموزه های قرآنی برای مسأله ی مهمان نوازی و آداب آن از مهمانی هایی گزارش داده است که برگرفته از سنت و سیره پیامبران بویژه حضرت ابراهیم است. خداوند متعال در قرآن خبر از میهمانان ابراهیم و طریقه ی برخورد با آن را بیان کرده: «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ...» (ذاریات، ۲۶-۲۴)

و از جمله وظایف میزبان تهیه غذای مناسب برای میهمان است. حضرت ابراهیم علیه السلام گوساله ای فربه ای را می کشد و از گوشت آن برای مهمانی استفاده می کند که این امری پسندیده و از روی سخاوت در مهمان نوازی می باشد.

رسول خدای فرماید: «برترین شما کسی است که اهل احسان بوده و

مهمان نواز باشد.» (متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۶۸۳)

فاطمه علیها السلام مهمان نوازی نمونه، در میان زنان عالم است که در عین تنگدستی و با روحیه‌ی ایثار از میهمانان شوهر پذیرایی می‌کرد.

به عنوان نمونه نقل شده است که مرد گرسنه‌ای در مسجد مدینه اظهار داشت: ای مسلمانان! از گرسنگی به تنگ آمده‌ام، مرا میهمان کنید. در این هنگام پیامبر فرمود: چه کسی حاضر است که این مرد را امشب میهمان کند؟ حضرت علی گفتند: من ای رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی حضرت او را با خود به خانه برد از فاطمه پرسید: آیا در منزل چیزی داریم؟ میهمان گرسنه‌ای را همراه آورده‌ام.

فاطمه فرمود: چیزی جز به اندازه‌ی خوراکی دختر بچه‌ای نداریم اما امشب میهمان را بر خود مقدم می‌داریم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۶، ص ۵۹) این نکته قابل تأمل است که فاطمه چگونه خود و بچه‌هایش گرسنه می‌خوابند و از مهمان شوهر پذیرایی می‌کند و آبروی شوهر و خانواده را حفظ می‌نماید.

رفتار با فرزندان

در کنار همسر داری، پرورش روحی و جسمی کودک از مهمترین وظایف زن در خانواده است.

مادر بهترین فردی است که پس از تولد فرزند شایستگی را برای تربیت وی دارد و به خوبی می‌تواند جسم و روح فرزند را پرورش دهد زیرا که رابطه تنگاتنگ و مداومی با کودک دارد.

از دیدگاه اسلام فرزندان برای انسان آزمایش‌حقتند اگر انسان در

برابر این آزمایش الهی سرفراز بیرون آید بنابراین نور چشم و میوهی دل آنها می‌شود. «وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ.» (انفال، ۲۸) که در این میان فاطمه علیها السلام بعنوان مادری نمونه در این امتحان الهی به خوبی حق فرزند را ادا نموده و از دامن پاک و مطهر اوست که یازده ذریه‌ی پاک که جانشین پیامبر و ادامه دهنده‌ی امر رسالت او هستند پدید آمد.

مراقبت از سلامتی فرزندان

مراقبت از کودکان در برابر حوادث و خطرهای و برآورد نیازهای نخستین آنان از حقوق فرزندان است که در آیه‌ای از قرآن به آن اشاره شده است: «قَالَ إِنِّي لَيَحْزَنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ ...» (یوسف، ۱۳)

«گفت: بردن او مرا سخت اندوهگین می‌کند و می‌ترسم شما از او غفلت کنید ...»
در سیره حضرت زهرا علیها السلام وجود آثار این اصل تربیتی به وضوح قابل مشاهده است.

ایشان به عنوان مادری مهربان در این مورد نیز حساسیت خاص داشته که نمونه‌ای از آن در قصه سوره هل اتی و مریضی حسنین و نذر سه روزه فاطمه برای بازگشت سلامتی و صحت فرزندان خود می‌باشد. (ر.ک: سوره انسان) همچنین گرفتن دعاهای مأثور از پیامبر برای حفاظت فرزندان و تقاضای دعا از پیامبر برای شفای امام حسن علیه السلام، (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۹، ص ۱۰۴)

در روایت است: روزی رسول اکرم به خانه زهرا آمدند، دیدند زهرا پشت درب خانه ایستاده سؤال کردند: چرا محبوبم را با این حالت پشت درب می‌بینم؟ حضرت فرمود: دو فرزندت از خانه خارج شدند و تاکنون از آنان خبری ندارم. با شنیدن این خبر پیامبر از خانه خارج شدند و در جستجوی فرزندان زهرا برآمدند تا اینکه آنان را در بین کوه در غاری یافتند که در کمال سلامت و آرامش مشغول بازی هستند. آنها را بر دوش گرفت و بسوی خانه فاطمه آمد. (همان، ج ۴۳، ص ۳۰۹)

تربیت فرزندان

فاطمه زهرا علیها السلام محیط خانه را بسیار بزرگ و حساس می‌دانست و آن را کارخانه‌ی بزرگ انسان‌سازی و دانشگاه مهم تمرینات نظامی و درس فداکاری می‌شمرد و می‌دانست که تربیت شدگان این مدرسه هر درسی را که بیاموزند در میدان بزرگ اجتماع به مرحله‌ی ظهور و بروز خواهند آورد. (نیلی پور، ۱۳۷۷، ص ۸۸)

خداوند متعال در قرآن زن را به کشتزاری تشبیه نموده: «نِسْأُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ» (بقره، ۲۲۳)

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَجَسًا...» (اعراف، ۵۸) «سرزمین پاک محصول پاک می‌دهد و سرزمین بد محصول بد می‌دهد.»

اگر با دید وسیع به این آیه بنگریم شاید بتوان یکی از مصادیق سرزمین پاک را که محصول پاک می‌دهد خانواده پاک (مادر پاک و

نمونه) بدانیم. (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۸۷)

بر اساس این تفسیر فاطمه علیها السلام به عنوان مادری نمونه است که از دامن پاک و مطهر او فرزندانى همچون امام حسن و امام حسین علیهم السلام پدید آمدند که منبع فیض و منشأ نور الهی هستند. آن حضرت فرزندانش را اینگونه تربیت کرده است. او امام حسن را چنان تربیت نمود که به خاطر مصالح اسلام و مسلمانان مهر سکوت بر لب زند و بوسیله صلح با معاویه به گوش مسلمانان برساند که اسلام تا سرحد امکان صلح را بر جنگ مقدم می‌دارد. همچنین امام حسین را چنان تربیت کرد که در راه اسلام جان خود و عزیزانش را فدا کند و در صحرای تفتیده‌ی کربلا آن گاه که بر نیزه‌ها تکیه داده فریاد می‌زند: هیهات که زیر بار ذلت بروم. من شهامت، حریت و کرامت خود را مرهون پاکدامنی و طهارت مادرم زهرا می‌دانم. (خوارزمی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۱۰)

او همچنین به زینب علیها السلام درس فداکاری و شجاعت داد تا تحت تأثیر دستگاه بیداد یزید قرار نگیرد و با سخنانش ستمگری‌های یزید را افشا نماید. (نیلی پور، ۱۳۷۷، ص ۸۸)

بازی کردن با فرزندان

بازی کودکان نقش اساسی در فرایند رشد کودک دارد و از جمله نیازهای طبیعی کودکان بازی و گردش است. «أَرْسَلُهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَ يَلْعَبُ» (یوسف، ۱۲)

« فردا او را با ما روانه کن تا [در دشت و صحرا] بگردد و بازی

کند.»

نبی مکرم اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌فرماید: شیطنت و بازی

کودک در هنگام خردسالی، نشانه زیادی عقل او در بزرگسالی است. (احمدیان، ۱۳۸۶، ص ۴۴۳)

خداوند متعال دوران کودکی را مقدمه‌ای برای رشد و بلوغ وی معرفی می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۲۴). «... ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِنَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ؛ آن‌گاه شما را [به صورت] کودک بیرون می‌آوریم، سپس [حیات شما را ادامه می‌دهیم] تا به حد رشدتان برسید» (حج، ۵)

و این زمان را دوران اشتغال به بازی و سرگرمی برمی‌شمارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۳۵۱)
«اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوٌ بَدَانِيدَ كِهَ زَنَدَكِي دَنِيَا، دَر حَقِيْقَتِ بَاَزِي وَ سَرَكْرَمِي اِسْت.» (حدید، ۲۰)

علامه شیخ بهایی با اشاره به ویژگی‌های که در این آیه مطرح شده است آن را مطابق مراحل سن انسان از کودکی تا پیری می‌داند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۱۶۴)

بر اساس این تفسیر، کودکی دوران لعب و بازی است و مادر بهترین همبازی برای فرزند خود می‌باشد که می‌تواند بین بازی کردن و آموزش و تربیت رابطه‌ای دقیقی برقرار سازد.

از باب مثال به نمونه‌ای از آن در سیره تربیتی فاطمه زهرا اشاره می‌شود: حضرت زهرا فرزندان خود را به بازی و مسابقه، تشویق و گاهی با آنان مشغول بازی می‌شد و در حین بازی با کودکانش به این نکته توجه داشت که در بازی الفاظ و حرکات مادر سرمشق کودک

قرار می‌گیرد. با حرکات و گفتارهای شیرین مادرانه و بالا و پایین انداختن فرزندان خود از کلمات و جملات مناسبی استفاده می‌نمود. نقل شده است که فاطمه با فرزندش امام حسن بازی می‌کرد و او را بالا می‌انداخت و در قالب شعر می‌فرمود:

اشبهُ أبَاكَ يَا حَسَنُ وَاخْلَعْ عَنِ الْحَقِّ الرَّسْنَ
وَأَعْبُدِ إِلَهًا ذَا الْمَنَنِ وَلَا تُثَوِّلِ ذَا الْأَخْسَنِ
(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۲۸۶)

یعنی ای حسن جان! مانند پدرت علی باش و ریسمان را از گردن حق بردار.

خدای احسان کننده را پرستش کن و با افراد دشمن و کینه توز، دوستی مکن.

همین فراز کوتاه، نمایانگر بینش الهی فاطمه و نمودار روشن مادری اوست. مادری مهربان که در قالب شعر و ترانه کودکانه نیز به آنان درس شجاعت و دفاع از حق و پرستش خدای یکتا می‌داد و در همین جمله کوتاه چهار نکته حساس را به آن کودک القا می‌کرد: مانند پدرت شجاع و خداپرست باش. از حق دفاع کن. خدا را پرستش کن. با افراد کینه توز دوستی مکن. (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۰، ص ۹۶)

ارتباط علمی با فرزندان

تعلیم و تعلم از مهم‌ترین امور سعادت آفرین برای بشر است. در سایه تعلیم بود که انسان مسجود فرشتگان شد و در سایه تعلم است که انسان

می‌تواند دیگران را رشد دهد و از زکات علم خود بهره‌مند گردد.

ارزش علم و دانش آنقدر بالاست که خداوند به قلم و آنچه از دانش و علوم می‌نگارد سوگند می‌خورد و بر اهمیت آن تاکید می‌ورزد. «وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» (قلم، ۱)

بنابراین بر مؤمنان است که از خداوند طلب علم کنند. «قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه، ۱۱۴)

رسول خدا درباره‌ی ارزش علم آموزی به کودک می‌فرماید: آنچه کودک نارس به ذهن می‌سپارد مانند نقشی است که بر سنگ می‌نهند ... (احمدیان، ۱۳۸۶، ص ۴۱۸، ح ۱۳۸۵)

خانه فاطمه، خانه علم و محل ورود و خروج ملائکه است و در مقام علمی حضرت همین بس که ایشان دخت مدینه العلم و همسر باب العلم و ام‌العلوم می‌باشد. ایشان مصداق آیه «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» (بقره، ۲۶۹) است. «[خدا] به هر کس که بخواهد حکمت می‌بخشد و به هر کس حکمت داده شود، به یقین، خیری فراوان داده شده است.»

بنابراین فرزندان که در چنین مکتب علمی تربیت شده‌اند از نظر علمی بی‌نظیرند.

از جلوه‌گاه‌های تربیت علمی فرزندان به دست فاطمه وجود روایات بسیاری است که در مجامع روایی آمده است. به یک نمونه از آن اشاره می‌شود:

فاطمه کودکانش را به محضر رسول خدا می‌فرستاد تا از دریای

دانش و معرفت متصل به وحی و علم مطلق الهی رسول خدا استفاده برند و از آنان می‌خواست که آنچه را آموخته‌اند بازگو کنند.

امام حسن مجتبی علیه السلام هفت ساله بود که در جلسات علمی و دینی رسول خدا شرکت می‌کرد و آنچه را از وحی بیان می‌نمود را به خاطر می‌سپرد. آنگاه به حضور مادرش زهرا علیها السلام می‌آمد و آنچه را شنیده بود برای مادر بزرگوارش فاطمه بازگو می‌کرد و چون حضرت علی به خانه می‌آمد، فاطمه آنها را برای آن جناب بیان می‌نمود. حضرت علی علیه السلام می‌پرسید: اینها را از کجا دریافت کردی؟ می‌گفت: از «پسرت حسن» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۲۳۸)

با توجه به این نمونه از سیره تربیتی - علمی حضرت می‌توان به نکاتی پیرامون آن اشاره نمود:

۱. فاطمه زهرا علیها السلام به ما یاد دادند که با کودکان خود گفتگوهای علمی یا مباحثه داشته باشیم.
۲. از کودک می‌توان استفاده علمی برد.
۳. کودکان را باید تشویق به نطق نمود.
۴. این عمل زهرا، تمرین برای تقویت بیان و تسلط برای سخن حق و علمی گفتن است.
۵. این عمل زهرا یعنی بخشی از زندگی را تبدیل به مدرسه نمودن و معلم و شاگرد شدن اعضای خانواده.
۶. این عمل دانش فرزند را تقویت نموده و بالا می‌برد.
۷. پس از این روایت معلوم می‌شود که فرزندان با مادران راحت‌تر هستند لذا مادران هم باید بیشتر به جنبه‌های تربیتی فرزندانشان پردازند.

(نیلی پور، ۱۳۷۷، ص ۵۹)

رعایت عدالت بین فرزندان

عدالت باعث محفوظ ماندن، حقوق افراد می‌باشد و این نکته در بین اعضای خانواده اهمیت بیشتری پیدا می‌کند چرا که فرزندان در کانون خانواده عدالت و رفتار درست را از پدر و مادر خود می‌آموزند.

خداوند متعال می‌فرماید: «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى؛ عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است.» (مائده، ۸)؛ فرستاده ایشان حضرت محمد ﷺ می‌فرماید: «اعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ بِالنَّحْلِ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَعْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبِرِّ وَاللُّطْفِ» (احمدیان، ۱۳۸۶، ص ۴۴۲، ح ۴۳۶۴)؛ «میان فرزندان، در بخشش به عدالت رفتار کنید تا آنان هم در نیکی و محبت به شما به عدالت در آیند.»

در این میان فاطمه علیها السلام به‌عنوان مادری هوشیار و نمونه با عواطف محبت آمیز مادری، فرزندان را به این صفت انسانی و اسلامی تشویق می‌کرد. نمونه‌هایی از توجه فاطمه زهرا علیها السلام به این اصل مهم تربیتی این‌گونه آمده است:

روزی دو فرزند دلنبد فاطمه، (امام حسن و حسین) در حضور پیامبر خدا کشتی می‌گرفتند در این میان فاطمه شنید که پدر بزرگوارش، امام حسن را به پیروزی بر امام حسین ترغیب می‌کند. فاطمه علیها السلام بر اساس روح دادگری خود عرض کرد: پدر جان! فرزند بزرگ را علیه فرزند کوچک ترغیب می‌کنی؟

رسول خدا فرمودند: تو اطلاع نداری که برادرم جبرئیل حسینم را برحسب تحریک می نماید. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، صص ۲۶۸ و ۲۶۳)

در قضیه‌ای دیگر آمده است که: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حسین را به مسابقه خطاطی تشویق می کردند و فرمودند: هر کس خطش زیباتر باشد قدرتش بیشتر است. امام حسن و امام حسین هر یک تلاش کردند و خط زیبایی نوشتند و پیش پیامبر بردند. رسول خدا هم قضاوت را به مادرشان زهرا واگذار نمودند.

فاطمه علیها السلام با حکمت و درایتی که داشت به آن دو فرزندش چنین فرمود: ای دو نور دیده‌ام، من گردنم را پاره می کنم و دانه‌های آن را در میان شما پخش می کنم هر کدام از شما دانه‌های بیشتری گرفت خط او بهتر و توانش بیشتر است. (همان، ج ۴۵، ص ۱۹۰)

این دو قضیه که نمونه‌ی صدها جریان دادگری فاطمه با فرزندانش می باشد، نشان از این است که فاطمه این گونه عمل می کردند تا فرزندان نسبت به همدیگر مهربان و دلسوز باشند و در برخورد و رفتار خانوادگی احترام یکدیگر را حفظ نمایند. بدرستی که عدالت مایه‌ی پیوند قلوب است (همان، ج ۲۹، ص ۲۲۰) و در رفتار ایشان ظهور کرده است.

پرورش روحیه ایثار در فرزندان

از جمله روش‌های تربیتی فاطمه علیها السلام نوع دوستی او بوده که در برابر چشمان تیزبین فرزندان به مردم کمک می کرد و خود گرسنه می ماند، ولی دیگران را سیر می نمود. (همان، ج ۴۱، ص ۳۴)

«وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (انسان، ۸).

این آیه نشان بارز این واقعیت است و اینکه شان نزول آن در مورد خانواده فاطمه می‌باشد.

جای شک نیست آن حضرت نه تنها در مسایل اقتصادی و رفع مشکلات روزمره مردم پیشگام بود، حتی از نظر اخلاقی و عواطف انسانی و ارشاد و هدایت مردم نیز به کمک آنان می‌شتافت و مصالح مردم را پیگیری می‌کرد. در حقشان دعا می‌نمود و از این طریق فرزندان خویش را به چنین عواطف اسلامی و انسان ساز پرورش می‌داد.

حضرت امام حسن علیه السلام می‌فرمایند: «شبی مادرم را دیدم که تا صبح به عبادت می‌پرداخت و مرتب مومنین و دیگران را دعا می‌کرد، ولی در حق خود ساکت بود. از علت آن پرسیدم فرمود: اول همسایه و دیگران، سپس خودمان». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۸۱)

تمام فرزندان بزرگوار آن حضرت تمام هستی خود را برای پیشرفت و تکامل انسانیت فدا کردند و اگرچه امام حسین سه بار اموالش را با فقرا تقسیم نموده و دوباره خلع ید کرده است. در دامان پر مهر و انسان ساز مادرش فاطمه پرورش یافته ... «خَرَجَ مِنْ مَالِهِ مَرَّتَيْنِ وَقَاسَمَ اللَّهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مَالَهُ». (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۱۰)

پرورش روحیه عبادی در فرزندان

یکی از بارزترین مصداق عبادت، مؤثرترین و سازنده‌ترین عمل عبادی که خداوند در تربیت دینی اعضای خانواده و فرزندان بر آن تاکید کرده نماز است. (عیسی زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۳۶) که ائمه اطهار، بالأخص مادر بزرگوارشان حضرت فاطمه با نماز و عبادت‌های مکرر

خود در خانه نوعی تمرین عملی و ارائه الگو به فرزندان است که ذهن آماده آنها را به خود جلب می‌کند.

فاطمه علیها السلام با ایجاد فضای مناسب دینی و معنوی در محیط خانواده بر اخلاق و رفتار و سرنوشت فرزند نقش آفرینی می‌کند. ایشان محیط خانواده را محیطی معنوی و مانوس با دعا و نماز و تلاوت قرآن و مناجات می‌دانست که فرزندان پرورش یافته در آن محیط با معنویت و دعا آشنا می‌شوند و به تدریج، آن خلق و خوی را فرا می‌گیرند.

دعوت اعضای خانواده به نماز از تکالیفی است که خداوند به پیامبر اکرم امر کرده و او را در این دعوت به صبر و بردباری سفارش نموده است: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا». (طه، ۱۳۲)

زیرا که نماز یاد خدا را زنده می‌ند: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي». (طه، ۱۴) در آیه‌ای دیگر خداوند متعال از حضرت ابراهیم به سبب دعا برای اقامه نماز از سوی فرزندان، به نیکی یاد کرده است. «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ» (ابراهیم، ۴۰)

دخت گرامی رسول خدا بر این مطلب تاکید داشت که بچه‌ها را از کودکی به انجام تکالیف فرا خواند و آنان را به خدا پیوند دهد و بذری محبت و ارتباط با معبود را در کلام آنان بیفشانند تا انجام تکالیف برای آنان نه تنها رنج و مشقتی نداشته باشد بلکه با شوق و اشتیاق به استقبال آن بروند.

بر این اساس فاطمه علیها السلام فرزندان خود را حتی به شب زنده‌داری عادت می‌داد. البته او شیوه تربیت را به خوبی می‌دانست و به گونه‌ای برخورد می‌کرد که در حد توان و استعداد فرزندان باشد.

آن حضرت، در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، کودکان خود را به بیداری و نخفتن وادار می‌کرد. البته ممکن است کسی تعجب کند که او چگونه بچه‌ها را به این کار که حتی برای اشخاص بزرگ هم زحمت دارد، فرا می‌خواند. آن حضرت در روز، بچه‌ها را می‌خوابانید تا کاملاً استراحت کنند و غذای کمتری به آنان می‌داد تا بدین گونه زمینه و موقعیت بهتر و مطلوب‌تری از نظر جسمی و روحی برای شب زنده داری داشته باشند. او به حدی در این کار قاطع بود که نمی‌گذاشت احدی از اهل خانه خوابش ببرد و می‌فرمود: «محرورم کسی است که از برکات شب قدر محروم بماند.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۲، ص ۱۰)

در همین شبهاست که در مقابل چشمان فرزندان خود به تهجد، عبادت و دعا برمی‌خاست و روحیه‌ی عبادت و دعا را در آنها تقویت می‌کرد. بهترین گواه کلام نورانی فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام است که فرموده‌اند: «مادرم فاطمه را دیدم که در شب جمعه در محراب خود به عبادت برخاسته و تا سپیده صبح در حال رکوع و سجود می‌بود و برای مومنین و مومنات دعا می‌فرمود.» (همان، ج ۴۳، ص ۸۲)

رفتار عبادی حضرت در تربیت دینی فرزندان چنان اثر گذار بود که فرزند گرانقدرش امام حسین علیه السلام در میدان جنگ به تهجد و عبادت می‌پردازد به گونه‌ای که یک شب جنگ را به تأخیر می‌اندازد تا بتواند با نماز شب و سحرخیزی وداع کند و در بجهوه‌ی جنگ و مشکلات از نماز استعانت می‌جوید. همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ.» (بقره، ۱۵۳)

هم‌چنین دختر گرانقدرش حضرت زینب علیها السلام، در حساسترین شب زندگی‌اش، شب هجران از حسین و برادرانش تهجد و شب زنده‌داریش ترک نشد.

از فاطمه بنت‌الحسین نقل شده که درباره عبادت شب دهم عمه‌اش زینب فرموده است: عمه‌ام زینب همچنان در آن شب در جایگاه عبادت خود ایستاده بود و به درگاه خدای تعالی استغاثه می‌کرد. (محلّاتی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۶۲)

باز امام سجاده علیه السلام در این خصوص فرموده است: «همانا عمه‌ام زینب همه نمازهای واجب و مستحب خود را در طول مسیر ما از کوفه تا شام ایستاده می‌خواند، اما در برخی منازل نماز را نشسته می‌خواند و این هم به خاطر شدت گرسنگی و ضعف او بود.» (همان)

در این جملات صحبت از ادای تکلیف نیست بلکه سخن از عشق به عبادت و نماز است. بدرستی که فاطمه و فرزندانش مصداق آیه «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام، ۱۶۲) هستند.

بیان

در خاتمه باید متذکر شویم که مجموعه آیات و روایات این فصل نیز گوشه‌ای از سیره رفتاری حضرت زهرا علیها السلام است که به جهت اختصار ذکر نشده است، که نتیجه محبت، عمل به سیره فاطمه زهرا است، همانگونه که خداوند متعال می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (آل عمران، ۳۱) دنباله‌ی محبت، باید اطاعت و متابعت باشد.

جمع بندی

قرآن کریم کتاب هدایت است «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم» که توسط مفسران الهی که دارای علم لدنی و عصمت هستند روشن و آشکار می شود «ولا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین».

همچنین پیامبر هم هدایت انسان ها را مزد رسالت خود قرار داده که سود هدایت آن به خود انسان می رسد؛ ولی چون او رحمه للعالمین است از هدایت انسان ها به مزد خودش تعبیر نموده است.

وچنانچه فاطمه علیها السلام پاره ی تن پیامبر است پس باید با تأسی به محبوبه رسول خدا این راه هدایت را به آسانی سیر نمود.

راه فاطمه، راه هدایت و سفینه النجاه و راه قرآن است.

راهی که تنها راه دیروز نبوده و نیست بلکه راه امروز و هر روز است.

راه فاطمه، راه فطرت است و در همه جای جهان قابل اجرا و عملی است.

راه فاطمه، محور درس هاست و زنان جامعه باید با الگو پذیری از این الگوی حسنه، درس اخلاص و بندگی، خوف و خشیت از خداوند، ایثار و نوع دوستی و عفت و حجاب ... بگیرند.

و درس رفتار با والدین و رفتار با همسر و فرزندان خود را از ایشان فرا گیرند.

و در زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی خود نیز پیروان خوبی برای آن

حضرت باشند. « ان شاء الله »

در نهایت توصیه‌ها و پیشنهادهای هر چند مجمل به جامعه اسلامی تقدیم می‌شود.

راهکارها و پیشنهادهای

امروزه نسل جوان به دنبال فرهنگ ناب فاطمی است تا بتواند جان تشنه خود را سیراب کند. واز جمله توصیه‌ها و پیشنهادهایی که می‌توان در این راستا ارائه نمود به شرح ذیل است:

۱. معرفت شناسی پیرامون فاطمه زهرا، و اخلاق قرآنی و سیره عملی آن حضرت که باید در جامعه بیان و از سوی مسئولان، مبلغان و فرهنگیان اشاعه و نهادینه شود.

۲. چگونگی جایگزین کردن الگوهای رفتاری حضرت در زندگی برخی افراد، به جای الگوهای غربی به وسیله خدمتگزاران نظام فرهنگی جامعه که با برنامه‌ریزی مناسب و تحلیل دقیق و پیوسته از طریق تألیف رسانه‌های چاپی و رسانه‌های جمعی (رادیو، تلویزیون) امکان پذیر است. در این زمینه «صدا و سیما» و «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» نقش به سزایی را می‌توانند ایفا کنند.

۳. برپایی کرسی‌های آزاد اندیشی و پرسش و پاسخ به شبهات فاطمی جوانان، ثمرات خوبی را در پی خواهد داشت.

۴. سیره‌ی حضرت زهرا به صورت جامع، منطقی، عقلانی و زمان آگاهانه به نسل جوان امروزی منتقل گردد.

۵. تهیه محصولات فرهنگی و هنری متنوع و به روز برای معرفی ابعاد قرآنی و فاطمی سرلوحه‌ی نهادهای حوزوی و فرهنگی قرار گیرد.

۶. الگوسازی از شخصیت حضرت زهرا علیها السلام براساس شرایط سنی، تحصیلی و

طبقات اجتماعی صورت گیرد.

۷. تهیه نرم افزاری جامع از مقالات و پایان نامه‌های فاطمی به جامعه به خصوص حوزه‌های علمیه خواهران عرضه گردد.
۸. نوآوری در معرفی این الگوی حسنه به وسیله پژوهشگران و نویسندگان. البته از گذشته تاکنون تلاش‌های فراوانی در جهت معرفی حضرت فاطمه زهرا شده اما کافی و ناظر به شرایط جامعه‌ی امروزی نبوده است. در نهایت اینکه اگر انسان کاملی همچون فاطمه که محور اهل بیت است در جامعه اسلامی بخوبی شناخته شود بسیاری از مشکلات جامعه‌ی امروزی ما حل و فصل می‌گردد.

«ومن الله التوفیق»

مرکز نشرها
وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران
ناشر تخصصی زن و خانواده



مرکز نشرهاجر

وابسته به مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران
ناشر تخصصی زن و خانواده

کتاب‌نامه

- قرآن کریم.
 - نهج البلاغه.
۱. ابن ابی الحدید، (۱۳۷۸ هـ ش)، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۲۰- مصر، دار احیاء الکتب العربیه.
 ۲. ابن طاووس (۱۳۸۸ هـ ش)، فلاح السائل، قم، انتشارات دفتر تبلیغات.
 ۳. احمدیان، ابراهیم (۱۳۸۶ هـ ش)، نهج الفصاحه (چاپ دوم)، تنظیم احادیث: هاشم صالحی، قم، گلستان ادب.
 ۴. ارفع، کاظم (۱۳۸۰ هـ ش)، سیره عملی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، بی جا، تربت.
 ۵. افتخار زاده، حسین؛ رحمانی، همدانی، احمد (۱۳۷۳ هـ ش)، فاطمه زهرا علیها السلام شادمانی دل پیامبر صلی الله علیه و آله، بی جا، بدر.
 ۶. امینی، حسین (۱۳۸۶ هـ ش)، الغدیر، ج ۲ و ۳، مترجم: جمال موسوی، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت.
 ۷. بشوی، محمد یعقوب (۱۳۹۰ هـ ش)، شخصیت حضرت زهرا علیها السلام در قرآن از منظر تفاسیر اهل سنت (چاپ سوم)، قم، بوستان کتاب.
 ۸. بحرانی، هاشم (۱۴۱۶ هـ ق)، البرهان فی تفسیر القرآن (چاپ اول)، تهران،

بنیاد بعثت.

۹. بحرانی، عبدالله (۱۴۱۱ هـ ق)، عوالم العلوم (چاپ اول)، تحقیق: مدرسه الامام المهدي (عجل الله).
۱۰. بیرانوند، محمد (۱۳۸۹ هـ ش)، تجلی اهل بیت در قرآن (چاپ اول)، اصفهان، اقیانوس معرفت.
۱۱. پورسیدآقایی، مسعود (۱۳۹۱ هـ ش)، چشمه در بستر (چاپ هفتم)، قم، انتشارات حضور.
۱۲. تفسیر المنسوب للعسکری (۱۴۰۹ هـ ق)، تحقیق: مؤسسه الامام المهدي (عجل الله)، قم، مؤسسه الامام المهدي (عجل الله).
۱۳. تهرانی، مجتبی (۱۳۹۱ هـ ش)، خطبه فدک (چاپ ششم)، تهران، مؤسسه فرهنگی پژوهشی مصابیح الهدی.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ هـ ش)، تفسیر تسنیم (چاپ ششم)، قم، انتشارات اسراء.
۱۵. جباران، محمدرضا (۱۳۸۴ هـ ش)، درسنامه علم اخلاق (چاپ اول)، قم، سنابل.
۱۶. جمعی از پژوهندگان مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (۱۳۷۲ هـ ش)، نهج الحیاه (چاپ اول)، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
۱۷. حرانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴ هـ ق)، تحت العقول، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۱۸. حسکانی، عبیدالله بن احمد (۱۴۱۱ هـ ق)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق: محمدباقر محمودی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۱۹. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۷۵ هـ ش)، انسان و قرآن، قم، انتشارات قم.

۲۰. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ هـ.ق)، تفسیر نورالثقلین، تحقیق: سید هاشم محلاتی (چاپ چهارم)، قم، انتشارات اسماعیلیان.
۲۱. خزاز قمی، علی بن محمد (۱۴۰۱ هـ.ق)، کفایه الاثر، قم، انتشارات بیدار.
۲۲. خلجی، محمدتقی (۱۳۷۹ هـ.ش)، رخساره خورشید، بی جا، میثم تمار.
۲۳. خوارزمی (۱۴۲۸ هـ.ق) مقتل الحسین، بی جا، انتشارات انوار الهدی.
۲۴. رازی، فخرالدین (۱۴۲۰ هـ.ق)، تفسیر مفاتیح الغیب (چاپ سوم)، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۲۵. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۷ هـ.ق)، الدعوات، قم، مدرسه الامام المهدی (عجل الله).
۲۶. رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۹ هـ.ش)، دین شناسی از دیدگاه فاطمه زهرا (علیها السلام) (چاپ سوم)، قم، انتشارات دلیل ما.
۲۷. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ هـ.ق)، تفسیر الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل (چاپ سوم)، بیروت، دارالکتاب العربی.
۲۸. سعادت پور، علی (۱۳۸۸ هـ.ش)، جلوه نورپرتوی از فضایل معنوی فاطمه زهرا (علیها السلام) (چاپ پنجم)، تهران، انتشارات احیاء کتاب.
۲۹. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ هـ.ق)، تفسیر الدر المنثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۳۰. شریعتی، محمدتقی (۱۳۴۶ هـ.ش)، تفسیر نوین، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۳۱. شوشتری، قاضی نور الله (۱۴۰۳ هـ.ق)، احقاق الحق، تصحیح و تعلیق: شهاب الدین نجفی مرعشی، قم، کتابخانه آیه الله نجفی مرعشی.
۳۲. صادقی، علی اکبر (۱۳۷۴ هـ.ش)، فاطمه الزهرا (علیها السلام)، قم، امیر کبیر.

۳۳. صادقی، ارزگانی، محمدامین (۱۳۸۸ هـ.ش)، انسان کامل از نگاه امام خمینی علیه السلام، قم، انتشارات پژوهشگاه علوم و معارف اسلامی.
۳۴. صاحبی فرد، علی اکبر (۱۳۸۳ هـ.ش)، ۱۳۵ نور فاطمه سلام الله علیها در قرآن، قم، مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف).
۳۵. طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷ هـ.ق)، المیزان فی تفسیر المیزان (چاپ پنجم)، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ هـ.ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن (چاپ سوم)، تحقیق: محمدجواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۳۷. طبری، ابوجعفر (۱۳۶۹ هـ.ق)، دلائل الامامه، قم، منشورات الرضی.
۳۸. طبسی، محمدجواد (۱۳۸۰ هـ.ش)، فاطمه علیها السلام الگوی حیات زیبا، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۹. عاملی، حر (۱۴۰۹ هـ.ق)، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت.
۴۰. عیاشی، محمدبن مسعود (۱۳۸۰ هـ.ش)، التفسیر، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، چاپخانه علمیه.
۴۱. عیسی زاده، عیسی (۱۳۹۱ هـ.ش)، خانواده قرآنی (چاپ چهارم)، قم، بوستان کتاب.
۴۲. فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ هـ.ق)، تفسیر فرات الکوفی (چاپ اول)، تحقیق: محمدکاظم محمودی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۴۳. قائمی، علی (۱۳۷۷ هـ.ش)، در مکتب فاطمه علیها السلام، قم، امیری.
۴۴. قرائتی، محسن (۱۳۸۳ هـ.ش)، تفسیر نور (چاپ یازدهم)، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

۴۵. ----- (۱۳۸۸ هـ ش)، اصول عقاید (چاپ هفتم)، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۴۶. قمی، علی‌بن ابراهیم (۱۳۶۷ هـ ش)، تفسیر مقی (چاپ چهارم)، تحقیق: طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب.
۴۷. قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا (۱۳۶۸ هـ ش)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب (چاپ اول)، تحقیق: حسین درگاهی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۴۸. قمی، عباس (۱۴۰۰ هـ ق)، سفینه البحار، بیروت، دارالتعاریف.
۴۹. کاشانی، فیض (۱۴۱۵ هـ ق)، تفسیر الصافی (چاپ دوم)، تحقیق: حسین اعلمی، تهران، انتشارات الصور.
۵۰. کاشانی، فتح‌الله (۱۳۳۶ هـ ش) تفسیر منهج الصادقین، تهران، کتاب‌فروشی محمدحسن علمی.
۵۱. کاشف الغطاء، جعفر (۱۳۸۰ هـ ش)، کشف الغطاء، قم، انتشارات بوستان کتاب.
۵۲. کلینی (۱۳۶۵ هـ ش)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۵۳. مترجمان (۱۳۶۰ هـ ش)، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات فراهانی.
۵۴. متقی هندی (۱۴۰۱ هـ ق)، کنز العمال، تصحیح: شیخ بکری حیانی، بیروت، مؤسسه الرساله.
۵۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ هـ ق)، بحار الانوار، ج ۲ و ۱۴ و ۱۶ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۵ و ۳۶ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۵ و ۵۳ و ۵۹ و ۶۷ و ۷۲ و ۷۹ و ۹۱ و ۹۸، بیروت مؤسسه الوفاء.

۵۶. محدث، نوری (۱۴۰۸ هـ.ق)، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل بیت.
۵۷. محسنی ارزگانی، رسول (۱۳۸۹ هـ.ش)، سیمای اهل بیت علیهم السلام در عرفان اسلامی (چاپ اول)، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
۵۸. محلاتی، ذبیح الله (۱۳۶۸ هـ.ق)، ریاحین الشریعه، بی‌جا، دارالکتب الاسلامیه.
۵۹. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۶ هـ.ش)، میزان الحکمه (چاپ هشتم)، قم، سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.
۶۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳ هـ.ش)، آموزش عقاید، قم، مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
۶۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ هـ.ش)، تفسیر نمونه (چاپ اول)، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۶۲. ----- (۱۳۷۶ هـ.ش)، زهراء علیها السلام برترین بانوی جهان، قم، سرور.
۶۳. موحد ابطحی، محمدباقر (۱۳۷۹ هـ.ش)، الصحیفه الفاطمیه، قم، مؤسسه الامام المهدی (عجل الله).
۶۴. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۰ هـ.ش)، آداب الصلاه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۶۵. موسوی گرمارودی، ابوالفضل (۱۳۸۰ هـ.ش)، حضرت زهراء علیها السلام بانوی بانوان، قم، دلیل ما.
۶۶. موسوی مقدم، عبدالرزاق (۱۳۷۲ هـ.ش)، صدیقه شهیده زهراء علیها السلام، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۶۷. منتظر القائم، اصغر (۱۳۸۸ هـ.ش)، مجموعه مقالات کنگره حضرت فاطمه علیها السلام و انسان معاصر (چاپ اول)، اصفهان، انتشارات کانون پژوهش.

۶۸. نقی پورفر، ولی الله (۱۳۸۰ هـ ش)، بررسی شخصیت اهل بیت علیهم السلام در قرآن (چاپ دوم)، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۶۹. نیلی پور، مهدی (۱۳۷۷ هـ ش)، فرهنگ فاطمیه، اصفهان، مرکز فرهنگی هنری رزمندگان اسلام.
۷۰. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۳ هـ ش)، فرهنگی قرآن، قم، بوستان کتاب.

نرم افزارها

- نرم افزار جامع التفاسیر.
- نرم افزار جامع الحدیث.
- نرم افزار ریحانه.
- نرم افزار شاخه طوبی.

معرفی کتابهایی در زمینه‌ی فاطمه شناسی

۱. اشعری، حسین (۱۳۴۷ هـ ش)، سیمای فاطمه زهراء علیها السلام در قرآن و عترت (چاپ اول)، قم، نصایح.
۲. انصاری، عذرا (۱۳۷۲ هـ ش)، جلوه‌های رفتاری حضرت زهراء علیها السلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۳. انصاری زنجانی، اسماعیل (۱۴۲۸ هـ ق)، الموسوعه الکبری عن الفاطمه الزهراء علیها السلام، (چاپ اول)، قم، دلیل ما.
۴. حسینیان قمی، مهدی (۱۳۷۹ هـ ش)، زخم خورشید، تهران، امیرکبیر.
۵. حلو، محمد (۱۴۲۱ هـ ق)، ما نزل من القرآن فی شأن فاطمه الزهراء علیها السلام، قم، دار الکتاب الاسلامی.
۶. رحمانی همدانی، احمد (۱۳۶۹ هـ ش)، فاطمه الزهراء علیها السلام بهجه قلب

- المصطفی (چاپ اول)، تهران، بدر.
۷. رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۹ هـ ش)، فاطمه الزهراء علیها السلام مظلومه تاریخ (چاپ اول)، قم، صبح امید یاران.
۸. شیرازی، صادق (۱۴۲۱ هـ ق)، فاطمه ازهراء فی القرآن، قم، مؤسسه الفکر الاسلامی.
۱۰. عزیزی، عباس (۱۳۹۱ هـ ش) ۳۶۰ فضایل حضرت زهراء علیها السلام (چاپ دوازدهم)، قم، صلاه.
۱۱. قدسی، حسین (۱۳۷۹ هـ ش)، سیمای حضرت فاطمه علیها السلام در قرآن کریم، تحقیق: جواد میر شفیعی خوانساری، تهران، بنیاد پژوهش‌های علمی و فرهنگی نور الضیاء.
۱۲. قزوینی، سید کاظم (۱۳۷۹ هـ ش)، فاطمه الزهراء علیها السلام من المهد الی اللحد (چاپ اول)، بیروت، دار الصادق.
۱۳. کمپانی، فضل الله (۱۳۸۶ هـ ش)، حضرت زهراء علیها السلام (چاپ اول)، تهران، انتشارات مفید.
۱۴. مهاجر، حمید (۱۴۱۳ هـ ق)، اعلموا انی فاطمه علیها السلام، ج ۱-۱۰، بیروت، دار الكتاب و العتره.
۱۵. مجلسی محمدباقر (۱۴۰۳ هـ ق)، بحار الانوار، ج ۴۳، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۱۶. نیشابوری، حاکم (۱۳۹۱ هـ ش)، فضایل فاطمه زهراء علیها السلام، مترجم: جابر رضوانی، قم، انتشارات بنی الزهراء.